تحلیل ماه، ویژه‌نامه انتخابات

بهمن ماه ۹۱

# انتخابی در تراز دهه چهارم انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

# انتخابی در تراز دهه چهارم انقلاب

# فهرست


## دیباچه ..... ۵
«انتخابات پرشکوه» تجلی قدرت تسخیرناپذیر ایران اسلامی

## مقاله‌ی اول..... ۸
راهبرد نظام اسلامی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

## مقاله‌ی دوم ..... ۱۴
آرایش انتخاباتی جریان‌های سیاسی در یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

## مقاله‌ی سوم ..... ۲۳
بررسی گفتمان‌های غالب در یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری

## مقاله‌ی چهارم ..... ۳۳
بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تحرکات اردوگاه استکبار در رابطه با دو انتخابات دهم و یازدهم ریاست جمهوری

## مقاله‌ی پنجم ..... ۵۲
تبیین مدیریت رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوادث قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری

## مقاله‌ی ششم ..... ۸۰
نگاهی آماری به ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران

## دیباچه

# «انتخابات پرشکوه»
# تجلی قدرت تسخیرناپذیر ایران اسلامی

علامه‌ی شـــهید مرتضی مطهری که برای دیدار با حضرت امام خمینی(ره) و کسب راهبرد درباره‌ی چگونگی هدایت انقلاب اسلامی به پاریس سفر کرده بود، پس از بازگشـــت از این ســـفر در جمعِ گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در پاســـخ به این سؤال که امام خمینی(ره) را پس از سال‌ها دوری چگونه یافتید، اظهار داشت:

«مـــن در حضرت اســـتاد، ایمان به چهار رکن را دیـــدم که کوچک‌ترین تأمل و درنگی در آن نداشـــت. اول «آمن بالله» بود که به خدای بزرگ ایمان راســـخ داشـــت. دوم «آمن بهدفه» بود و به وظیفه‌ای که بر دوش او نهاده شـــده اعتقاد کامل داشـــت. سوم تجلی «آمن بسبیله» را در او مشاهده کردم. ایشان به راه و مسیری که گام نهاده و شیوه‌ی مبارزه با طاغوت اطمینان کامل دارند و بالاخره «آمن بقومه» را در ایشان مشاهده کردم. آن مرد خدایی به سرمایه‌های بنیادین یک مبارزه مســـتمر یعنی به مردم و پیروان خود ایمان و اطمینان کامل دارد و ایمان به این چهار عنصر بدون تردید باعث پیروزی و نصرت او خواهد شد.»

بر این مبناســـت که معمار نظام جمهوری اســـلامی ایران، پایه‌های «حدوث» و «بقـــا»ی ایـــن نظام را بر پایه‌ی گســـترده حضور مردم بنیان نهـــاد و راهبُرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران را بر «بازدارندگی مردمی»، «حضور همه‌جانبه»، «برنامه محور» و «هوشـــمندانه» قرار داد؛ چرا که در طول تجربه‌ی بشری، این امر بدیهی و مســـلم است که هیچ قدرت و سلاح کشتارجمعی قادر به شکست اراده‌ی پولادین یک ملت یکپارچه، معتقد، بیدار و باانگیزه نیســـت و دولت‌های

عصر حاضر هم به این باور رسیده‌اند که نیروهای مردمی تنها پشتوانه و ذخایر لایزال و تسخیرناپذیر آنها محسوب می‌شوند.

بـدون شـک انتخابات یازدهمین دوره‌ی ریاسـت جمهـوری در ایران، یکی از آوردگاه‌هـای مهـم رویارویی ملت و دولت ایران با دنیـای غرب خواهد بود، آوردگاهی که مشـارکت عمومی و هوشـمندانه‌ی یک ملت، نقشـی به‌سزا در خاموش کردن فتنه‌ها و برنامه‌های دشمنان ایفاء خواهد نمود، اما چنانچه این مشـارکت، با حضـوری کم‌رنگ و کم‌روح رقم بخورد، دسـت برتر غرب به‌ویژه آمریـکا را در تحولات آینـده و نحوه‌ی مواجهه با جمهوری اسـلامی ایران به نمایش خواهد گذارد.

اگرچه تبیین فضای رسـانه‌ای و برشـمردن تمامی محورهایی که در دستور کار پروژه‌ی نبرد رسـانه‌ای قرار گرفته، در این مجال کوتاه میسـر نیست اما با اندکی تأمل و مطالعه در محتوای متون و گفتمان‌های غالب رسانه‌های خبری غرب و زائده‌ی نامشـروع آنان یعنی اپوزیسـیون مقیم خـارج، این نکته هویدا می‌شود که این شبکه‌ها، هم‌زمان با نزدیک شدن زمان انتخابات، موج تازه‌ای از حملات تبلیغی خود را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در قالب میزگردهای سیاسی، مصاحبه‌های خبری و نظرات کارشناسی و ارتباط گسترده با مخاطبان داخلی و خارجی، بر محور «تحریم انتخابات»، «رقابتی نبودن انتخابات»، «فاقد اختیار بودن رییس‌جمهور»، «دل‌سـرد بودن مردم»، «برجسته‌سازی مشکلات اقتصـادی» و «تخریـب چهره‌های اصولگـرا» معطوف نموده‌انـد که تحلیل و رفتارشناسی رسانه‌ها در این برهه‌ی زمانی، تا حدودی پرده از مقاصد شوم آنان به کنار خواهد زد.

پس از مأیوس شـدن دنیای غرب از تغییر رژیم ایران از طریق حمله نظامی، رفتار سـال‌های اخیر آنان نشان می‌دهد که شکست پوسته‌ی سخت حاکمیت ملـی را به عنوان هـدف راهبردی خود برگزیده‌اند و قصـد دارند به هر قیمت ممکـن، وارد زیر سـطح حاکمیت ملی ما از طریق فرایندهای سیاسـی درون جامعه شوند. دشمنان نظام اسلامی به دنبال این هستند که از آن پوسته سخت حاکمیـت، راه نفوذی را پیدا کرده و همچون باغبانی تنه‌ی درخت مسـتحکم امنیت ملی کشـور را قلمه و پیوندهایی بزنند که از آن محصول مورد نیاز خود را برداشت کنند.

بنابراین پر واضح است که رسانه‌های غرب به‌ویژه آمریکا، هدف اولیه را تحریم انتخابات، هدف نازل‌تر را مشارکت حداقلی و هدف آخر خود را چیدن محصول سیاسی متفاوتی از محصول کلی درخت حاکمیت ملی و انقلابی ما می‌دانند که

به تعبیر خودشان، «آمریکایی‌های غیر آمریکایی» هستند.
بر همین اساس تخریب چهره‌های اصولگرا، القای اختلاف عمیق و گسترده در میان نیروهای وفادار به نظام، حمایت هدفمند از نامزدی خاص، القای احساس ترس و وحشت از به قدرت رسیدن نیروهای اصولگرا، به یکی از مهم‌ترین گزاره‌های این رسانه‌ها تبدیل شده است.
امید است علی‌رغم تمامی توطئه‌هایی که فراروی برگزاری سالم، پرشور و قانونی انتخابات یازدهم تدارک دیده شده، مردم هوشمند و هوشیار ایران اسلامی، با حضوری گسترده و پرشور در انتخابات ۲۴ خرداد که نمادی آشکار از مشارکت سیاسی و نقش‌آفرینی مردم در سرنوشت جامعه‌ی اسلامی است نقشی بی‌بدیل در بارور نمودن قدرت خفته‌ی یک ملت ایفاء نمایند. انتخاب یازدهم ریاست جمهوری با مشارکتی پرشور و گسترده و با انتخاب رییس‌جمهوری در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی که به دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری شده است می‌تواند با همت و هوشمندی مردم به صحنه‌ی احقاق حق تبدیل شود و مظهری شود برای توانایی و اقتدار ملی کشور که انشاالله چنین نیز خواهد شد.

مقاله‌ی اول

# راهبرد نظام اسلامی
# در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

راهبرد نظام اسلامی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مبتنی بر این گزاره کلیدی است:
«برگـزاری انتخابات پرشـور و گسـترده با آرامش، امنیت، سـلامت و انتخاب رییس‌جمهوری در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی»
این گزاره در حال حاضر در دسـتور کار رسـانه‌ی ملی، دستگاه‌های اجرایی و نظارتی و مراکز امنیتی قرار گرفته است تا به حول و قوه الهی بتوانیم انتخاباتی در حد نام و اعتبار جمهوری اسلامی ایران برگزار نماییم.
در عبارت فوق چند شاخص برای انتخابات یازدهم ریاست جمهوری وجود دارد که هر یک نقشی اساسی و تأثیرگذار در برگزاری انتخاباتی در تراز ملت بزرگ و هوشیار ایران اسلامی خواهد داشت:

## برگزاری انتخابات

این فراز پاسـخی به برخی متوهمان داخلی است که این روزها گاه از قول آنها شـنیده می‌شود که اگر فلان اتفاق بیفتد و یا فلان نامزد تأیید صلاحیت نشود انتخابات برگزار نمی‌شود و یا به تعویق می‌افتد.
همچنیـن هشـدار و آماده‌باش به نیروهـای امنیتی و انتظامی اسـت که باید آمادگی خود را در برابر تهدیدات آشـکار و پنهان دشمن خارجی حفظ نمایند

تا انتخابات بدون حتی یک ساعت تأخیر برگزار شود. با توجه به رایانه‌ای برگزار شـــدن انتخابات باید مراقبت‌های جدی و لازم در برابر تهدیدات سایبری را نیز پیش‌بینی کرد.

## مشارکت پرشور و گسترده

کارشناســـان علوم سیاسی حضور ۶۵ تا ۸۵ درصدی مردم ایران در انتخابات را یک حضور گســـترده می‌دانند که انشاالله این حضور علی‌رغم همه‌ی مشکلاتی که در کشور با آن مواجه هستیم شکل خواهد گرفت. امروز استاندارد حضور در انتخابات ریاست جمهوری در کشورهای غربی حدود ۵۵ درصد است. مشارکت بالای ۸۵ درصد را مشارکت حداکثری می‌گویند.

مشـــارکت پرشور و گســـترده مردم در انتخابات بسیار اساسی و تعیین کننده اســـت و ســـبب عزت، اعتبـــار و اقتدار نظـــام جمهوری اســـلامی در صحنه‌ی بین‌المللی می‌گردد. در واقع برگزاری یک انتخابات پرشـــور، بانشـــاط به همراه حضور گسترده‌ی مردم از تمامی جریاناتِ نظام جمهوری اسلامی و فارغ از نگاه به سلیقه‌های مختلف، اعتبار و جایگاه نظام را تقویت خواهد کرد.

در این میان راهبرد مســـتمر و ثابت مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) در همه دوره‌ها تأکید بر لزوم مشارکت فراگیر و گسترده در انتخابات بوده است. ایشان دراین‌بـــاره می‌فرماینـــد: «انتخابات یکی از عرصه‌های ظهـــور و بروز وحدت ما، عقلانیت ما و شعور ملی ما می‌تواند قرار بگیرد. بعضی خیال می‌کنند انتخابات، زمزمه‌های انتخاباتی، فضای انتخاباتی مایه‌ی اختلاف است. نه، می‌تواند مایه‌ی اتحاد باشد؛ می‌تواند تشجیع کننده‌ی به سرعت عمل و پیشرفت باشد. با رقابت مثبت، هر گروهی سعی کند برای خدمت‌گذاری به این ملت، سهم متناسب با خودشان را که لایق خودشان می‌دانند، به‌دست بیاورند. هیچ اشکالی ندارد این رقابت مثبت به جامعه نشاط می‌بخشد، ما را زنده‌دل می‌کند، روح جوانی را بر جامعه‌ی ما حاکم می‌کند.» (مهر ۱۳۸۶)

«به نظر من مســـئله‌ی اول در انتخابات، مســـئله‌ی این شـــخص و آن شخص نیست. مسئله‌ی اول، مسئله حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند. آبروی ملت را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه‌زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می‌کند.» (اردیبهشت ۱۳۸۸)

از راهبرد فوق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انتخابات پرشـــور و همراه با حضور

گســترده همه‌ی جریاناتِ معتقد بــه نظام، بــه دور از رقابت‌های مخرب یکی از راهکارهای تقویت امنیت ملی اســت. چرا که این حضور فراگیر، ســرمایهی اجتماعی را که میزان مشــارکت، اعتماد و آگاهی ملت ایران است را به نمایش می‌گــذارد. همچنین حضور گســترده‌ی مــردم در انتخابــات می‌تواند در برابر تهدیدات دشــمن بازدارندگی به‌وجود بیاورد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری این حضور را مانع طمع‌ورزی دشمنان در اعمال تهدید و فتنه می‌دانند.

اما نکته‌ی اساسی و قابل‌تأمل آن است که در آن سوی میدان نیز راهبردِ تحریم، انتخابات سرد و تلاش رسانه‌ای برای مشارکت حداقلی از دستور کار دولت‌های غربی و رسانه‌های وابسته به آن و جریان اپوزیسیون و تجدیدنظرطلب خارج شده است. راهبرد جدید غرب برای تأثیرگذاری بر انتخابات، بسیج رسانه‌ها و همه‌ی جریانات و گروهای مخالف و معارض برای مشارکت حداکثری با تأثیرگذاری بر نگرش و باورهای ذهنی مردم به ســمت نامزدی خاص و یا فهرست نامزدهای گروهایی خاص است. برنامه‌ی غرب در انتخابات این است که یا گزینه‌های مورد نظر ما باید رأی بیاورد و یا با برهم زدن بازی، انتخابات ابطال شود.

**عوامل تأثیرگذار در کاهش مشارکت مردم:**

- ایجاد شبهه در مورد سلامت انتخابات در بین آحاد مردم
- دامن زدن به اختلافات سه قوه و کشاندن آن به میان مردم و رسانه‌ها
- ایجاد شکاف اجتماعی و سیاسی در بین نخبگان و برخی اقشار جامعه
- ترویج روحیهی عدم اعتماد به نظام و مسئولان در بین مردم
- تشدید تحریم‌ها و بروز مشکلات اقتصادی
- ناآرام کردن فضای امنیتی کشور با ترور، بمب‌گذاری و خرابکاری
- تلاش ناکافی در ایجاد بسترهای اقناعی و مدیریت افکار عمومی
- ایجاد اختلافات قومی، مذهبی و سوءاستفاده از این اقدامات
- افشاگری‌های ناامیدکننده و بی‌اعتمادی نسبت به اوضاع کشور در بین مردم

## آرامش

کلیدواژهــی آرامــش مربوط به فضای جامعه و مردم اســت. اگر چه حاکمیت فضای آرامش یک نیاز همیشــگی برای مردم اســت اما در آســتانه‌ی ورود به انتخابات این ضرورت دو چندان شده و همه‌ی مسئولان و رسانه‌ها موظفند این فضــای آرام را در جامعه رقم بزنند. ورود به انتخابات در فضای ملتهب و گرگ

و میش گونه می‌تواند بسترساز ایجاد فتنه و ناآرامی و آشوب در کشور باشد.
غرب که همواره دنبال به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی است، اعتقاد دارد که خودِ انتخابات فی‌نفسه از ظرفیت لازم برای چالش امنیتی برخوردار است. سال ۱۳۸۸ نشان داد انتخابات برای طرف غربی یک فرصت است و می‌توان با انتخاباتی ولو با مشارکت ۸۵ درصدی، امنیت و مشروعیت نظام را هدف قرار داد.

تفاوت انتخابات ریاست جمهوری با انتخاباتهایی چون مجلس و شوراها این است که در انتخابات ریاست جمهوری، یک نفر در سطح ملی انتخاب می‌گردد. عمده چالش‌های امنیتی متأثر از انقلاب‌های رنگیِ ناشی از حرکت‌های اعتراضی به نتایج انتخابات در پایتخت‌ها رخ می‌دهد. در صورت القاء شبهه در سلامت انتخابات و تردید در این‌که رأی شما به حساب نیامده است، بی‌ثباتی و چالش در سطح ملی توزیع و به سطح شهرستان‌ها منتقل می‌شود و در صورت فراگیری آن، مهار و کنترل آن پیچیده‌تر خواهد شد.
بنابراین انتخابات پیشرو می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ریشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی در محیط خارجی داشته باشد. به عبارتی می‌تواند دارای پیامدهای سیاسی افزایش‌دهنده‌ی قدرت نرم و آسیب‌پذیری‌های کاهش‌دهنده‌ی امنیت نرم باشد. این انتخابات در صورتی‌که توسط نخبگان، مسئولان و مردم مراقبت و مدیریت نشود، می‌تواند بسترهای زیادی را برای بروز بحران اعتماد، کارآمدی، هویت و انسجام به‌وجود بیاورد و به الگوی موفق و الهام‌بخش جمهوری اسلامی و چهره مردم‌سالار ایران در محیط خارجی آسیب وارد نماید و برداشت از جمهوری اسلامی ایران و باورهای ذهنی را دگرگون سازد.
اما از سوی دیگر انتخابات یازدهم ریاست جمهوری می‌تواند به نمایش الگوی موفق «مردم‌سالاری دینی» تبدیل شود و موجب شود تا اقتدار، هم‌بستگی ملی و اعتماد مردم به نظام افزایش یابد و کمک کند تا جمهوری اسلامی به عنوان الگوی کارآمد، الهام‌بخش و نمونه‌ی مردم‌سالاری دینی، در سطح منطقه ظهور موثرتری داشته باشد.

## امنیت

تأمین امنیت فضای جامعه قبل، حین و پس از برگزاری انتخابات وظیفهی اصلی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی است به‌صورتی که به‌هیچ وجه اجازه‌ی عرض اندام به بَرهَم زنندگان امنیت و آرامش جامعه داده نشود.

## سلامت

این کلیدواژه مربوط به دو گروه مجریان و ناظران انتخابات اســت. وزارت کشور به عنوان مجری و شــورای نگهبان به عنوان ناظر انتخابات باید ضامن سلامت انتخابات باشند.

در ایــن میــان جریان فتنــه داخلی و خارجــی تلاش دارند بــرای مخدوش جلــوه‌دادن ســلامت انتخابات در ایــران، طرحی نو دراندازند. از این رو شــش ماه مانده تا انتخابات ریاســت جمهوری یازدهم، کلیــدواژه‌ی «انتخابات آزاد» به دفعات از ســوی چهره‌های برجسته‌ی طیف‌های مختلف جریان اصلاحات-فتنه به کار رفته و این واژه به پُربســامدترین واژه‌ی تبلیغاتی جریان فتنه طی ماه‌های گذشته تبدیل شده است. امری که با واکنش اعتراض‌آمیز و هشدار مقام معظم رهبری در روز نوزدهم دی‌ماه مواجه شــد و ایشان با تأکید بر آزاد بودن تمامی انتخابات در جمهوری اسلامی، به صراحت این اقدامات و القائات را تأمین خواســته‌های دشمن دانستند و مطرح کنندگان این کلیدواژه‌ی فتنه‌انگیز را از تکمیل کردن جدول مورد نظر دشمن بر حذر داشتند.

تشــکیک در ســلامت انتخابات و شــائبه‌ی تخلف در آن، همواره در آستانه‌ی برگزاری انتخابات در جمهوری اســلامی، به‌ویژه از ســوی محافل و رسانه‌های خارجی و گروه‌های ضدانقلاب، همچون خاندان پهلوی، رجوی و نهضت آزادی مطرح شده است. این پروژه اهدافی دارد که مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار است:

- مخدوش کردن نظام و سلامت و کارآمدی آن
- تشکیک در سلامت انتخابات با هدف ایجاد فضای بی‌اعتمادی
- زیر سؤال بردن ویژگی مردمی بودن نظام و مخدوش کردن حضور یا دل‌سرد کردن مردم از مشارکت گسترده
- نفی جایگاه ولی‌فقیه و نظارت استصوابی به عنوان ناقضان آزادی انتخابات
- تجهیز و متشکل‌تر شدن فکری و سازمانی بدنه‌ی اجتماعی فتنه‌گران
- هم‌افزایی و ائتلاف بین اپوزیسیون داخل و خارج کشور
- قبح زدایی از طرح نظارت سازمان‌های بین‌المللی بر انتخابات کشور
- پیدایش فشار اجتماعی به نظام
- القای یأس و ناامیدی در مردم نسبت به نظام و مسئولین
- مخدوش جلوه‌دادن الگوی مردم‌سالاری دینی

هرچند در طول سه دهه‌ی اخیر این شبهه در هر دوره از انتخابات از سوی معاندین نظام مطرح شده است، اما متأسفانه در انتخابات ریاست جمهوری دهم و در آستانه‌ی انتخابات یازدهم ریاست جمهوری، صداهایی از درون نظام به آن پژواک داده‌اند. این فضاسازی مسموم رسانه‌ای از سوی دشمنان نظام قابل پیش‌بینی و انتظار است، اما طرح یا تکرار آن از سوی عناصری از درون نظام پدیده‌ای نادر و قابل‌تأمل است.

در طرف دیگر میدان، جریان فتنه درصدد است مانند انتخابات ۸۸، با کشاندن دست‌مایه‌ی انتخابات آزاد به فضای عمومی و با راه‌هایی شبیه «نافرمانی‌های مدنی و اعتصابات سراسری»، به زعم خود، نظام اسلامی را به فتنه‌ای دیگر در بحبوحه‌ی انتخابات بیالاید یا حداقل برای مخدوش بودن انتخابات ۸۸ و غیر آزادانه بودن آن تأییدی تلویحی بگیرد و از هم‌اکنون با مظلوم‌نمایی، از شکست احتمالی خود در انتخابات آتی، راهی برای فرار به جلو بیابد.

## انتخاب رییس‌جمهور در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی

این وظیفه و تکلیفی است که بر دوش همه‌ی رأی‌دهندگان سنگینی می‌کند. مردم هوشیار ایران اسلامی با درک همه‌ی فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی انقلاب اسلامی باید به نامزدی رأی دهند که در تراز دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی بوده و با روحیه‌ای کارآمد، ولایت‌مدار و انقلابی بتواند در این دهه از انقلاب که توسط مقام معظم رهبری به دهه‌ی پیشرفت و عدالت نام‌گذاری شده، ضمن صیانت از ارزش‌های اسلامی، جریان سازندگی و پیشرفت کشور را با سرعت بیشتری به سوی افق‌های روشن هدایت نماید.

مقاله‌ی دوم

# آرایش انتخاباتی جریان‌های سیاسی در یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ماه سال ۱۳۹۲ برگزار خواهد شد تا دکتر احمدی‌نژاد در مردادماه سال ۱۳۹۱ سکان هدایت دولت را به رییس‌جمهور یازدهم تحویل دهد.

با آن‌که تا برگزاری انتخابات یازدهم ریاست جمهوری حدود پنج ماه باقی مانده است اما فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور تحت‌الشعاع این رخداد مهم قرار گرفته و شاهد اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های مختلفی درباره‌ی آخرین صف‌بندی‌های سیاسی، اختلاف‌ها و ائتلاف‌ها، شعارها و برنامه‌ها و آمدن یا نیامدن فلان چهره‌ی سیاسی در عرصه‌ی انتخابات هستیم.

یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای ارائه‌ی تحلیلی درست از تحولات سیاسی کشور از آن جمله انتخابات ریاست جمهوری، شناخت «آرایش سیاسی» کشور است. منظور از شناخت آرایش سیاسی، شناخت احزاب، جریان‌ها و شخصیت‌های موثر در صحنه‌ی سیاسی کشور، تعامل آن‌ها با یکدیگر و با نظام، جهت‌گیری‌ها، دیدگاه‌ها و سلایق آنها در موضوعات کلان کشور و موقعیت و وزن هر یک از آنها در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و در نزد افکار عمومی است. البته این یادداشت به اجمال به آرایش جریان‌های سیاسی می‌پردازد.

باید توجه داشته باشیم اصطلاحاتی که برای دسته‌بندی‌های مختلف سیاسی وضع شده است الزاماً گویای همه‌ی ابعاد گفتمانی این جریان‌ها نبوده و بیشتر بدلیل تأکید خود جریان‌ها بر این نام‌گذاری‌ها یا از باب غلبه یک ویژگی یا بخشی از یک گفتمان برای دسته‌بندی‌ها رواج یافته‌اند.

**صف‌بندی انتخاباتی افراد و جریان‌های سیاسی در انتخابات یازدهم**

در حال حاضر چهار جریان و صف‌بندی انتخاباتی در فضای سیاسی کشور مشاهده می‌شود که مجموعه‌ی این گروه‌ها آرایش جدیدی را در فضای سیاسی به‌وجود آورده‌اند. این جریان‌ها عبارتند از:

- جریان اصولگرایی
- جریان حامی دولت
- جریان اصلاحات
- چهره‌های مستقل

## جریان اصولگرایی

جریان اصولگرایی اگر چه هویت خود را در اعتقاد به انقلاب اسلامی، مکتب امام خمینی(ره)، اطاعت از رهبری، التزام به قانون اساسی، اعتقاد به ولایت‌فقیه و مرزبندی با فتنه و انحراف تعریف کرده است اما در روش‌ها و گرایش‌ها دارای اختلافاتی هستند که این امر به شکل‌گیری دو جریان عمده ختم شد. یک جریان تحت اشراف آیت‌الله مهدوی کنی و یا به تعبیری صحیح‌تر جامعتین(جامعه‌ی مدرسین و جامعه‌ی روحانیت) که در انتخابات مجلس نهم با عنوان جبهه‌ی متحد اصولگرایی و یا ۷+۸ حضور یافتند و جریان دیگر تحت اشراف آیت‌الله مصباح یزدی که با عنوان جبهه‌ی پایداری شناخته می‌شوند.

اگرچه تاکنون جامعتین و آیت‌الله مصباح به‌طور رسمی حضور خود را در انتخابات کلید نزده‌اند اما برخی چهره‌ها و جریان‌های اصولگرا وارد میدان رقابت انتخاباتی شده‌اند که در این مجال به مهم‌ترین این تحرکات اشاره‌ای خواهیم داشت:

- **ائتلاف سه‌گانه**

شکل‌گیری ائتلاف سه‌گانه که در رسانه‌ها و محافل سیاسی گاه از آن با عنوان ۲+۱ نام می‌برند به عنوان اصلی‌ترین تشکل انتخاباتی اصولگرایان شناخته می‌شود چرا که سه گزینهی اصلی اصولگرایان در انتخابات یعنی آقایان ولایتی، حداد عادل و قالیباف در آن حضور دارند.

این تشکل با هدف ایجاد وحدت در جبهه‌ی اصولگرایی و جلوگیری از توزیع آرای اصولگرایان تشکیل شده است. بر اساس توافق‌نامه‌ای که به امضای سه نامزد رسیده است، نامزدی نهایی پس از نظرسنجی‌هایی که زیر نظر این کمیته

صورت خواهد گرفت، انتخاب خواهد شد و دو نامزد دیگر خود را موظف می‌دانند وی را برای پیروزی در انتخابات کمک نمایند. همچنین تیم اجرایی و برنامه‌ی اداره کشور توسط نامزد نهایی در هفته‌های منتهی به انتخابات اعلام خواهد شد.

**جبهه‌ی پایداری**

اگرچه جبهه‌ی پایداری هنوز به صورت رسمی نامزد خود را معرفی نکرده است اما گمانه‌زنی‌های متعددی درباره نامزدهای آنان در جریان است. به نظر می‌رسد گزینهی اصلی این جریان کامران باقری لنکرانی، وزیر سابق بهداشت و درمان، باشد و آقایان سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، پرویز فتاح، وزیر سابق نیرو و میر کاظمی، وزیر اسبق نفت، که از نامزدهای احتمالی این جریان بودند، قصد نامزدی ندارند.

در عین حال برخی گمانه‌ها حاکی از آن است درصورتی‌که لنکرانی به هر دلیلی نامزد نشود این جبهه آمادگی حمایت از آقای حداد عادل را با شرط انتخاب وی در ائتلاف سه‌گانه را دارد.

همچنین برخی دیگر از گمانه‌ها حکایت از آن دارد درصورتی‌که باقری لنکرانی نیاید و از سوی دولت دکتر الهام به عنوان نامزد معرفی شود آمادگی در جبهه‌ی پایداری برای حمایت از الهام وجود دارد.

**چهره‌های مستقل اصولگرا**

در کنار ائتلاف سه‌گانه و جبهه‌ی پایداری، چهره‌های دیگری از اصولگرایان یا به صحنه آمده و یا در محافل رسانه‌ای و سیاسی از احتمال نامزدی آنان سخن گفته می‌شود که عبارتند از:

- محسن رضایی
- علیرضا زاکانی
- مصطفی پورمحمدی
- منوچهر متکی
- محمدحسن ابوترابی

## جریان حامی دولت

دکتر احمدی‌نژاد که دولت خود را وارث گفتمان سوم تیر می‌داند برای بقاء در قدرت و پیشبرد گفتمان خدمت و مهرورزی به دنبال معرفی نامزدی خواهد بود که این گفتمان را پی‌گیری و دنبال نماید.

حتـــی برخی تحلیل‌گران معتقدند با اجرای پروژه‌ی پوتین-مدود، احمدی‌نژاد درصدد بازگشت به قدرت و تکمیل پروژه‌های ناتمام خود خواهد بود.
حامیان دولت و به‌ویژه شـــخصِ احمدی‌نژاد بیشـــترین شانس پیروزی خود در انتخابات را در معرفی و انتخابِ اسفندیار رحیم مشایی می‌دانند به‌شرط آن‌که بتواند از صافی شورای نگهبان عبور نماید.
به اعتقاد حامیان دولت، مشـــایی در صورت تأیید شـــدن حتی شانس پیروزی در مرحله‌ی اول انتخابات را هم داراســـت چرا کـــه وی هم توانایی جذب آرای طرفداران دولت احمدی‌نژاد را دارد و هم آرای خاکستری و حتی اصلاح‌طلبان معتدل را. از ســـوی درصورتی‌که انتخابات به دور دوم کشید شود باز پیروز دور دوم مشـــایی خواهد بود. زیرا درصورتی‌که مشـــایی با یک نامزد اصولگرا به دور دوم بـــرود جریان اصلاح‌طلب به مشـــایی رأی خواهد داد و چنانچه مشـــایی با یک اصلاح‌طلب به دور دوم برود اصولگرایان برای ممانعت از به قدرت رســـیدن اصلاح‌طلبان به ناچار به مشایی رأی خواهند داد.
البته بزرگ‌ترین دغدغه‌ی و نگرانی حامیان دولت، رد صلاحیت مشـــایی توسط شـــورای نگهبان است که بر این اســـاس مجبورند گزینه‌های دیگری را مطرح نمایند تا در صورت رد صلاحیت مشایی، گزینه‌های جانشین خود را برای ورود به صحنه‌ی مبارزات انتخاباتی آماده نمایند.
علاوه بر مشایی، تاکنون از سوی حامیان دولت نام نامزدهای دیگری برای ورود به صحنه‌ی انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مطرح شده‌اند که عبارتند از:

- غلام‌حسین الهام (مشاور رییس‌جمهور و سخن‌گوی دولت)
- علی نیکزاد (وزیر راه و شهرسازی)
- علی‌اکبر صالحی (وزیر امور خارجه)

اگر چه در محافل سیاســـی و رسانه‌ای از افراد دیگری چون دکتر دانشجو، وزیر آموزش عالی، دکتر عباســـی، رئیس ســـازمان انرژی اتمی، حجت‌الاسلام سید احمد موســـوی، رئیس سازمان حج و زیارت و سید حسن موسوی، رئیس دفتر رییس‌جمهور به عنوان نامزدهای احتمالی دولت نام می‌برند اما به نظر می‌رسد این اسامی گمانه‌هایی است که به واقعیت نزدیک نیست.
در عین حال به نظر می‌رسد چنانچه به هر دلیلی دولت نتواند نامزد اختصاصی خود را برای این دوره معرفی نماید، دکتر حداد عادل می‌تواند گزینه‌ی انتخاباتی حامیان احمدی‌نژاد باشد.

## جریان اصلاحات

جریان اصلاح‌طلب را باید به چند گروه تقسیم کرد:

### ■ اصلاح‌طلبان افراطی

اصلاح‌طلبان افراطی که از آنان با عنوان جریان فتنه یاد می‌شود. بسیاری از اعضای حزب منحله‌ی مشارکت و سازمان منحله‌ی مجاهدین انقلاب به‌علاوه عناصری چون میرحسین موسوی و کروبی که در فتنه ۸۸ جزء پرچم‌داران فتنه بودند در این طیف جای دارند.

### ■ اصلاح‌طلبان معتدل

اصلاح‌طلبان معتدل که اکثریت اعضای مجمع روحانیون، حزب کارگزاران سازندگی، بنیاد باران و حزب مردم‌سالاری عضو این جریان محسوب می‌شوند. این طیف اگرچه در راه‌اندازی فتنه ۸۸ سهیم بودند اما به تدریج خود را از اردوگاه فتنه‌گران خارج کردند. البته برخی از آنها هنوز از دروغی به نام تقلب به‌صراحت دست برنداشته‌اند.

### ■ اصلاح‌طلبان مستقل

اصلاح‌طلبان مستقل که برخی چهره‌های اصلاح‌طلب همچون محمد شریعتمداری، پزشکیان و محمدرضا عارف در این گروه قرار دارند. این افراد بیش از آن که در قالب تصمیم‌گیری‌های حزبی و جناحی تصمیم‌گیری نمایند دارای مواضع مستقل سیاسی هستند اما تفکر آنها در مجموع به اردوگاه جبهه دوم خرداد نزدیک است.

### ■ راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان افراطی

راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان افراطی که دارای دو شاخه داخلی و خارجی هستند با اختلافاتی همراه است. این اختلاف در انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس هم مشاهده شد. دسته‌ی اول آنهایی هستند که خط «تحریم فعال انتخابات» را برگزیدند و تلاش کردند تا با کاستن از مشارکت مردم، نظام اسلامی را نامشروع جلوه دهند. در این زمینه می‌توان به نامه ۳۶ زندانی سیاسی اشاره کرد که بر تحریم انتخابات تأکید کرده بودند. هر چند که در مورد اصل نوشته شدن متن به‌دست زندانیان و صحت همه‌ی امضاءها شبهات جدی‌ای وارد شد و افرادی

چون عباس عبدی آن را جعلی دانستند.
در ایــن انتخابات هم موضع افرادی چون مصطفی تــاجزاده، میردامادی، بهزاد نبوی، میرحسین موســوی و کروبی در داخل کشور و گروه‌هایی چون جنبش سبز راه امید در خارج کشور که در آن افرادی چون کدیور، سروش، مهاجرانی، گنجی، مزروعی، عبدالعلی بازرگان و... قرار دارند بر تحریم انتخابات اســت چرا که این حضور به معنای مشروعیت بخشیدن به نظام و قبول ساز و کار انتخابات و عقب‌نشینی از ادعای تقلب است.
اما دســته‌ی دوم همچون عبدالله نوری و موســوی خوئینی‌ها هرچند با راهبرد عدم حضور فعال در رقابت‌های انتخاباتی به نحوی با دســته‌ی اول هم مســیر بودند، اما در روز انتخابات به پای صندوق رأی رفتند تا به‌طور رســمی جدایی خود را از دسته‌ی اول اعلام کنند و آخرین دریچه برای بازگشت به نظام اسلامی را هم‌چنان باز نگه دارند.
در حــال حاضر افرادی چــون عبدالله نوری طرفدار حضور بی‌قید و شــرط در انتخابات ریاســت جمهوری هستند و معتقدند اصل حضور آنها باعث بازسازی تشکیلات انتخاباتی اصلاح‌طلبان و پیروزی آنان در انتخابات‌های آینده خواهد شد.
در مقابل چهره‌هایی چون موسوی خوئینی‌ها معتقدند ما نباید به سادگی هیزم انتخابات نظام شــویم و سود آن را نظام ببرد. ما باید با ارائه‌ی پیش شرط‌هایی همچون آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر کامل موسوی و کروبی در انتخابات شرکت کنیم.





■ **راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان معتدل**

وضعیت در اردوگاه اصلاح‌طلبان به اصطلاح معتدل متفاوت اســت. این گروه معتقد به حضور در انتخابات ریاســت جمهــوری و معرفی نامزدی اصلاح‌طلب هســتند. اصلاح‌طلبان جدا شده از اردوگاه فتنه، بعد از این‌که فرصت انتخاباتی مجلس شورای اسلامی را از دست داده‌اند اینک تمام تلاش خود را برای حضور فعال در انتخابات ریاست جمهوری آغاز کرده‌اند.
در ایــن وضعیت، اخبار و گزارش‌های متعددی مبنی بر برگزاری نشســت‌ها و دیدارهای مختلف انتخاباتی و طرح مسئله‌ی حضور برخی چهره‌های میانه‌روی جریان اصلاح‌طلب به‌عنوان نامزد این جریان در انتخابات آتی به گوش می‌رسد. نکته قابل‌تأمل آن است که این طیف از اصلاح‌طلبان هنوز نتوانسته‌اند در تعیین نامزدی مطلوب به اجماع برسند. در این میان رقابت اصلی میان حزب کارگزاران

از یک سو و مجمع روحانیون و بنیاد باران از سوی دیگر است.
حزب کارگزاران معتقد است دیگر دوران معرفی نامزد ریاست جمهوری از سوی مجمع روحانیون به سر آمده و محور معرفی نامزد ریاست جمهوری در دوره‌ی کنونی باید بر اساس شاخص‌هایی چون کارآمدی، رفع مشکلات اقتصادی مردم و معرفی کابینه‌ی اجرایی و باتجربه صورت پذیرد. این حزب معتقد است این شاخص‌ها به صورت تمام و کمال در اختیار اعضای حزب کارگزاران سازندگی است که ترکیبی از تکنوکرات‌های باتجربه را در اختیار دارد. گزینه‌های مطلوب کارگزاران عناصری چون محمدعلی نجفی، بیژن زنگنه، حبیب‌الله بی‌طرف و اسحاق جهانگیری هستند.
اما از سوی دیگر اعضای مجمع روحانیون معتقدند هنوز محمد خاتمی از بیشترین مقبولیت مردمی برخوردار است و درصورتی‌که وی حاضر به نامزدی نشود، حمایت خاتمی از نامزدهایی چون مصطفی محقق داماد و یا سید حسن خمینی می‌تواند معادله‌ی انتخابات را به نفع اصلاحات رقم بزند. علاوه بر این‌که اگر در نهایت مجبور به انتخاب گزینه‌ای از اعضای حزب کارگزاران سازندگی همچون محمدعلی نجفی شدیم این انتخاب و معرفی باید از طریق مجمع روحانیون صورت بپذیرد تا پرچم‌داری و ماهیت جریان اصلاح‌طلبی حفظ شود.

**■ راهبرد انتخاباتی اصلاح‌طلبان مستقل**

اصلاح‌طلبان مستقل اگر چه از شانس چندانی برای پیروزی در انتخابات برخوردار نیستند اما امید به رد صلاحیت نامزدهای جریان اصلاحات داشته و معتقدند در صورت تحقق این فرض، اصلاح‌طلبان معتدل ناچار به حمایت از ما خواهند شد.
جریان معتدلِ اصلاحات در پی احیای مشروعیت سیاسی خود و ورود مجدد به صحنه‌ی سیاسی کشور، در شرایطی که به لحاظ قانونی مجدداً پذیرفته شده باشد، است. این جریان انتخابات آینده را بهترین فرصت و تنها فرصت برای تحقق این هدف می‌داند.
از دید این جریان، نظام باید به این نتیجه برسد که نه می‌تواند اصلاح‌طلبان را حذف کند و نه این کار به صلاح اوست. البته یک نگرانی مشترک در میان تمام طیف‌های اصلاح‌طلب این است که نظام بتواند یک جریان یا یک نامزد اصلاح‌طلب خودساخته و تحت کنترل در این انتخابات ایجاد کند. هم اکنون چنین بدگمانی‌ای به افرادی مانند عارف وجود دارد.

**تدبیر نظام در مواجهه با بازگشت اصلاح‌طلبان**

نظام اسلامی در مواجهه با بازگشت اصلاح‌طلبان به صحنه‌ی رقابت انتخاباتی چند ملاحظه مهم را مد نظر دارد که عبارتند از:

- آن بخش از منسوبان به اردوگاه اصلاح‌طلبی که در ماجرای فتنه ۸۸ نقش‌آفرین بوده و احیاءناً مجرم نیز شناخته شده‌اند، برای همیشه صلاحیت خود را از تصدی نقش‌های کلیدی نظام اسلامی از دست داده‌اند و این افراد باید طمع بازگشت به قدرت را از خود دور سازند.
- حامیان و یا ساکتان فتنه ۸۸ باید به صراحت از دروغ بزرگی به نام تقلب ابراز برائت نمایند و ساز و کار برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت بشناسند.
- حامیان ضمنی و ساکتان در فتنه ۸۸ ضمن اعلام رسمی برائت از فتنه و فتنه‌گران، باید در برابر ملت، تعهدات و ضمانت‌های قطعی بدهند که بار دیگر قانون‌شکنی انتخابات سال ۸۸ تکرار نخواهد شد.

## چهره‌های مستقل

در میان چهره‌های مستقلی که تاکنون برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری اعلام آمادگی کرده‌اند نام این افراد به چشم می‌خورد:

- حسن روحانی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)
- محمد سعیدی کیا (وزیر اسبق راه و شهرسازی)
- محمد شریعتمداری (وزیر بازرگانی دولت خاتمی)
- حسن سبحانی (دکترای اقتصاد و دوره نماینده سه دوره‌ی شهر دامغان)

البته در این روزها نام هاشمی رفسنجانی هم به عنوان گزینه احتمالی ریاست جمهوری یازدهم مطرح شده که خود ایشان هم آن را رد نکرده است. درصورتی‌که هاشمی وارد عرصه‌ی انتخابات شود آرایش انتخاباتی تا حدودی دست‌خوش تغییراتی خواهد شد و نامزدهایی چون حسن روحانی، محمد شریعتمداری و برخی نامزدهای مطرح اصلاح‌طلبان همچون محمدعلی نجفی، اسحاق جهانگیری، مهر علیزاده، محمدرضا عارف و... از نامزدی در انتخابات انصراف خواهند داد.

**اهداف نامزدی چهره‌های مستقل**

چهره‌های مستقل اهداف مختلفی برای نامزدی خواهند داشت که نمی‌توان در

یــک یا چند گزینه این اهداف خلاصه کرد اما برخی از این انگیزه‌ها را که ادعا کرده‌اند را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- بازگشت به قدرت و ریل‌گذاری صحیح برای مسیر آینده‌ی نظام اسلامی
- استفاده از ظرفیت همه‌ی نخبگان و مدیران با تجربه برای اداره‌ی کشور
- دفاع از عملکرد خود در دولت‌های گذشته و رفع ابهامات و پاسخ به اتهامات مطرح شده
- اســتفاده از فرصت انتخابات و شــبکه‌های تلویزیونی بــرای مقابله به‌مثل با سخنان و افشاگری‌های احمدی‌نژاد در انتخابات ۸۴ و ۸۸
- بیان مفاسد و ناکارآمدی‌های دولت نهم و دهم از نگاه آنها
- افشای وعده‌های انجام نشده دولت نهم و دهم
- تبیین برخی واقعیات اقتصادی کشور و هزینه‌هایی که مدیریت‌های ناکارآمد بر کشور تحمیل کرده
- بازگشت آرامش به فضای سیاسی و استفاده مطلوب از ظرفیت‌های بی‌بدیل کشور
- دفاع از اصل قانون‌گرایی در کشور
- عبور کشور از تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی

البته این ادعاها تنها از طریق مصاحبه‌ها و ســخنرانی‌ها مطرح شده و با پرونده عملکرد برخی از این نامزدها که در ســال‌های گذشــته دارای مسئولیت بودند فاصله بسیاری دارد.

در کنار ارزیابی آرایش انتخاباتی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، بررسی شعارها، گفتمان‌ها و راهبردهای انتخاباتی گروه‌ها هم از اهمیت بسیاری برخوردار است که در نوشتار بعدی به آن خواهیم پرداخت.

مقاله‌ی سوم

# بررسی گفتمان‌های غالب در یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری



سابقه‌ی برگزاری ۱۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که مردم در گزینش نامزدهای ریاست جمهوری به تدریج در حال حرکت از «شخصیت محوری» به سمت «گفتمان محوری» هستند. از این رو پیش‌بینی می‌شود رقابت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بیش از آن که با تکیه بر سابقه اجرایی و سیاسی نامزدها رقم بخورد، حول محور گفتمان‌های ارائه شده از سوی نامزدها خواهد بود و در ذیل این گفتمان‌ها می‌توان محور برنامه‌ها و ایده‌های یک نامزد را در ویترین رقابت‌های سیاسی ملاحظه کرد.

تأملی بر گفتمان‌های اصیل انقلاب اسلامی نشان می‌دهد نبض تولید گفتمان‌سازی در بیش از سه دهه‌ی گذشته همواره در دست بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(حفظه الله) بوده است.

در دوران رهبـری حضـرت آیت‌الله خامنـه‌ای از سـال ۱۳۶۸ تاکنون نبض گفتمان‌سازی در کشور همواره در دست ایشان بوده است. معظم‌له با هوشمندی و درک نیازهای امروز و فردای نظام اسـلامی و به فراخور ملاحظات کشـور و منافع مردم در قالب‌های مختلف از جمله نام‌گذاری سال‌ها، فرمان تدوین سند چشـم‌انداز، برپایی جنبش‌های نرم‌افزاری و تولید علم و... گفتمان‌های مناسب را طراحی کرده‌اند.
در این میان و در آستانه‌ی ورود به دهه‌ی چهارم انقلاب، معظم‌له دهه‌ی چهارم را «دهه‌ی عدالت و پیشرفت» نامگذاری کردند، پیشرفتی که در دل آن عدالت، معنویت و عقلانیت نیز وجود دارد. از این رو طراحی گفتمانی گروه‌های سیاسی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری آینده می‌بایستی معطوف به گفتمان مادر که همان گفتمان پیشرفت است صورت بپذیرد.

مروری بر ادبیات سیاسـی و گفتمانی چهره‌های مطرح اصولگرا نشان می‌دهد که گفتمان پیشـرفت بـا زیر مجموعه‌هایی چـون عدالت، استکبارسـتیزی، ولایت‌مـداری، معنویـت، عقلانیت و خدمت‌رسـانی به مردم در سـرلوحه‌ی شـعارهای نامزدهای احتمالی‌ای همچون آقایان ولایتی، قالیباف، حداد عادل، رضایی، پورمحمدی و... قرار دارد.
اما در جبهه‌ی مقابل گفتمانی با درک شرایط اقتصادی کشور شکل گرفته که می‌تواند تهدیدی برای گفتمان نظام اسلامی در دهه‌ی چهارم انقلاب باشد که بدان خواهیم پرداخت.





## رقابت میان دو تفکر «خط سازش» و «خط مقاومت»

در تحلیل شرایط موجود کشور شواهد بسیاری حکایت از آن دارد که دشمن خارجـی با کمک برخی افراد و جریان‌های داخلی درصدد القای خط سـازش در برابر خط مقاومت اسـت. به این معنا که دشـمن با استفاده از عوامل فریب خورده یا غافل سـعی دارد با پیوند مشـکلات اقتصادی به پرونده‌ی هسـته‌ای و بزرگ‌نمایی تهدیدها و تحریم‌های خارجی، این‌گونه القاء نماید که ریشـه‌ی مشـکلات موجود در ایـران، به‌ویژه تـورم و بیکاری و کاهـش تولید ناخالص ملی، معلول گفتمان مبارزه با آمریکا، نابودی غده‌ی سـرطانی اسرائیل، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان و... است.
برخـی فریب‌خوردگان داخلی هـم می‌خواهند این‌گونه القـاء کنند که ما در

تصمیم‌گیری‌های هســته‌ای نقشی نداشــته و مخالف پافشاری بر خط قرمزها هســتیم و این رهبری نظام است که بر اصول پافشاری می‌کند و باعث تحمیل این هزینه بر کشور می‌شود.
با نزدیک شدن به موســم انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، خواهیم دید که در یک ســو هواداران خط ســازش قرار خواهند داشت که اگرچه هنوز سازمان درونی و مناســبات مابین آنها به‌طور کامل شــکل نگرفته ولی رئوس مانیفست سیاسی‌شان آشکار شده است.
ایــن خط تلاش خواهد کرد مردم را متقاعد کند که تنها راه حل مشــکلات و بهبــود زندگی آن‌ها ســازش با دنیای غرب و به‌ویژه ورود به مذاکره مســتقیم با آمریکاســت. طرفداران خط ســازش، سیاســت خارجی و به‌ویژه دیپلماسی هسته‌ای دولت اصولگرا را از این منظر که هزینه‌زا و تنش‌آفرین بوده و مناسبات رو بــه بهبــود در دولت اصلاحات با غرب را به هم ریخته، نقد خواهند کرد و به مردم خواهندگفت که برای بازگشتِ آرامش به زندگی‌شان باید حدی از تعدیل در ارزش‌ها، همکاری با کشورهایی چون آمریکا و کوتاه آمدن در مسائلی مانند برنامه‌ی هســته‌ای یا پرونده‌ی منطقه‌ای را پذیرفــت. این خط از هم‌اکنون با مشارکت طرف خارجی کار خود را آغاز کرده است.
در گام اول می‌بینیــم که هواداران و نظریه‌پردازان این جریان آن‌گونه ســخن می‌گوینــد که گویی بهبود روابط با غرب بر اســتیفای هر حقی از حقوق مردم مقدم است.
گام دوم بزرگ‌نمایی هزینه‌هاســت. مدت‌هاســت هواداران خط ســازش تلاش می‌کنند وضع کشــور را بحرانی جلوه بدهند و فشارهای غرب و تهدیدهای آن را حتی از آنچه غربی‌ها خود به آن باور دارند بزرگ‌تر و مهیب‌تر جلوه بدهند.
گام سوم این است که نتیجه بگیرند راه‌حل همه‌ی این مشکلات سازش است. البته مســلماً به‌جای واژه‌ی ســازش از واژه‌های شیک‌تری استفاده خواهد شد. برای مثال خواهند گفت باید در سیاست خارجی منافع ملی به جای ایدئولوژی، تعیین کننده‌ی خط مشــی‌ها باشد و باید با دنیای بیرون تعامل داشت، مذاکره عرصه نرمش و امتیاز دادن و امتیاز گرفتن است.
هــواداران همین خــط بودند که در ماه‌هــای اخیر تمام تلاش خــود را به‌کار گرفته‌اند تا وضعیت معیشــت مردم و شــاخص‌های خُرد اقتصادی کشور را به روش مذاکرات هســته‌ای پیوند بزنند. شــرطی‌کردن جامعه، به این شــکل که اگر ایران در مذاکرات نرمش نشــان می‌داد و مذاکرات مثبت بود وضع زندگی و معیشــت مردم هم بهتر خواهد می‌شد و اگر ایران در مذاکرات باز سرسختی

نشـــان بدهد، اوضاع اقتصادی روزبه‌روز خراب‌تر می‌شود، یک پروژه‌ی هماهنگِ عملیاتِ روانی میان طرف خارجی و کارگزاران خط سازش در داخل است.
از همین جاســت که می‌توان نتیجه گرفت خط ســازش به شــدت نگران آن است که دیپلماسی هسته‌ای و منطقه‌ای نظام در ماه‌های باقی‌مانده تا انتخابات یازدهم به یک پیروزی چشمگیر برسد و بدون واگذار کردن هیچ امتیاز اساسی، پیچ بحران را پشت سر بگذارد.
بنابراین خط سازش از حالا تا شب انتخابات دشمن را بزرگ و قوی جلوه خواهد داد و مکرر خواهد گفت وضع کشــور بحرانی است. این خط فشارها را بزرگ‌تر از آن‌چه هست نشان خواهد کرد و در وصف فواید سرِ میز نشستن با آمریکا و امتیازدهی در بحث هسته‌ای سنگ تمام خواهد گذاشت.
اما در ســوی مقابل، خــط مقاومت آزمونی مهم در پیش خواهد داشــت. خط مقاومــت این‌بار نه فقط از جایگاهی ملی بلکه بــا در پیش گرفتن یک ادبیات منطقه‌ای و جهانی باید استدلال کند که:
اولاً خط سازش در نهایت قادر به حل هیچ‌یک از مشکلات اساسی کشور نخواهد بود و کارنامه‌اش از حد امتیازدهی یک طرفه، مســافرت سیاحتی به کشورهای غربی و دل‌خوش کردن به لبخند متکبرانه آمریکایی‌ها فراتر نخواهد رفت.
ثانیاً، درحالی‌که خط سازش در ابعاد منطقه‌ای رو به زوال است و بهار مقاومت در حال آشــکار شدن است، بی‌معناست که در ایران به عنوان مهد انقلاب‌های اسلامی دوباره سازش‌کاران مجال عرض اندام پیدا کنند.
ثالثاً، باید این الگوی تاریخی را با جزئیات مرور کرد که در پیش گرفتن راهبُرد امتیازدهی و ســازش جز جریح‌تر شدن دشــمن، پررنگ‌تر شدن خطوط قرمز آن و در نهایت تعیین ســقفی بسیار کوتاه برای پیشرفت کشور به چیز دیگری منتهی نمی‌شود.
رابعــاً، خط مقاومت باید کارنامه‌ی خــود را در تعدیل خطوط قرمز غرب، وادار کردن آن به عقب‌نشــینی و محتمل بودن شکل‌گیری یک فرمول مذاکراتی که حقوق مردم ایران در آن محفوظ باشد، با دقت تشریح کند.
رویارویی گفتمان ســازش و مقاومت، صحنه‌ی اساســی رقابــت در انتخابات ریاســت جمهوری آینده را شــکل خواهد داد و هرکســی که بنای نامزدی در انتخابات آینده را دارد باید به صراحت موضع خود را دراین‌باره روشــن کند که کدام سوی خط ممیز این گفتمان خواهد ایستاد.
همچنین اگر چه شکاف سیاســی حول موضوع سازش یا مقاومت همیشه در چند سال گذشته وجود داشته است، اما در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری

یازدهم، عده‌ای دنبال آن هستند که این شکاف را اجتماعی کنند.
در این شـــرایط، طرف آمریکایی تمام انرژی خود را صرف نیرومند شـــدن خط سازش در داخل ایران می‌کند. روز دوازدهم مهرماه سال جاری، یک ناآرامی ۵ یا ۶ ســـاعته به بهانه‌ی افزایش قیمت ســـکه و ارز در مرکز شهر تهران به وجود آمـــد. با فاصله‌ای کوتاه هیلاری کلینتون مصاحبه‌ای کرد و گفت: «تحریم‌ها به ســـرعت قابل لغو است.» لذا اگر ما ارتباط بین این دو پدیده را کشف کنیم، در آن صورت می‌توانیم متوجه نحوه‌ی تغذیه و تقویت خط سازش شویم.

**طرف آمریکایی به دنبال ایجاد چند تغییر در جمهوری اسلامی است:**

■ تغییر محاسبه: به‌گونه‌ای که نحوه‌ی نگاه ما به مسئله‌ی هسته‌ای یا تحولات منطقه و به طور خاص سوریه یا مسئله فتنه عوض شود.

■ **تغییر پیشنهاد**

در حال حاضر، ما یک پیشـــنهاد برای حل مســـئله‌ی هســـته‌ای داریم و آن به رسمیت شناختن حق هسته‌ای ملت ایران است و آن‌ها می‌خواهند این پیشنهاد از طرف جمهوری اسلامی تغییر کند.

■ **تغییر رفتار**

به این معنا که علاوه بر این‌که محاســـبه و پیشنهاد ما تغییر یابد، رفتارمان نیز دست‌خوش تغییر شود.

■ **تغییر ساختار**

یعنی مجموعه‌ی ســـاختارهایی که در کشـــور وجود دارنـــد و تصمیمات نظام جمهوری اسلامی از دل آن‌ها بیرون می‌آید تغییر یابند.

■ **تغییر رژیم**

زمانی که محاسبات، پیشنهادها، سیاست‌ها، رفتارها و ساختار تغییر کرد، دیگر تغییر رژیم پروژه‌ای دشوار نیست.

در سال ۸۸ اشتباه آمریکایی‌ها این بود که مستقیماً سراغ تغییر رژیم رفتند، یعنی مســـتقیماً سرســـخت‌ترین و بزرگ‌ترین تغییر را که به راحتی امکان‌پذیر نبود نشـــانه رفتند. یکی از درس‌هایی که آمریکایی‌ها در ســـال ۸۸ گرفتند این بود که در گام اول، هدف‌گذاری‌های منطقی‌تر و دست‌یافتنی‌تری داشته باشند. لذا در برنامه‌ی خود، این بار گام‌به‌گام عمل خواهند کرد و به‌دنبال تغییر شرایط خواهند بود. از طرفی دیگر، شـــرایط فقط زمانی تغییر می‌کند که محاسبات و

پیشـــنهادهای نظام تغییر یابد و این اتفاق باید در ســطح رهبری محقق شود. با توجه به این مســئله، ارزیابی بنده این اســت که برای ســوق‌دادن جمهوری اسلامی به سمت تغییر محاسبه، طرف غربی در حال تدارک یک بسته‌ی تحریم بی‌سابقه قبل از انتخابات ریاست جمهوری است.

در چنین شرایطی، اگر مسئله‌ی تغییر محاسبه با دو پیشنهاد آمریکایی‌ها مبنی بر «لغو تحریم‌ها» و «مذاکره‌ی مستقیم» تلفیق شود، احتمال ایجاد بحران زیاد خواهد شــد. به عقیده‌ی آمریکایی‌ها، اگر خط ســازش در فضای داخلی ایران شــفاف شود، انتخابات ریاســت جمهوری ۹۲ به یک همه‌پرسی تبدیل خواهد شد. لذا طرف آمریکایی به دنبال رساندن این پیغام به گوش مردم ایران است. البتــه طرف غربــی نمایندگانی برای علنی کردن خط ســازش در داخل ایران دارد. پیش‌بینی می‌شود حرف اول آن‌ها این باشد که محاسبات منطقه‌ای نظام را قبول ندارند. درحالی‌که محاســبات منطقه‌ای نظام بر مبنای اســلامی بودن انقلاب‌ها استوار است، لکن نگاه این جریان دقیقاً عکس این موضوع است.

## گفتمان نجات ملی

بــا تمرکز بر مجموعه‌ی گزاره‌های تولیدی جریان فتنه چند گزاره‌ی مرکزی به عنوان کلیدواژه‌های اصلی این گفتمان در شــرایط حاضر قابل استخراج است. گزاره‌هایی همچون «بحرانی بودن وضعیت کشــور»، «مســئول بودن مقامات عالــی نظام در این بحران»، «تشــکیل دولت وحدت ملی به عنوان تنها راه‌حل بحران»، «ســازش با آمریکا و بازگشت به مسیر تنش‌زدایی و اعتمادسازی» در این گفتمان نقشی کلیدی را بر عهده دارند.

اگرچه بحث‌ها درون جریان اصلاحات درباره‌ی حضور یا عدم حضور در انتخابات، به‌صورت دعوت از مردم و یا به معرفی نامزد، هنوز پایان نیافته است. با این وجود به‌نظر می‌رســد به تدریج این جمع‌بندی در حال شــکل‌گیری است که اشتباه انتخابات مجلس را، که در آن این جریان به دلیل ناتوانی از تصمیم‌گیری به موقع داخلی متهم به رفتار تحریمی شد، نباید در انتخابات ریاست جمهوری تکرار کرد. بنابراین به نظر می‌رسد این جریان حتماً در انتخابات آینده حضور خواهد یافت و اگر بتواند فرد مطلوبی معرفی کند به شکل معرفی نامزد و اگر نتواند صرفاً به شکل رأی دادن و اعلام حضور و فعالیت سازمانی و گفتمانی.

در شــرایط فعلی ارزیابی جریان اصلاحات این است که مشکل نامزد برای آنها

حادتر از مشکل گفتمان است. این جریان در کل عقیده دارد گفتمان «سازش»، «نجات ملی» و «وحدت ملی» بهترین گفتمان برای انتخابات آینده است و این گفتمان‌ها در بین مردم به طور کامل پذیرفته شده است.
بحرانی که این جریان اکنون خود را با آن مواجه می‌بیند این است که برای این گفتمان، که عقیده دارند تحت فشارهای خارجی فراگیرتر هم خواهد شد، یک مصـــداق رأی‌آور پیدا کنند. فعـــلاً ارزیابی بخش‌های مهمی از جریان اصلاحات این اســـت که نظام اجازه‌ی نمایندگی این گفتمان توسط یک چهره‌ی رأی‌آور اصلاح‌طلب را نخواهد داد.
مشخصات گفتمان این جریان که در قالب دولت نجات ملی یا وحدت ملی شکل خواهد گرفت در انتخابات آینده چنین خواهد بود:

- وضعیت کشور بحرانی است.
- مسئول این بحران سیاست‌های رهبری است.
- تنها از طریق تشـــکیل «دولت وحدت ملی» می‌توان به نجات ملی و نجات کشور دست یافت.
- با این نحوه از مدیریت به‌زودی شاهد سقوط اقتصادی و فروپاشی اجتماعی خواهیم بود.
- برای مقابله با فروپاشـــی باید در محیط بیرونی به سازشـــی با آمریکا دســـت پیدا کنیم.

در تبیین محورهای بالا و تحلیل شرایط موجود کشور، شواهد بسیاری حکایت از آن دارد که دشمن خارجی با کمک برخی افراد و جریان‌های داخلی در صدد القای خط بحران در برابر خط نجات ملی هستند.
به این معنا که دشـــمن با اســـتفاده از عوامل فریب‌خورده یا غافل ســـعی دارد با پیوند مشـــکلات اقتصادی بـــه پرونده‌ی هســـته‌ای و بزرگ‌نمایی تهدیدها و تحریم‌های خارجی، این‌گونه القاء نماید که ریشـــهی مشکلات موجود در ایران به‌ویـــژه تورم، بیکاری و کاهـــش تولید ناخالص ملی معلـــولِ گفتمان مبارزه با آمریکا، نابودی غده‌ی ســـرطانی اســـرائیل، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان و ... است.

**تلفیق گفتمان مقاومت و پیشرفت، پادزهر گفتمان سازش**

مهم‌ترین گفتمان قابل تعریف در ذیل گفتمان مقاومت، گفتمان پیشرفت است. در واقع جان‌مایه‌ی گفتمان مقاومت، گفتمان پیشرفت است، درحالی‌که طرف مقابل می‌خواهد بگوید جان‌مایه گفتمان مقاومت، هزینه بدون پیشرفت است.

شـکل‌گیری و ایجاد شـکاف اجتماعی، مهم‌ترین امری اسـت که در آستانه‌ی همه‌ی دوره‌های انتخابات اتفاق می‌افتد. در سـال ۸۸ شـکاف اجتماعی حول مقوله‌ی تقلب سـامان گرفت. در آن زمـان، گفتمانی به عنوان گفتمان تقلب، مجموعه‌ی اعتراضات اجتماعی یا اقتصادی را سیاسی و سپس امنیتی کرد و به بیان دقیق‌تر، اعتراض را به آشوب مبدل نمود.

مجموعه‌ی گروه‌ها و جریان‌هایی که می‌خواهند انتخابات را به همه‌پرسی علیه رهبری تبدیل کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که این مهم تنها زمانی امکان‌پذیر اسـت که شکاف اجتماعی، حول موضوع سـازش، به‌وجود آید. شکاف سیاسی حول موضوع سازش یا مقاومت، همیشه در چند سال گذشته، وجود داشته ولی مهم این است که این شکاف اجتماعی باشد، یعنی کشور در وضعیتی قرار بگیرد که سازش به‌عنوان مطالبه‌ی عمومی مطرح شود و جامعه تنها راه‌حل مشکلات را تعدیل محاسبات و امتیازدهی به غرب تلقی کند.

در این راستا، برای این‌که مسئله‌ی سازش اجتماعی شود، پروژه‌ی بحران‌آفرینی حول اختلافات کلید خورده اسـت. وقتی شـما موضوعاتی را به عنوان اختلاف مطـرح می‌کنیـد و این موضوعات تحریک اجتماعی ایجـاد می‌کند، به تدریج شـرایط جامعه به سمت شـکل‌گیری فضای دوقطبی می‌رود و این‌گونه تصور می‌شود که در کشور، عده‌ای خواهان حل مشکلات مردمند و دیگران نسبت به این مسئله بی‌تفاوت هستند.





**ضعف‌های اساسی گفتمان سازش و نجات ملی**

گفتمان سـازش در این شـرایط دارای ایرادات اساسی است چرا که در مسیر اجتماعی کردن گفتمان سازش، اولین ایراد ضعف بدنه‌ی اجتماعی جریان فتنه است، چرا که این جریان پس از انتخابات سال ۸۸ دچار ریزش بدنه‌ی اجتماعی شد و تا کنون نتوانسته است این ریزش را جبران کند. از طرف دیگر، کادرهای کلیدی جریان فتنه یا از صحنه خارج شده‌اند و یا به زندان افتاده‌اند.

از سـوی دیگر مجموعه‌ی گروه‌ها و جریان‌هایی که می‌خواهند انتخابات را به همه‌پرسی علیهی رهبری تبدیل کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که این مهم تنها زمانی امکان‌پذیر است که شکاف اجتماعی، حول موضوع سازش، به وجود آید.

در دیگر سـو، رفتار طرف آمریکایی به گونه‌ای اسـت که ما هر چه نشانه‌های قوی‌تری مبنی بر سازش از داخل صادر کنیم، فشار از طرف مقابل بیشتر خواهد شد. تمام ارزیابی‌های اطلاعاتی غرب حاکی از آن است که ایران هیچ برنامه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد. از این حیث، علت اصلی فشارهای اخیر این

است که احساس کرده‌اند احتمال تأثیر فشار در داخل افزایش پیدا می‌کند و به همین دلیل، فشار را زیاد می‌کنند.

گفتمان مقاومت ما را در وضعیتی قرار داده است که حتی اگر بخواهیم معامله کنیم، بهترین معامله‌ی ممکن را می‌توانیم انجام دهیم، درحالی‌که ما با گفتمان سازش هیچ وقت نمی‌توانستیم معامله‌ای انجام دهیم. پس اولین دستاورد گفتمان مقاومت تعدیل اساسی خطوط قرمز آمریکاست.

دومین دستاورد گفتمان مقاومت، پیشرفت بی‌سابقه در حوزه‌هایی است که خطوط قرمز غربٍ به شمار می‌رود. مجموع فناوری‌هایی که هم‌اینک در کشور وجود دارد عموماً فناوری‌های ممنوعه است و هیچ‌کدام از متحدان آمریکا در منطقه‌ی خلیج‌فارس تا امروز اجازه‌ی مسلط شدن به این فناوری‌ها را پیدا نکرده‌اند.

سومین دستاورد جریان مقاومت این است که ما را به الگو تبدیل کرده است. ما با خط سازش نمی‌توانستیم در منطقه الگو باشیم. اگر ما گفتمانٍ سازش را در پیش می‌گرفتیم، امروز نسبت ما با تحولات منطقه نسبتی کاملاً منفعلانه بود و ما در وضعیتی قرار داشتیم که تحولات منطقه به‌طور کامل به ضرر ما بود.

**راهبردهای انتخاباتی و گفتمانی جریان فتنه و اصلاحات**

از سوی دیگر ارزیابی تحرکات جبهه دوم خرداد نشان می‌دهد که راهبردهای ذیل را برای انتخابات یازدهم تدارک دیده‌اند:

**الف)** پایان دادن به گفتمان اصولگرایی یکی از راهبردهای اساسی جریان تجدیدنظرطلب است. از نگاه این جریان، گفتمان اصولگرایی مهم‌ترین ابزار اجرای تدابیر رهبری در محیط سیاست داخلی است اما پس از اتفاقات سال ۸۸ مرزبندی میان اصولگرایان و تجدیدنظرطلبان به‌هم ریخته و بسیاری از چهره‌های سنتی اصولگرا در تقسیم‌بندی‌های جدید جزو جریان اصلاح‌طلب به‌حساب می‌آیند. جریان تجدیدنظرطلب ادامه این پروژه را برای منهدم کردن گفتمان اصولگرایی ضروری می‌داند.

**ب)** جریان اصلاحات در کل با بحران کارنامه به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصادی مواجه است. با این وجود این جریان تصمیم گرفته است یک سیاه نمایی مفصل، مستند و سازمان یافته درباره‌ی وضعیت اقتصادی کشور به عمل بیاورد و به این منظور تقسیم کار جدی و مستندسازی مفصلی انجام داده است.

تمامی طیف‌های جبهه دوم خرداد روی تمرکز فعالیت انتخاباتی خود بر نقد عملکرد اقتصادی جریان اصولگرا اتفاق‌نظر دارند. از دید این عده، نقد مسیر اقتصادی،

کوتاه‌ترین مسیر برای تخریب اصولگرایان و همچنین ایجاد خیزش اجتماعی است.
**دراین‌باره در جلسات داخلی اصلاح‌طلبان روی موارد زیر بحث شده است:**

- اثبات وجود فساد اقتصادی فراگیر در میان اصولگرایان
- نقد شیوه‌ی هزینه‌کرد درآمد فراوان ارزی کشور
- بازی با آمارهای رسمی درباره‌ی نرخ تورم و بیکاری و رشد اقتصادی
- تمرکز روی سخت‌تر شدن معیشت مردم در دوره‌ی حاکمیت اصولگرایان
- ادعای عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های مدیریتی کشور
- مقایسه شاخص‌های اقتصادی با دوران گذشته

**ج)** یکی از هدف گذاری‌های کلیدی این جریان آن است که نظام را به این نتیجه برساند که در رفتار خود با جریان اصلاح‌طلب از سال ۸۸ به این سو اشتباهات جدی مرتکب شده و باید آن را اصلاح کند. فهرست مواردی که این جریان در محیط پنهان خود در پی تحمیل آن به نظام است چنین است:

- حصر رهبران فتنه‌ی ۸۸ یک اشتباه راهبُردی بود.
- زندانی کردن کادرهای کلیدی آن باعث شعله‌ور شدن و انحراف اعتراضات شد.
- انتقال رهبری بدنه اجتماعی اصلاحات به محافل بیرونی ناشی از عملکرد اشتباه نظام بود.
- سرمایه‌گذاری خوش‌بینانه روی احمدی‌نژاد باعث این غائله بود.
- متهم کردن جریان اصلاحات به براندازی یک اتهام بی‌مبنا بود.
- خارجی دانستن طراحی و سازماندهی اعتراضات سال ۸۸ یک نشانی غلط بود.
- تعطیلی همه‌ی احزاب اصلاح‌طلب باعث انزوای داخلی و خارجی نظام شد.
- فاصله گرفتن از نخبگان به‌ویژه عناصر دانشگاهی باعث از دست دادن مراکز ثقل نظام شد.

مقاله‌ی چهارم

# بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تحرکات اردوگاه استکبار در رابطه با دو انتخابات دهم و یازدهم ریاست جمهوری

رصد تحرکات نظام سلطه نشان می‌دهد که انتخابات یازدهم ریاست جمهوری به‌عنوان نقطه‌ی کانونی برنامه‌های دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.

در نمونه‌ی جدیدی از خصومت‌هایی که دشمنان نظام اسلامی طراحی کرده‌اند اجرای برنامه‌ی هوشمند و چند مرحله‌ای «فشار، بی‌ثباتی و مذاکره» در دستور کار قرار داده شده است. در این طراحی، از یک سو تلفیق نمونه‌های پیاده شده در کشورهای مختلف و ترمیم نقاط ضعف در فتنه‌ی ۸۸ مد نظر قرار گرفته و از سوی دیگر سعی می‌شود با ایجاد آشفتگی اقتصادی، اعتراض و آشوب اجتماعی و سیاسی در بستر انتخابات کلید بخورد.

از این رو حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در بیانات ۱۹ دی ۱۳۹۱، خواستار رصد و زیر نظر گرفتن حرکت‌ها و اقدامات دشمن شدند و فرمودند: «...انسان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرّس [با دلیل دریافتن و فهمیدن] کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند. این خیلی مهم است. اگر شما در یک مبارزه‌ی شخصی، در یک دفاع شخصی که در مقابل یک حریف قرار می‌گیرید، بتوانید حرکت او را پیش‌بینی کنید، هیچ ضربه‌ای نخواهید خورد. اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورید. دشمن که نخوابیده، او بیدار است...»

در مطالعات راهبردی می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های آینده‌اندیشـــی، همواره تصاویری از آینده ســـاخت که فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات خودی به صورت سه‌بعدی قابل مشاهده باشـــد. تصویرسازی از آینده، علاوه بر امکان پیش‌بینی اقدامات و اهداف دشمن، از ایجاد غافلگیری راهبردی جلوگیری می‌نماید.
آینده‌نگری به مسئولین و دستگاه‌های ذی‌ربط این امکان را می‌دهد تا با اتخاذ تمهیدات مناسب و لازم، علاوه بر پیشگیری از تهدیدات و مهار چالش‌ها، حتی آن‌هـــا را به فرصت تبدیل کنند. از همه مهم‌تر، ســـاخت تصاویری از فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدات می‌تواند منجر به تدوین برنامه‌های پیش‌دســـتانه شـــود و دشمن را وادار نماید تا در زمین تعیین‌شده از سوی خودی بازی کند و به این ترتیب، می‌توان اراده‌ی مورد نظر را به او تحمیل کرد.
در این چارچوب، ابتدا ســـعی می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های متداول، مانند سناریوســـازی، شبیه‌ســـازی، نظریه‌ی بازی‌ها و... ابتدا برنامه‌ی دشـــمن را فهم کرد و ســـپس با نمونه‌ســـازی، چگونگی پیاده نمودن نقشـــه از سوی دشمن را نیز پیش‌بینی کرد. در این نوشـــتار تلاش شـــده است تا با استفاده از روش‌های آینده‌اندیشـــی در مطالعات راهبردی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۹ دی ۱۳۹۱ واکاوی و ســـپس به مشـــابهت‌ها و تفاوت‌های فتنه‌ی بزرگ‌تر نظام سلطه در قیاس با فتنه ۸۸ اشاراتی ولو گذرا داشته باشیم.



## چرایی طراحی فتنه‌ی بزرگ‌تر

در بیان چرایی تدارک نظام ســـلطه برای ایجاد فتنه‌ی بزرگ‌تر، می‌توان به دو موضوع بسیار حیاتی و اساسی اشاره داشت:

- فرصت‌های راهبردی پیش روی جمهوری اسلامی ایران
- چالش‌ها و تهدیدات پیش روی ایالات‌متحده‌ی آمریکا

بـــه عبارت دیگـــر، طراحی فتنه‌ی بزرگ‌تر، تلاش آمریـــکا و هم‌پیمانان او برای تبدیل تهدید به فرصت از ســـوی ســـلطه‌گران ارزیابی می‌شـــود. ضمن آنکه دو موضوع مذکور در منازعه‌ی بین جمهوری اســـلامی ایران و ایالات‌متحده نقش بســـیار تعیین‌کننده‌ای دارد و ســـطح بازیگری آنان را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و هندسه‌ی جدید جهانی تعیین می‌نماید.
در این راســـتا، «توماس پیکرنیگ»، معاون سابق وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، در بخشـــی از مصاحبه‌ی خود با مؤسسه‌ی «بگین ســـادات» از چرایی اقدامات

سلطه‌گران رمزگشایی می‌نماید و اظهار می‌دارد: «اگرچه آمریکا به مدت چندین دهه، ابرقدرتی مهم در دنیا تلقی می‌شد، اما اکنون در حال افول به عنوان تنها بازیگر منطقه و جهان است.»

فرصت‌هـای راهبردی پیش روی جمهوری اسـلامی ایران در انتخابات ۱۳۹۲، که می‌تواند بازیگری ایران را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی متحول سازد، عبارتند از:

- تقویت روند تحکیم رابطه‌ی امت و امام(ره) به‌وسیله‌ی ایستادگی و مقاومت بر گفتمان انقلاب اسلامی
- تولید قدرت ملی و قدرت نرم ناشی از مشارکت مردم در انتخابات ۹۲
- بهره‌گیری از قدرت‌های تولیدشده برای عبور از پیچ تحریم‌ها و فشارها
- تقویت روند بیداری اسلامی و محور مقاومت اسلامی
- ارتقای وضعیت جمهوری اسلامی ایران در شرایط پیچ تاریخی
- ارتقای سـطح بازیگری جمهوری اسـلامی ایران در شـکل‌گیری هندسه‌ی جدید جهانی

چالش‌هـا و تهدیدات پیش روی ایالات‌متحـده‌ی آمریکا و برخی هم‌پیمانان او دلیـل دیگری بـرای طراحی عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سـازی علیه جمهوری اسـلامی ایران است. در این ارتباط، مرکز مطالعات سیاست‌گذاری خاورمیانه‌ی مؤسسـه‌ی «بروکینگز»، موسوم به «سابان»، در گزارشی با عنوان «کدام راه به سـمت ایران؟» با صراحت به آخرین فرصت آمریکا اشاره می‌نماید و در بخشی از گزارش تصریح می‌کند: «زمان به‌سـرعت در حال گذر اسـت و دوره‌ی اوباما آخرین فرصت آمریکاست.»

همچنین سه گزاره‌ی زیر نیز بیش از دیگر گزاره‌ها، اضطرار و محدودیت زمانی را برای ایالات‌متحده‌ی آمریکا مشخص می‌سازد:

- حل مسائل آمریکا در جهان در گرو حل مسائل آمریکا در منطقه و خاورمیانه است.
- حل مسائل آمریکا در منطقه در گرو حل مسئله‌ی ایران است.
- آمریکا مجبور به حل مسئله‌ی خود با ایران در سریع‌ترین زمان ممکن است.

بنابراین با توجه به دو موضوع ذکرشده، بدیهی است که سلطه‌گران تلاش کنند تا از یک‌سو فرصت‌های جمهوری اسلامی را به تهدید تبدیل نمایند و از سوی

دیگر، چالش‌ها و تهدیدات خود را به فرصت مبدل سازند. این مهم را در بیانات در ۱۹ دی ۱۳۹۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) می‌توان مشاهده کرد. معظم‌له فرمودند: «دشمن متوجه انتخابات ماست. انتخاباتی که در خرداد آینده در پیش داریم از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است، حواسش به آن انتخابات است».

## برنامه‌ی هوشمند و چند مرحله‌ای نظام سلطه

برنامه‌ی هوشمند و چند مرحله‌ای نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی حلقه‌ی فزاینده‌ای از فشارهای دیپلماتیک، اقتصادی و جنگ روانی و بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی برای وادار ساختن ایران به مذاکره با آمریکاست. این برنامه، بر اساس پیشنهادهای مرکز سابان، در گزارش «کدام راه به سمت ایران؟» طراحی شـــده اســـت. در گزارش مذکور، از میان پیشنهادهای ارائه‌شـــده (دو گزینه‌ی دیپلماتیک، سه گزینه‌ی نظامی، یک گزینه‌ی بازدارندگی از طریق تهدید، سه گزینه‌ی تغییر حکومت)، با صراحت خواســـتار استفاده‌ی مقامات کاخ سفید از همه‌ی گزینه‌ها شده است.

هم‌افزایی فشارهای چند لایه‌ای دیپلماتیک، اقتصادی، جنگ روانی و بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی، پارادایم جدیدی است که به صورت هوشمندانه در دستور کار سلطه‌گران علیه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

در ایـــن ارتباط، «آلن بـــن» در ســـرمقاله‌ی «المانی‌تور» ۲۳ دســـامبر ۲۰۱۲ (دی‌ماه ۱۳۹۱) می‌نویســـد: «...مشاهده‌ی پیش‌رفته‌ای ایران موجب شد برخی در نیروهـــای دفاعی، پارادایم جدیدی را مطرح کننـــد که به جای توانایی‌های فیزیکـــی، بر انگیزه‌های ایران تمرکز می‌کند. در واقـــع این پارادایم، با اذعان به این‌که اعمال تحریم‌های جامعه‌ی بین‌المللی علیه ایران نقطه‌ی شروع فشار بر حکومت این کشور است، خواستار تشدید فشار بین‌المللی از طریق تحریم‌های بیشتر در کنار فعالیت‌های مخفی علیه حکومت آیت‌الله‌ها در ایران است. با توجه به احتمال روزافزون وقوع بهار عربی در خیابان‌های تهران، ترکیب فشار سیاسی و اقتصادی می‌تواند آیت‌الله‌ها را به بازنگری در برنامه‌ی هسته‌ای متقاعد کند».

از منظـــر آمریکا و هم‌پیمانان او، هم‌افزایی حلقه‌ی فزاینده‌ی فشـــار و بی‌ثباتی می‌بایست در نقطه‌ی کانونی انتخابات ۱۳۹۲ مُنتَج به نتایج زیر گردد:

- وادار شدن مسئولین جمهوری اسلامی ایران به محاسبه‌ی مجدد و اشتباه محاسباتی

- ایجـاد تغییر نگرش در جامعه نسـبت به گفتمان مسـلط (گفتمان انقلاب اسلامی امام و رهبری)
- ایجاد رویگردانی اجتماعی و احیاءناً کاهش مشارکت در انتخابات
- بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی و ایجاد مخاطره برای امنیت ملی
- وادار سـاختن جمهوری اسـلامی ایران به مذاکره با آمریکا به‌عنوان تنها راه برون رفت

## عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی در انتخابات ۱۳۹۲

عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سـازی جمهوری اسـلامی ایران قبل، حین و بعد از انتخابات شامل هم‌افزایی سه گزاره‌ی زیر است:

- تلاش برای ایجاد اعتراض و آشوب اجتماعی
- احیاء و بازتولید جنبش سیاسی
- اجرای اقدامات مهندسی شده‌ی ضد امنیتی

اجرای عملیات سـه‌گانه‌ی فوق بـا پندار تأثیرگذاری فشـارهای اقتصادی به نارضایتی و رویگردانی اجتماعی و سپس احیای جنبش سیاسی در دستور کار عناصر ضدانقلاب وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی قرار گرفته است.

در ایـن میـان، اجـرای اقدامات مهندسـی شـده‌ی ضد امنیتی بـه مثابه‌ی تسـریع‌کننده، نقـاط داغ و هیجان‌زایی را به وجود خواهد آورد که از یک‌سـو می‌بایست درهم‌آمیختگی امواج اعتراضات اجتماعی و سیاسی را کلید بزنند و از سوی دیگر، می‌بایست تمرکز ایران را به‌هم بریزد.

بر این اسـاس، «برژینسـکی»، مشـاور امنیت ملی کارتر، اخیراً با ارائه‌ی طرح چهارگانـه‌ای بـرای مقابله بـا جمهوری اسـلامی ایران، بر عملیـات مخفی و بی‌ثبات‌سازی ایران تأکید کرده است.

با نزدیک شدن به انتخابات خردادماه ۱۳۹۲، غربی‌ها تدریجاً اهداف و برنامه‌ریزی خود را برای بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران آشکار می‌سازند و در این رابطه «برنارد کوشنر»، وزیر خارجه‌ی سابق فرانسه، در مصاحبه با شبکه‌ی العربیه (در دی‌ماه ۱۳۹۱) صراحتاً اظهار می‌کند: «امیدوارم انتخابات ریاست جمهوری سال آینده‌ی ایران، زمینه‌ساز سرنگونی نظام ایران شود».

همچنین روزنامه‌ی صهیونیستی معاریو به نقل از «دنی آیالون»، معاون وزارت خارجه‌ی رژیم صهیونیستی، نوشت: «انتخابات آینده‌ی ایران سلسله‌ای از ناآرامی‌ها

و اغتشاشـــات را به دنبال خواهد داشت که از سال ۸۸ گسترده‌تر خواهد بود.»
در همین چارچوب، اتصال حلقه‌ی ضدانقلاب به عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران نیز با مواضع اخیر یکی از ســرکردگان گروهک تروریستی منافقین وضوح بیشتری می‌یابد. به تازگی «مریم غجر عضدانلو» (مریم رجوی)، با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در ایران، اعلام کرده است: «سال ۲۰۱۳ زمان زدن ضربه‌ی نهایی به ایران است، زیرا وضعیت ایران ملتهب است.»

## تلاش برای ایجاد اعتراض و آشوب‌های اجتماعی

مهندســی اعتراضات اجتماعی از طریق اعمال فشــارهای اقتصادی، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی ایران است که چندی قبل روزنامه‌ی آمریکایی «واشنگتن‌پســت» به نقل از یک مقام رســمی ارشد آمریکا آن را افشاء نمود و نوشت: «هدف این تحریم‌ها ایجاد نفرت و نارضایتی در خیابان‌های ایران است.»
در این ارتباط «شرمن» نماینده‌ی دمکرات کنگره‌ی آمریکا، در مصاحب‌های با بی‌بی‌ســی در ۱۴ مردادماه ۱۳۹۱ با صراحت اعلام می‌کند: «ما مایل به سقوط رژیم ایران به شــکل سقوط شــاه با حضور میلیونی مردم در خیابان‌های تهران هستیم و این هدفی است که تحریم‌ها قصد به وجود آوردنش را دارد.»
پیــش از این نیز «ریتکیه» یکی از اعضای شــورای روابــط خارجی آمریکا، در نشست مؤسســه‌ی بروکینگز اظهار داشت: «موج ناآرامی‌ها در منطقه می‌تواند نشــأت گرفته از ایران باشــد، اما باید تمام تلاش خود را به کار گیریم تا چنین ناآرامی‌هایی در ایران نیز رخنه کند... جامعه‌ی مدنی ایران از بخش‌های مختلفی تشکیل‌شده که می‌توان روی آنها سرمایه‌گذاری کرد. از جمله سازمان‌های صنفی کارگری، انجمن‌های جوانان، روحانیون مخالف، معترضان لیبرال و دانشگاهیان که همه‌ی اینها ظرفیت مناسبی برای ایجاد ناآرامی دارند».
در طراحی جدیدِ عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران دو نکته‌ی مهم و اساســی قابل تأمل اســت؛ یکی تغییر الگــوی اعتراضات در نقطــه‌ی عزیمت از فاز سیاســی به فاز اجتماعی و دیگــری تلاش برای اتصال اعتراضات در پیرامون و مرکز به یکدیگر. در واقع دو موضوع مذکور مؤید تلاش سلطه‌گران برای برطرف ساختن نقاط ضعف عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی در فتنه‌ی ۸۸ است.
در این راستا، بی‌بی‌سی فارسی به نقل از «حسین باستانی» در ۹ مردادماه ۱۳۹۱ اعلام می‌کند: «افزایش فشــارهای اقتصادی باعث تغییر در الگوی حرکت‌های

اعتراضی در ایران می‌شود. ممکن است به جای معترضان سیاسی بعد از انتخابات، که از قشر متوسط بودند، معترضان اقتصادی از طبقات پایین به میدان بیایند.»

## احیاء و بازتولید جنبش سیاسی

بخش دوم عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران به سرمایه‌گذاری برای احیاء و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی اختصاص دارد. ویروس‌زدایی از فضای سیاسی و عمومی کشور پس از فتنه‌ی ۸۸، ظرفیت ایجاد جنبش سیاسی علیه نظام را به حداقل رساند.

بر این اساس، به کما رفتن ظرفیت جنبش سیاسی علیه نظام یکی از دشواری‌های قدرت‌های سلطه‌گر برای دور جدید بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی ایران است. در این میان، اگرچه تلاش می‌کنند با تغییر الگوی اعتراضات در نقطه‌ی عزیمت (از فاز سیاسی به فاز اجتماعی) بخشی از مشکل پیش‌روی خود را مرتفع سازند، اما پرواضح است که احیاء و باز تولید جنبش سیاسی نیازمند محرک‌هایی است تا این ظرفیت را از حالت کما خارج کند و آن را آماده‌ی نقش‌آفرینی در فتنه‌ی آینده نماید.

بنابراین وارد ساختن محرک‌هایی به فضای سیاسی و عمومی کشور در چارچوب تلاش برای احیاء و بازتولید ظرفیت جنبش سیاسی ارزیابی می‌گردد. این مهم در محورهای زیر قابل بررسی و تحلیل است:

### ■ طرح کلیدواژه‌ی «انتخابات آزاد»

«انتخابات آزاد» یکی از کلیدواژه‌هایی است که در یک فاصله‌ی زمانی کوتاه به یک‌باره در فضای سیاسی و عمومی کشور منتشر و منعکس شد. کلیدواژه‌ی مذکور در واقع وارد ساختن یکی از محرک‌های اثربخش برای احیاء و باز تولید جنبش سیاسی علیه نظام در آستانه‌ی انتخابات خردادماه ۱۳۹۲ است.

کلیدواژه‌ی انتخابات آزاد اولین بار توسط مقامات و رسانه‌های غربی مطرح شد و سپس توسط عناصر ضدانقلاب بازنشر یافت و از آن پس توسط فتنه‌گران در فضای سیاسی کشور عمومیت یافت.

### ■ تشکیک در سلامت انتخابات

آحاد جامعه انتخاب را حق خود می‌دانند. از این رو، تشکیک در سلامت انتخابات به نوعی تزریق احساس محرومیت به افراد جامعه محسوب می‌گردد. بدیهی است در چنین شرایطی، پاسخ افراد به این محرک بعضاً در قالب دل‌سردی و عدم مشارکت در انتخابات و یا نارضایتی و اعتراض به روند و نتایج انتخابات تبلور

می‌یابد. بر این اساس زیر سؤال بردن روند انتخابات و ایجاد تشکیکی در سلامت آن، از طریق کاربرد کلیدواژه‌هایی همچون «انتخابات مهندسی‌شـــده» ناظر بر تزریق محرک دیگری برای احیاء و باز تولید ظرفیت جنبش سیاســـی اســـت.

**■ سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی**

سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در کشور هدف بخشـــی از برنامه‌ی پیچیده‌ی جنگ روانی علیه حاکمیت کشـــور هدف (آماج) اســـت. این اقدام از یک ســـو نیروهای مخالف سیاســـی (اپوزیسیون) را در شـــرایط فعال قرار می‌دهد و از ســـوی دیگر، منجر به اقبال عمومی به آنان می‌گردد. دو روند مذکور در هم‌افزایی با یکدیگر منجر به شکل‌گیری یا باز تولید جنبش سیاسی علیه یک حاکمیت می‌شود.

**■ مطالبه‌گری نسبت به حاکمیت**

پوشش دادن به نقاط ضعف نیروهای مخالف سیاسی و قراردادن آنان در شرایط پیشرو (آوانگارد) نســـبت به حاکمیت کشور هدف، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی اســـت. این مهم از طریق مطالبه‌گری نیروهای مخالف نسبت به نظام حاکم محقق می‌گردد.

از ســـوی دیگر، این امر طرح مطالبات و زمینه‌های شـــکل‌گیری رفتار جمعی و ایجاد مطالبه‌ی عمومی را به‌وجود می‌آورد و جنبش سیاســـی را در مسیر احیاء و باز تولید قرار می‌دهد.

**■ اعتراض به احراز صلاحیت‌ها**

**■ اعتراض به نتایج انتخابات**

با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات، رفتارهای اجتماعی هیجانی‌تر می‌شود و قطب‌بندی‌های دو یا چندگانه در جامعه شـــکل می‌گیرد. در این میان، نحوه و نتایـــج احراز صلاحیت‌هـــا و همچنین اعلام نتیجـــه‌ی انتخابات، محرک‌های متعددی مانند «انتخابـــات غیررقابتی»، «تخلف و تقلب» و... را تولید می‌کنند که هر کدام از آن‌ها برای احیاء یا باز تولید جنبش سیاسی مؤثر خواهد بود. در ایـــن ارتباط، محرک‌های ایجاد جنبش اعتراضی در نمونه‌ی انقلاب‌های رنگین و مخملی (یوگسلاوی و چکســـلواکی سابق، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان و فتنه‌ی ۸۸) شاهدْ مثال بسیار گویا و قابل تأملی است.

## اجرای اقدامات مهندسی شده‌ی ضد امنیتی

سومین بخش از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی (فتنه‌ی بزرگ‌تر) در انتخابات ۹۲ اجرای اقدامات مهندسی‌شده‌ی ضد امنیتی است. قرائن و شواهد موجود و همچنین توجه به پیشـــینه‌ی اقدامات ضد امنیتی در سه دهه‌ی گذشته، وقوع گزاره‌های زیر را محتمل نشان می‌دهد.

- وقوع خراب‌کاری‌های مهندسی شده
- انجام ترور و قتل‌های فتنه‌گون
- بهره‌گیری از گســل‌های قومی- فرقه‌ای برای بی‌ثبات ساختن برخی مناطق کشور
- تلاش برای بی‌ثبات‌سازی رهبری
- اقدامات سایبری

ایــن بخش از برنامه کــه فوق‌العاده پیچیده و خطرنــاک خواهد بود، هیجان و التهاب بســیار کاذبی را به فضای اجتماعی و سیاسی کشور تزریق می‌نماید که می‌تواند تبعات زیر را به دنبال داشته باشد:

- ایجاد بی‌تعادلی روانی در افکار عمومی و قطب‌بندی نمودن جامعه
- امکان جابه‌جایی افکار عمومی و عملیاتی ساختن عملیات فریب در جامعه
- شــتاب بخشیدن به روند تکوین اعتراض و آشوب اجتماعی و احیای جنبش سیاسی
- ایجاد هم‌افزایی بین بخش اجتماعی و سیاسی بی‌ثبات‌سازی
- برهم زدن تمرکز مسئولین و دستگاه‌های سیاسی و امنیتی کشور
- ایجاد شرایط دستِ برتر برای جریان‌های سیاسی مخالف و معاند

در این رابطه بررسی پیشینه و دقت در اقدامات مهندسی شده‌ی ضدامنیتی، به درک و فهم این بخش از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی کمک شایانی خواهد نمود. یکی از گویاترین شاهدهای مثال برای خراب‌کاری مهندسی شده واقعه‌ی کوی دانشــگاه در سال ۱۳۷۸ اســت. این اقدام از یک طرف راهبرد فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا را برای تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم اثربخش می‌ساخت و از طرف دیگر، با ایجاد بی‌تعادلی روانی در جامعه و جابه‌جایی افکار عمومی، روند تکوین اعتراض و آشوب سیاسی و اجتماعی را به جلو پرتاب می‌نمود.
طراحان این اقدام مهندســی شــده‌ی ضدامنیتــی در ادامه تــلاش نمودند با

قداست‌شکنی علیه ارزش‌های الهی نظام، آشوب سیاسی‌ـاجتماعی را به سمت براندازی سوق دهند.
در خصوص پیشینه‌ی ترورها و قتل‌های فتنه‌گون نیز می‌توان به وقوع قتل‌های زنجیره‌ای و ترور «سعید حجاریان» اشاره نمود. متهم نمودن سران و بخش‌هایی از نظام به ارتکاب ترور و قتل‌ها، ایجاد برانگیختگی و شـرایط دسـتِ برتر برای تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم در برابر نظام و وادار نمودن آنان به عبور از چارچوب‌ها و ساختار نظام، بخشی از اهداف تعبیه‌شده در وقوع ترور و قتل‌های فتنه‌گون در سـال ۱۳۷۷ بود. ضمن آن‌که طراحان اقدامات ضدامنیتی مذکور، ایجاد بی‌تعادلی روانی در افکار عمومی و قطب‌بندی نمودن جامعه به اصلاح‌طلب و خشونت‌طلب را به انتظار نشسته بودند.
در سـال‌های پایانی دهه‌ی هفتـاد و اوایل دهه‌ی هشـتاد، هم‌زمان با اجرایی نمودن اقدامات ضدامنیتی مذکور، بهره‌گیری از گسـل‌های قومی و فرقه‌ای نیز در دستور کار طراحان عملیات مخفی و بی‌ثباتسازی قرار گرفت که چالش‌های امنیتی را در برخی مناطق به‌وجود آورد.
در بررسـی پیشینه‌ی تلاش‌های بی‌ثبات‌سـازی رهبری، می‌توان به پروژه‌های موسـوم به «نوارسـازان» در اواخر دهه‌ی هفتاد اشاره داشت. تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسـم، در طی آن سال‌ها، با عملیاتی نمودن سناریوهای تخریبی دروغیـن، که به «پروژه‌ی نوارسـازان» معروف شـد، از یک‌سـو تلاش نمودند خط‌کشـی و قطب‌بندی اصلاح‌طلب و خشـونت‌طلب را در جامعه پیاده‌سازی نمایند و از سوی دیگر، نسبت‌های ناروایی را به جایگاه الهی ولایت‌فقیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی وارد سازند.
جدا از پروژه‌های نوارسـازان، عناصر ضدانقـلاب و تجدیدنظرطلب در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و واقعه‌ی کوی دانشـگاه نیز سعی کردند این دو موضوع را به رهبری نسـبت دهند، تا جایی که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای دفاع از جایگاه الهی ولایت‌فقیه و تنویر افکار عمومی از نماز جمعه استعانت گرفتند.
در حوادث فتنه‌ی ۸۸ نیز شاهد بخش دیگری از اقدامات سلطه‌گران، گروه‌های ضدانقـلاب و فتنه‌گران برای بی‌ثبات‌سـازی رهبری بودیم که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به جعل سـند برای مهندسـی انتخابات از سـوی رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره کرد.
شاید به‌دلیل این طراحیِ سلطه‌گران است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پنج ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، آحاد امت را نسبت به توطئه‌ی طراحی شده آگاه ساختند. معظم‌له در بخشی از بیاناتشان در دیدار با مردم قم

در۱۹ دی ۱۳۹۱ فرمودند: «یکی از راه‌ها هم این اســت که سعی کنند در ایام انتخابات سر مردم را به یک چیز دیگری گرم کنند، یک حادثه‌ای پیش بیاورند، یک ماجرایی درســت کنند؛ یک ماجرای سیاسی، یک ماجرای اقتصادی، یک ماجرای امنیتی. البته این هم جزء نقشه‌های دشمن است.»

**نمونه‌های بی‌ثبات‌سازی معطوف به انتخابات در کشورهای هدف:**

- القای غیرآزاد بودن انتخابات توأم با بحران‌نمایی و سیاه‌نمایی
- ایجاد اعتراضات و چالش‌های اجتماعی در اطراف مرکز
- انتقال اعتراضات و چالش‌های اجتماعی اطراف به مرکز
- مصادره‌ی اعتراضات اجتماعی از سوی جنبش سیاسی در مرکز
- تولید جنبش جهش‌یافته‌ی سیاسی و اجتماعی در مرکز
- انتقال جنبش جدید به اطراف مرکز و فراگیر نمودن آن
- انجام عملیات مخفی (ترور و خراب‌کاری مهندسی شده)
- سامان‌دهی و آموزش گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی و حقیقی
- نمادسازی برای تهییج، جابه‌جایی و فریب افکار عمومی و همچنین قطب‌بندی جامعه
- القــای تقلــب در انتخابات و متهم نمودن حاکمیت کشــور هدف به فســاد سیاسی و مالی
- اردوکشی خیابانی قبل از برگزاری انتخابات و ایجاد آمادگی برای نافرمانی و بلوا
- اعلام زود هنگام پیروزی جریان مطلوب به‌صورت قاطع
- فراخوانی برای برگزاری جشن پیروزی یا اعتراض به نتایج انتخابات
- مطالبه‌گری برای ابطال انتخابات و ایجاد ساز و کار برای برگزاری انتخابات جدید
- بی‌ثبات‌ســازی از طریق اردوکشــی خیابانی و ممانعت از اســتقرار دولت یا مجلس جدید
- تغییر رفتار یا تغییر ساختار کشور هدف از طریق نافرمانی و کودتای مخملی یا انتخابات مجدد

بر اســاس مطالب پیش گفته، در تبیین عملیات مخفی و بی‌ثبات‌ســازی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران در انتخابات خرداد ۱۳۹۲، اکنون این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که ســلطه گران برای ممانعت از بهره‌گیری جمهوری اسلامی از فرصت‌های پیشِ رو در انتخابات ۹۲، کدام گزینه‌ها را در دستور کار قرار خواهند داد؟

در این بخش، به دلیل اهمیت بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای

(مدظله‌العالی) در دیدار با مردم قم در ۱۹ دی‌ماه ۹۱، بار دیگر فرازی از بیانات ایشـــان را مرور می‌کنیم: «انسان با هوشـــیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرّس کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند».
معظم‌له در بخش دیگری می‌فرمایند: «یک ملت باید درست حواسش را جمع کند، بداند پا کجا می‌گذارد، تقوای جمعی یعنی همین، بداند چه‌کار می‌خواهد بکند، مراقب باشد از کجا ضربه متوجه او می‌شود.»

## آیا طراحی نظام سلطه به فاز اجرا منتقل شده است؟

پس از فهم و شناخت برنامه‌ی نظام سلطه برای ایجاد فتنه‌ی بزرگ‌تر به نسبت فتنه‌ی ۸۸ و تبدیل فرصت‌های جمهوری اســـلامی ایران، به‌ویژه فرصت بسیار مهـــم انتخابـــات ۱۳۹۲، به چالش و تهدید، اکنون این ســـؤال باقی می‌ماند که آیا طراحی نظام ســـلطه به فاز اجرا منتقل شـــده اســـت؟ اگر این طراحی وارد مراحل اجرایی شـــده، تا کنون چه اقداماتی در راســـتای آن انجام گرفته است؟ بازیگران فاز اجرایی این برنامه چه جریان‌هایی هستند؟ در چارچوب این برنامه، چه اقداماتی در مراحل آتی انجام خواهد شـــد؟ چگونـــه بازیگران با طراحان و کارگزاران برنامه هم‌محور و هم‌راستا می‌شوند؟
در این مجال، اگرچه فرصت پاسخ دادن به همه‌ی سؤالات مذکور میسر نیست، لیکن اشاره‌هایی به آن‌ها می‌تواند تا حدودی به هدف اصلی این نوشتار (واکاوی بیانات بسیار مهم امام خامنه‌ای، مدظله‌العالی) کمک نماید.
در این رابطه، بررسی و تحلیل اخبار و اطلاعات موجود مؤید این موضوع است که آمریکا و هم‌پیمانان غربی و منطقه‌ای آن، از دو سال قبل در حال برنامه‌ریزی برای بی‌ثبات‌ســـازی جمهوری اسلامی ایران هستند که فاز اول آن قرار بود در انتخابات نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ پیاده‌سازی شود. نظام سلطه در فاز اول سعی داشت، به‌طور هم‌زمان، تشدید فشارهای اقتصادی و اثربخشـــی آن‌ها را با ایجاد ناامنی و تحریم انتخابات و کاهش مشـــارکت در انتخابات مجلس نهم پیوند بزند و بحران‌های سه‌گانه‌ی «کارآمدی»، «مشارکت مقبولیت» و «امینت» را به جمهوری اسلامی تحمیل نماید.
طراحان و کارگزاران این برنامه، بر این باور بودند که جمهوری اســـلامی، برای عبور از بحران‌های سه‌گانه مذکور، به یکی از راه‌های زیر هدایت خواهد شد:

- مذاکره و کنار آمدن با آمریکا از طریق ساز و کار مشابه با قطعنامه‌ی ۵۹۸ (روش پذیرش جام زهر)

■ اســتمداد از فتنه‌گران برای عبور از بحران بــا پهن کردن فرش قرمز به زیر پای آنان
■ مذاکره از طریق کانالِ دوِ دیپلماسی (کشور ثالثِ واسط) و سپس تبدیل آن به مذاکره‌ی مستقیم و رسمی با آمریکا. در این ارتباط «ام. پولاک»، مدیر مرکز خاورمیانه‌ای سابان، وابسته به اندیشــکده‌ی بروکینگز که برترین اندیشکده‌ی جهان در سال ۲۰۱۲ بود، اذعان می‌کند: «هدف از اجرای این سیاست، تضعیف یــا تحریک رژیم دینی ایران اســت تا مجبور گردد سیاســت‌های معترضانه‌ی خود را در خارج از مرزها رها ســاخته و بــا یک ائتلاف ملی جدید یا گروه‌های مخالــف در داخل مذاکره کند. در اصل این سیاســت در جســت‌وجوی یافتن پاشنه‌ی آشیل جمهوری اسلامی است تا آن را وادار سازد برای حفظ اقتدار خود امتیازات ناخوشــایندی را واگذار نماید... نمی‌توان کاملاً مطمئن بود، اما به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد آیت‌الله خامنه‌ای باید در آینده به مذاکره با آمریکا و یا گروه‌های مخالف داخلی تن در دهد.»

هدایت هوشمندانه و راهوری مدبرانه و حکیمانه‌ی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به همراه وظیفه‌شناســی امت و مشارکت پرشور آنان در انتخابات مجلس نهم، مانع از تحقق حلقه‌ی فزاینده‌ی «فشار، بی‌ثباتی و مذاکره» گردید؛ لیکن نظام سلطه با نشــانه رفتن انتخابات ۱۳۹۲ به دنبال جبران ناکامی و محقق نمودن اهداف گفته شده است.





## بازیگران فاز اجرایی فتنه‌ی بزرگ‌تر

به‌نظر می‌رســد طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی از طریق سرپل‌ها، حلقه‌ها و عناصر نفوذی در تقسیم کاری هدف‌مند، برای انجام فتنه‌ی بزرگ‌تر، مجموعه‌ای از بازیگران را در هم‌افزایی با یکدیگر به‌کار گرفته‌اند. آنان جریانی را بر روی حوزه‌ی اقتصادی و اجتماعی متمرکز نموده‌اند که این جریان باید با اقدامات خود علاوه بر دســت‌کاری اولویت‌هــا و برهَم زدن تمرکز دولت در رسیدگی به معیشت مردم، زمینه را برای اعتراض و ناآرامی‌های اجتماعی و موج‌سواری پس از آن آماده سازد.

در عیــن حــال، آن‌ها مجموعــه‌ای از بازیگــران دیگری را کــه در فتنه‌ی ۸۸ نقش‌آفرینی نمودند بر روی مســائل روانی و سیاسی متمرکز ساخته‌اند تا آنان نیز بتوانند از یک‌سو با سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی روند انتقال پیام سلطه‌گران به

داخل کشور برای بی‌تعادل ســازی روانی جامعه و ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی کلید بزنند و از سوی دیگر، با احیاء و یا بازتولید جنبش سیاسی علیه نظام، راهبردِ هدایت کردنِ مطالبات اجتماعی و سیاسی به سمت رهبری را، پیگیری نمایند. در این میان، بازیگران دیگری نیز هستند که با هدایت و پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتــی منطقه‌ای و فرامنطقــه‌ای، مأموریت بخش امنیتی عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی را بر عهده گرفته‌اند.

بازیگران بخش ســوم مجموعه‌ای از گروهک‌های ضدانقلاب، به‌ویژه منافقین، هســتند. آن‌ها با اقدامات ضــد امنیتی خود باید علاوه بــر از بین‌بردن تمرکز مســئولین و دســتگاه‌های ذی‌ربط، با تزریق هیجانات کاذب، روند شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی و احیای جنبش سیاسی را تسریع ببخشند.

## تلاش برای ایجاد اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، بخشی از عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی، تلاش برای ایجاد اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی اســت. از این رو، مروری بر مبانی نظری نحوه‌ی شــکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و تبدیل آنان به شورش، کمک شایانی به فهم این بخش از بحث خواهد کرد.

یکی از عوامل شــکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی بالا رفتن توقعات اجتماعی در عین ثابت یا در افول بودن شرایط تحقق خواسته‌هاست که در نهایت منجر به محرومیت نســبی در جامعه می‌شــود و زمینه را برای شکل‌گیری پتانسیل خشونت جمعی فراهم می‌سازد.

در این رابطه، چکیده‌ی نظریه‌ی «جیمز دیویس» درباره‌ی فرآیند ایجاد اعتراض اجتماعی به شرح زیر می‌آید:

- افزایش انتظارات
- رکود اقتصادی
- ایجاد فاصله‌ی غیرقابل تحمل میان انتظارات و دریافت‌ها
- ایجاد حس محرومیتِ نسبی
- اعتراض اجتماعی

نظریه‌ی «چالمرز جانســون»، که اشاره به عوامل ایجاد بحران فراگیر اجتماعی دارد، نیز می‌تواند قابل توجه باشد. خلاصه‌ی نظریه‌ی وی نیز به شرح زیر است:

- عدم تعادل اجتماعی

■ عدم انعطاف‌پذیری نخبگان و جریانات سیاسی
■ روز عوامل هیجان‌زا
در این میان، توجه به مبانی نظری نحوه‌ی شـــکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و تبدیل آن‌ها به شورش، هنگامی بیشتر مورد دقت قرار می‌گیرد که جریانی در داخل تلاش می‌کند اقدامات خود را در آســـتری از توجیهات کارشناسی پنهان سازد و توقف فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را اقدامی برای ایجاد شورش اجتماعی و اعتصابات فراگیر القاء نماید.

## تلاش فتنه‌گران برای احیاء یا بازتولید جنبش سیاسی

به‌نظر می‌رســـد طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی دو زمینِ بازی را برای نقش‌آفرینی جریان فتنه تعریف کرده‌اند که در این میان، سرپل دو عناصر نفوذی وظیفه دارند علاوه بر تعیین زمین بازی و تفهیم نقش و تاکتیک فتنه‌گران، آنان را با برنامه‌ی سلطه‌گران هم‌محور و هم‌راستا نمایند.

■ **زمین اول**
احیاء و بازتولید جنبش سیاسی برای بازگشت به قدرت و تغییر از درون

■ **زمین دوم**
احیاء و بازتولید جنبش سیاسی علیه نظام برای تغییر از بیرون

فرآیند بازی در زمین اول به شرح زیر است:
■ بحران‌نمایی و سیاه‌نمایی از وضعیت کشور
■ ارائه‌ی نمونه برای عبور نظام از بحران (اعتدال ملی و نجات ملی)
■ ایجاد اجماع نخبگانی برای وادار ساختن نظام به پذیرش آنان
■ تشـــکیک در آزادی و ســـلامت انتخابات برای وارد نمودن فشار جهت تأیید نامزدهای مورد نظر
■ تئوریزه نمودن گفتمان سازش و انتقال آن به فضای جامعه
■ بازگشت به قدرت و ایجاد حاکمیت دوگانه
■ بهره‌گیری از مطالبات اجتماعی و سیاســـی برای ایجاد تغییر رفتار حاکمیت از درون
■ هدایت مطالبات سیاســـی و اجتماعی به سمت رهبری و تلاش برای کاهش اختیارات ولی‌فقیه

در این راستا، یکی از خواص مردود فتنه‌ی ۸۸، با اشاره‌ی تلویحی به مدیریت اشتباه کشـور توسـط رهبری، اظهار می‌دارد: «کشـور باید توسط رهبری به مسـیری که از اول بوده برگردد و ما هم حاضر هسـتیم در خدمت ایشان، اگر بخواهند، کمک کنیم.»

اما به‌نظر می‌رسد در عین حال زمین بازی دیگری نیز برای جریان فتنه تعریف شده است. در این رابطه، رصد مواضع و اقدامات آنان مؤید آن است که فتنه‌گران در حال گرم نمودن خود برای بازی در زمین دوم هستند.

از دیگر موارد هم‌سـویی فتنه‌گران با طراحی نظام سلطه برای بی‌ثبات‌سازی و ایجاد فتنه می‌توان به محورهای زیر اشاره نمود:

- سیاه‌نمایی و بحران‌نمایی از وضعیت کشور
- دل‌سـرد نمودن مردم محروم نسـبت به آینده و القـای حس محرومیت به جامعه
- القای کم‌شور بودن انتخابات و پایین بودن مشارکت

همچنین شـواهد و قراین نشـان می‌دهد فتنه‌گران در آینـده بیش از پیش با طراحی نظام سـلطه هم‌محور خواهند شـد. در این ارتبـاط، تلاش برای فعال نمودن شبکه‌های اجتماعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارتباطی ایجادشده توسط نظام سلطه، تلاش برای هدایت نمودن مطالبات به سمت رهبری و پیوند زدن اعتراضات اجتماعی به مطالبات سیاسی، ناظر بر هم‌سویی بیشتر این جریان با طراحان و کارگزاران عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی خواهد بود.



## اجرای اقدامات مهندسی‌شده‌ی ضد امنیتی

بر اسـاس اخبار و اطلاعات موجود، آمریکایی‌ها بـرای اجرایی نمودن عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سـازی از دو سـال قبل جلسـات منظمی را با سـرویس‌های اطلاعاتی منطقه برگزار و برای آن‌ها تقسیم کار نموده‌اند. متعاقب این هماهنگی صـورت گرفته، برخی از سـرویس‌های اطلاعاتی منطقـه موظف به حمایت از گروه‌های ضدانقلاب قومی و سلفی برای بی‌ثبات‌سازی مناطقی از ایران شده‌اند. برگزاری نشسـت گروه‌های ضدانقلاب در قطر، عربسـتان، پاکستان، بروکسل، واشـنگتن و لندن و فعال شـدن منافقین از منشـأ شـاخه‌ی اروپایی، ناظر به برنامه‌ریزی این گروهک‌ها و سرویس‌های پشتیبان و حامی آن‌ها برای اقدامات ضد امنیتی در آستانه‌ی انتخابات آینده خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، با طراحی عملیات مخفی و بی‌ثبات‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران، اجرای سناریوی هوشمند و چندمرحله‌ای «فشار، بی‌ثباتی و مذاکره» را در دستور کار قرار داده که نقطه‌ی کانونی آن انتخابات ریاست جمهوری در خردادماه ۱۳۹۲ است. در این طراحی، از یک سو، تلفیق نمونه‌های پیاده شده در کشورهای مختلف و ترمیم نقاط ضعف در فتنه‌ی ۸۸ مد نظر قرار گرفته است و از سوی دیگر، سعی می‌شود تا با ایجاد آشفتگی اقتصادی، اعتراض و آشوب اجتماعی و سیاسی در بستر انتخابات کلید بخورد.

## پندار طراحان و کارگزاران فتنه‌ی آینده نسبت به فتنه‌ی گذشته

**الف)** در انتخابات ۸۸ این پندارها دنبال شد:

- تلاش برای بی‌ثبات‌سازی رهبری
- محتوای اعتراض: سیاسی
- جمعیت هدف: دهک‌های بالای جامعه
- جغرافیای اعتراض: در مرکز
- جریان‌های شرکت‌کننده: محدود شدن فتنه در یک جریان خاص

**ب)** در انتخابات ۹۲ این پندارها دنبال می‌شود:

- تلاش مؤثرتر برای بی‌ثبات‌سازی رهبری
- محتوای اعتراض: اجتماعی و سیاسی
- جمعیت هدف: دهک‌های پایین و بالای جامعه
- جغرافیای اعتراض: اطراف مرکز
- جریان‌های شرکت‌کننده: امکان هم‌افزایی بین جریان فتنه و حلقه‌ی نفوذی منحرف

تبدیل نقاط قوت و مزیت‌های جمهوری اسلامی در فتنه‌ی ۸۸ به نقاط ضعف و چالش در انتخابات ۹۲

در فتنه‌ی ۸۸ شاهد نقاط قوتی بودیم که عبارت بودند از:

- تدبیر و راهبری ولایت مطلقه‌ی فقیه
- یک‌پارچگی حداکثری در حاکمیت

- کارآمدی حاکمیت
- ثبات امنیتی در اطراف مرکز و حتی خود مرکز
- رضایتمندی عمومی
- اعتماد به ارکان نظام، افراد، گروه‌ها و جریان‌های مرجع
- وحدت حداکثری جریان‌های معتقد به گفتمان انقلاب، امام و رهبری

دشـــمن در صدد اســـت نقاط قوت نظام در خنثی‌سازی فتنه ۸۸ را این‌گونه به نقطه‌ضعف در انتخابات ۹۲ تبدیل نماید:

- تلاش برای هدایت نمودن مطالبات به سمت ولایت و رهبری
- تلاش برای چالش و تقابل در حاکمیت
- تلاش در جهت ناکارآمد سازی حاکمیت
- تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی در اطراف مرکز و گسترده‌سازی آن در مرکز
- تلاش به منظور ایجاد نارضایتی عمومی
- تـــلاش بـــرای اعتماد زُدایی و اعتبـــار زُدایی از ارکان نظام، افـــراد، گروه‌ها و جریان‌های مرجع
- تلاش برای ایجاد انشـــقاق در جریان‌های معتقد بـــه گفتمان انقلاب، امام و رهبری

شـــایان ذکر اســـت کـــه پندارهای طراحـــان و کارگـــزاران عملیـــات مخفی و بی‌ثبات‌سازی و تلاش آن‌ها برای تبدیل مزیت‌ها و نقاط قوت جمهوری اسلامی ایـــران به نقاط ضعف و چالش، ناظر بر امکان نقش‌آفرینی گروه‌های ضدانقلاب، جریان فتنه و حلقه‌ی نفوذی است.



## سخن پایانی

پایان‌بخـــش این نوشـــتار فرازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب اســـلامی، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است. معظم‌له در بخشی از بیاناتشان در دیدار با مردم قـــم در ۱۹ دی ۱۳۹۱ فرمودند: «من به شـــما عرض می‌کنم با اعتمادی که ما به وعده‌ی الهی داریم و وعده‌های الهی حق اســـت و صدق اســـت، بدون تردید، خـــدای متعال این ملـــت را هم در این مرحله، هم در همـــه‌ی مراحل آینده بر دشمنان‌شان پیروز خواهد کرد.»

ایشـــان در بخش دیگری از بیاناتشـــان، درباره‌ی ثمره‌ی مقاومت و زمینه‌سازی

برای ظهور، فرمودند: «اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شـــوید، به آن نقطه‌ی موعود برســـید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد، زمینه‌ی ظهور ولی امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد.»

مقاله‌ی پنجم

# تبیین مدیریت رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوادث قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری

مروری بر حوادث و تحولات سه دهه‌ی اخیر به خوبی نقش و جایگاه رهبری الهی را در مدیریت بحران‌ها نشان می‌دهد. در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی بحران‌هایی چون کودتای نظامی، تحرکات تجزیه‌طلبان، ترورهای کور منافقان، نفوذ ضدانقلاب در صفوف مسئولین نظام اسلامی، تجاوز نظامی و جنگ تحمیلی حوادثی بودند که هر یک از آنها به تنهایی برای سرنگونی انقلاب کافی بود اما آنچه در عمل موجب شکست این اقدامات براندازنده شد، هوشیاری و مدیریت حضرت امام(ره)، و اعتماد و همراهی ملت با امام راحل بود.

در دهه‌ی دوم و سوم انقلاب دشمنان دیرینه‌ی اسلام و انقلاب برنامه‌های مختلفی را برای براندازی و ضربه‌زدن به نظام اسلامی طراحی نمودند که یکی پس از دیگری با تدبیر و درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و همراهی و پشتیبانی مسئولین و ملت حزب‌الله ناکام ماند.

آخرین نقشه‌ی براندازی و ضربه‌زدن به نظام اسلامی ماجرای کودتای مخملی‌ای بود که در آستانه‌ی انتخابات دهم ریاست جمهوری در دستور کار دشمنان انقلاب و دنباله‌های داخلی آنها قرار گرفت.

اما همان‌گونه که همیشــه رهبری اســلامی با مدیریت ولایی خود جامعه را از فتنه‌ها نجات داده اســت در این فتنه‌ی عمیق و کم‌سابقه هم مدیریت اسلامی رهبر معظم انقلاب ســبب شــد تا نه تنها طرح‌های دشمنان نقش بر آب شود، بلکه این تهدید پیچیده تبدیل به فرصت شــود. هرچند تحلیل جامع چگونگی مدیریت معظم‌له در خنثی کردن این فتنه نیازمند تألیفات بیشــتری است اما سعی می‌شود در این نوشتار به محورهای اساسی مدیریت ایشان اشاره شود.

رهبر معظم انقلاب اســلامی از ابتدای آغاز فعالیت‌هــای انتخاباتی در نیمه‌ی دوم ســال ۱۳۸۷ با تیزبینی و دوراندیشــی ملت را نســبت به شرایط پیشِ رو آگاه نموده و رهنمودهایی را هم برای چگونگی برخورد با مسائل احتمالی بیان فرمودند:

## رهنمودهای رهبری پیش از انتخابات

■ **تبیین ابعاد انتخابات در ایران**

یکی از مســائل مهمی که حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات دهم ریاست جمهوری به‌طور خاص از ابتدای سال ۱۳۸۸ بدان همت گماشتند، تبییــن ابعــاد مختلف انتخابات در اســلام و در نظام مردم‌ســالاری دینی بود. معظم‌له ابعاد مختلف این مســأله را همان‌طور که پیش از این نیز تبیین کرده بود، برشــمردند تا جایگاه ممتاز مردم در نظام و حکومت اسلامی آشکار شود. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

■ انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست.

■ مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است.

■ **تبیین برنامه‌های دشمن**

حوزهی تبیینی دیگری که رهبر معظم انقلاب اســلامی در آستانه‌ی انتخابات بدان پرداختند، تبیین و تحلیل نقشــه‌ها و اهداف دشمن در انتخابات پیشِ رو بود. معظم‌له در ســخنرانی‌های متعدد در این زمینه نــکات مهمی را در مورد اهداف دشمن در انتخابات فرمودند. از دیدگاه ایشان دشمن هدفی سه مرحله‌ای را دنبال می‌کند:

- تعطیل شدن انتخابات
- برگزاری انتخابات کم‌شور و سرد
- زیر سؤال بردن سلامت انتخابات

یکی از مسائل مهمی که توسط دشمنان انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفته بود، مسأله‌ی القاء تقلب در انتخابات بود. ستاد کودتا که طرح ادعای تقلب را در صورت شکستِ انتخاباتی در دستور کار داشت، از مدت‌ها قبل تلاش نمود تا زمینه‌های پذیرش افکار عمومی را در این موضوع فراهم کند. تشکیل کمیته‌ی صیانت از آراء نیز در قالب همین توطئه قابل تحلیل است. لذا رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌طور جد از همان ابتدا در برابر این توطئه و جنگ روانی ایستادند و ملت را نسبت به این مسأله هوشیار نمودند:

« انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است -در حدود سی انتخابات- مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند، و انتخابات صحیح بوده است. چرا بیخود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرف‌ها تردید ایجاد نخواهد شد.»

ایشان همچنین با تأکید بیشتری خطاب به برخی نخبگان فرمودند:

« یکی از دشمنی‌ها همین است که این پدیده‌ی باارزشِ تأثیر حضور مردم و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه، انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دمکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم. دشمن خدشه می‌کند؟ از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی توقعی از دوستان است. بی توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند می‌بینند. می‌بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام می‌گیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن می‌زند اینها هم می‌زنند! من انتظارم این است: کسانی که با ملت ایرانند،

جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست، انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ می‌گویند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنند؟ چرا خلاف واقع می‌گویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسئولین در طول این سال‌های متمادی متحمل شدند، ندیده می‌گیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی می‌کنند؟ انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش می‌آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضی‌ها دلایلی آوردند، حرف‌هایی زدند که انتخابات ناسالم است. توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند، دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمی‌کند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است.»

■ **مقابله با مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات**

حدود دو هفته به برگزاری انتخابات، رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن مطهر حضرت امام(ره) به ایراد سخن پرداختند و خطاب به حضار فرمودند:

«از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم.

■ گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است.
■ گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده‌ی درون حکومت است. گفتند: این نامزدها خودشان دارند بازی می‌کنند. نامزدهای مختلف که می‌بینید با هم اختلاف‌نظر دارند، اینها همه ظاهرسازی است، بازی است.
■ گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت.

مقصود از همه‌ی این تخریب‌ها یک چیز است و او این‌که می‌خواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکند. این را می‌خواهند. وای به حال آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، همان حرف آنها را تکرار کنند و همان مقصود آنها را در داخل تحقق ببخشند.»

■ **پاسخ به شبهات**

در این بین سوالات و شبهاتی نیز درباره‌ی مواضع و عملکرد رهبر معظم انقلاب اسلامی توسط دشمنان و معاندین و در جهت تشویش اذهان عمومی در سطح جامعه القاء می‌شد که معظم‌له برای خنثی شدن شبهات به تبیین و پاسخ‌گویی آنها پرداختند. به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

■ رأی رهبری مخفی است: «درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچ‌کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است.»

■ حمایت از دولت به منزله حمایت از رییس‌جمهور در انتخابات نیست: «بنده گاهی از دولت حمایت می‌کنم، دفاع می‌کنم؛ بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیرمنصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار اِعمال انصافم. من می‌گویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم. این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمت‌گزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند، این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجوئی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال می‌کنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری می‌کنم، هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه‌ی من است.»

**توصیه به نامزدهای انتخاباتی و جریان‌های سیاسی**

رهبر معظم انقلاب همانند سنت همیشگی و از باب امر به معروف و نهی از منکر توصیه‌های مهمی را به نامزدها انتخاباتی داشتند تا لوازم برگزاری یک انتخابات سالم فراهم و حجت بر همگان تمام شود. ایشان خطاب به نامزدها فرمودند:

■ انتخابات ابزاری برای قدرت‌طلبی نیست.

■ مبادا نامزدها در اثنای فعالیت‌های انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند.

■ رقابت‌ها را منصفانه کنند، حرف‌ها را منصفانه کنند، از جاده‌ی انصاف خارج نشوند.
■ با انصاف عمل کنند.
■ اثبات و نفی‌تان با توجه به حق و صدق باشد.
■ اذهان عمومی را تخریب نکنند:

«این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب کننده‌ی اذهان مردم است. واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه‌ی این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم، می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد درباره‌ی وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است. اشتباه می‌کنند. ان‌شاءالله اشتباه است»

## ■ مراقبت از تبلیغات خیابانی

«مواظب باشید، مراقب باشید که این علاقه‌مندی‌ها به اصطکاک نینجامد، به اغتشاش نینجامد. شما دارید برای عقیده‌ی خودتان، برای ایمان خودتان تلاش می‌کنید، نگذارید دشمنِ این ایمان، دشمنِ این آرمان از شما سوءاستفاده کند. من شنیدم و اطلاع پیدا کردم که در خیابان‌ها بعضی از جوانان طرفداران نامزدها می‌روند - حالا من درباره‌ی این رفتن تو خیابان‌ها حرفی نمی‌زنم - اما مؤکداً می‌گویم: مبادا این خیابان‌گردی‌ها به مقابله، به مجادله، به درگیری بینجامد. مواظب باشید. اگر کسی دیدید که اصرار بر اغتشاش و درگیری دارد، بدانید او یا خائن است، یا بسیار غافل است.»

### معرفی نامزد اصلح

رهنمود مهم دیگر رهبری به ملت ایران تاکید بر انتخاب صالح‌ترین فرد بود. معظم‌له تاکید کردند که «در انتخابات مردم سعی کنند صالح‌ترین را انتخاب کنند.» ایشان در ادامه به معرفی اصلح پرداختند و فرمودند بهترین آن کسی‌ست که:
■ درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند.
با مردم یگانه و صمیمی باشد.
■ از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری خودش نباشد.

## رهنمودهای پس از انتخابات

سرانجام روز موعود فرا رسید و انتخابات دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری با حضور باشکوه ملت در ۲۲ خرداد برگزار شد. حضور ۴۰ میلیونی ملت در پای صندوق‌های رأی یکی از باشکوه‌ترین انتخابات تاریخ ایران زمین را رقم زد. این انتخابات که می‌توانست، پشتوانه‌ی عظیمی برای رییس‌جمهور منتخب ملت و پیروزی بزرگی برای ملت و نظام جمهوری اسلامی باشد، به دلیل فتنه‌گری جریان سیاسی شکست‌خورده در انتخابات با چالش‌هایی مواجه شد که قبلاً سابقه نداشت. این فتنه‌ها می‌توانست بدعت بسیار بدی را در نظام اسلامی به وجود آورد و آن این‌که اگر نظام اسلامی با مدیریت رهبری در برابر خواسته‌های غیرقانونی این جبهه فتنه‌گر نمی‌ایستاد، بیم آن می‌رفت که بعد از هر انتخاباتی جناح شکست خورده از اردوکشی خیابانی برای تأمین هر خواسته‌ای استفاده کند، اما مدیریت اسلامی مقام عظمای ولایت مانع شکل‌گیری چنین بدعتی شد.

معارضان در اولین اقدام ادعای تقلب در انتخابات را مطرح کردند و خواستار ابطال انتخابات شدند و بلافاصله هواداران سازمان یافته خود را به خیابان‌ها کشاندند تا با اغتشاش‌گری و ایجاد ناآرامی، نظام اسلامی را مجبور به پذیرش خواسته‌های غیرقانونی خود کنند. این مسیر بعدها با اقدامات سلسله‌واری ادامه یافت. در مجموع می‌توان موارد زیر را به عنوان بخش‌های مختلفی از سناریوی کودتای مخملی فتنه‌گران برشمرد که در قبال آنها حکیم فرزانه‌ی انقلاب اسلامی واکنش نشان داد و با روشنگری‌های حکیمانه، بصیرت مردم و نخبگان را نسبت به ماهیت اصلی این فتنه و خواسته‌های ساختارشکنانه معارضان فراهم کردند. این موارد عبارتند از:

- طرح دروغ بزرگ تقلب در انتخابات
- درخواست ابطال انتخابات
- بیانیه‌نویسی و صدور اطلاعیه‌های زنجیره‌ای
- آغاز اردوکشی‌های خیابانی و کشاندن هواداران به خیابان‌ها
- ناامن سازی و ایجاد اغتشاش‌گری و تخریب اموال عمومی
- حمله به مراکز نظامی و انتظامی و ضرب و شتم و قتل نیروهای انتظامی و امنیتی
- تلاش برای مستندسازی دورغ بزرگ«تقلب»
- فرصت‌سوزی و عدم استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای رسیدگی به تخلفات انتخابات و عدم ارائه مستندات قابل قبول برای اثبات ادعای تقلب

■ بزرگ‌نمایی و متهم کردن نظام اسلامی به کشتار مخالفین
■ متهم کردن نظام اسلامی به تجاوز در زندان‌ها
■ متهم کردن نهادهای قانونی کشور به ناپاکی
■ دروغ‌پردازی و جعل شهدای دروغین برای ادامه فتنه‌گری
■ عدم همراهی با ملت و نظام اسلامی در مراسم تحلیف و تنفیذ و نامشروع خواندن دولت منتخب مردم
■ ایجاد اغتشاش و ناآرامی در مناسبت‌های ملی و مذهبی و ایجاد شکاف در صفوف ملت با طرح شعارهای ساختارشکنانه و استفاده از نمادهای اختلاف‌برانگیز و رفتارهای اغتشاش آمیز
■ تلاش برای بی‌گناه جلوه‌دادن مجرمین محکوم شده دادگاه‌های اسلامی و تلاش برای آزادی آنها
■ راه‌اندازی گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی (الگوگیری از کودتاهای مخملی)
■ مقاله‌نویسی، هجونویسی، طراحی کاریکاتور و پوستر، مونتاژ عکس‌های غیرواقعی و... در دنیای مجازی
■ شعارنویسی و دیوارنویسی علیه آرمان‌ها و ارزش‌های نظام اسلامی

در مقابل این اقدامات ساختارشکنانه، مقام معظم رهبری با تشریح حقایق انتخابات و بیان روشن آنها سعی کردند تا عظمت انتخابات و جایگاه آن در تحکیم مردم‌سالاری دینی و پشتیبانی از نظام و دولت اسلامی حفظ شود. بنابراین محورهای ذیل را دراین‌باره بیان فرمودند:





### ■ تشریح عظمت حماسه‌ی تاریخی ۲۲ خرداد

- انتخابات زلزله‌ای سیاسی برای دشمنان و جشنی تاریخی برای دوستان ایران: «این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود، برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود.»
■ انتخابات ۴۰ میلیونی، نشانه‌ی اعتماد مردم به نظام اسلامی

### ■ ویژگی رقابت‌های انتخاباتی

■ کاملاً آزاد، جدی و شفاف، در چارچوب نظام اسلامی: «این رقابت‌ها کاملاً رقابت‌های آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود. همه دیدند. به‌قدری این رقابت‌ها و این گفتگوها و این مناظره‌ها شفاف و صریح بود، که عده‌ای به

آن معترض شـدند - حالا عرض خواهم کرد - حق هم تا حدودی با آنهاسـت. التهاباتی هم به‌وجود آورد که الآن هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم.

- چهار نامزد انتخابات، همگی از عناصر نظام.
- بعضی را برای خدمت به کشـور مناسـب‌تر از بعضی دیگر می‌دانم، اما حق انتخاب با مردم است.
- مناظرات تلویزیونی، ابطال کننده ادعای دشـمنان مبنی بر نمایشـی بودن رقابت‌های انتخاباتی در ایران
- رأی دهندگان به چهار نامزد، مأجورند.

**پیام‌های انتخابات**

- اولین پیام این انتخابات این بود که جمهوری اسـلامی با گذشت سی سال، قدرت به صحنه آوردن و بسـیج ملی را در حـدی دارد که نصاب‌های متعارف جهانی را رد کرده است و از همه‌ی اینها عبور کرده است.
- یک پیام دیگر این انتخابات و این حضور عظیم مردمی، وجود اعتماد متقابل میان نظام اسلامی و مردم است.
- یک پیام دیگر هم در این انتخابات وجود نشاط و امید در مردم است.

## تشریح نقشه‌ی کودتای مخملی

- بلواهـای بعد از انتخابات، برنامه‌ای طراحی شـده: «قطعاً این بلواهای بعد از انتخابات، به نظر آدم‌های خبره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسـی از انسـان‌های فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. پریروز من به ایشـان (حجت‌الاسلام و المسلمین هاشـمی رفسـنجانی) همین را عرض کردم. گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشـان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی شـده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد، نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود. از یک مرکزی هدایت می‌شـد. خوب، شکست خوردند دیگر. ان‌شاءالله این شکست‌شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه می‌کنند.»

« البته اینی که عرض می‌کنم، تحلیل اسـت، خبر نیسـت. بـه اعتقاد من، با تحلیل من، این مسـئله از بعد از انتخابات یـا از روزهای حول‌وحوش انتخابات شروع نشده. این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه‌ریزی شده.

من متهم نمی‌کنم افرادی را که دســت‌اندرکار بودند، که اینها دست‌نشــانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیســیاند یا آمریکایی‌اند ایــن را من ادعا نمی‌کنم، چون برای من این قضیه ثابت نیســت، چیزی که ثابت نیست، نمی‌توانم بگویم اما آنی که می‌توانم بگویم این اســت که این جریان چه پیش‌قراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی‌شده. تصادفی نبود. همه‌ی نشانه‌ها نشان می‌دهد که این جریان طراحی‌شده بود، حساب‌شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.»

■ ظلم بزرگ این بلواها به نظام اسلامی: «یک عده‌ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شــد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملت‌ها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده می‌گیرند، فرضاً مســئله‌ی فلان حادثــه را، زندان کهریزک را، یا قضیــه‌ی کوی را قضیه‌ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد می‌کنند. این خودش یک ظلم دیگر اســت. مســئله‌ی اصلی، مســئله‌ی دیگری اســت. مســئله‌ی اصلی این اســت که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پرشــورِ خوبِ کم‌نظیــری حضور پیدا کردند و این رأی بــالا را توی صندوق‌ها ریختند. هشــتاد و پنج درصد شوخی اســت؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین‌طور پی‌درپی پیشرفت‌های اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کســب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیــاز و آبرو قرار می‌دهد، بعد ناگهان مشــاهده می‌کنیم یک حرکتی صورت می‌گیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسئله اصلی این است.»

## ■ تشریح برنامه‌ی جنگ نرم

مقام معظم رهبری بعد از بیان واقعیت حوادث بعد از انتخابات مسأله را در ذیل یک موضوع کلی‌تر و مهم‌تر مطرح کردند و نوع مواجهه دشمن با نظام اسلامی در شرایط کنونی را جنگ نرم عنوان کردند تا با این توضیح مخالفان و معارضان با انتخابات متوجه شوند که از این بلواها تنها دشمن سود برده و آنها در زمین طراحی شده دشمن گام برمی‌دارند.

■ وضعیت امروزی جمهوری اسلامی: «ببینید عزیزان! شما ها میدانید امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم. خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلّم نخبگان فکری‌اند.»

■ تفاوت جنگ سخت و جنگ نرم: « در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای

مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند. در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند. به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور، دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند. فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند. در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک. این را انسان دارد مشاهده می‌کند. لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.»

■ جنگ نرم، اولویت اول دشمنان انقلاب اسلامی: «همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست... اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم. یعنی جنگ به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله‌ی نفوذ، به‌وسیله‌ی دروغ، به‌وسیله‌ی شایعه‌پراکنی با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم.»

■ ایجاد بدبینی و اختلاف از ابزارهای جنگ نرم: «یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند. یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند. مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. این‌جور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را به کلی عوض می‌کند، در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر. یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند بعد درمیانه، عناصر دست‌آموزِ مغرضِ معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص

بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرح‌های اساسی است. این‌جور کاری را دنبال می‌کنند.»

■ دانشجویان افسران جوان جنگ نرم: «در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلّم نخبگان فکری‌اند . یعنی شما افسران جوانِ جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید.»

■ اساتید دانشگاه فرماندهان جنگ نرم: «در این جنگ نرم... استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشـــم باز، به بصیرتِ کافی احتیاج دارد، جوان دانشـــجوی ما، افســـر جوان است، شماَ که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاترِ افسر جوانید. شما فرمانده‌ای هســـتید که باید مسائل کلان را ببینید. دشمن را درست شناسایی بکنید، هدف‌های دشمن را کشف بکنید، احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آن چنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان حرکـــت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهانِ بـــالا این نقش‌ها را ایفاء می‌کنند.»

■ تبییـــن وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبـــی و هنری در عرصه جنگ نرم: «همینی که حالا معمول شـــده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت اســـت. یعنی الآن جنگ اســـت. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از ســـال ۶۷ - همیشـــه این را گفته‌ام، بارها و بارها. علت این اســـت که من صحنه را می‌بینم. چه بکنم اگر کســـی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمان‌ها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را. اینها را انسان دارد می‌بیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است: بلاغ، تبیین. بگویید، خوب بگویید. من همیشـــه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید. نباید کم گذاشت تا اثر خودش را بکند.»

## ■ توصیه به مخالفان و معارضان

معظم‌له بعد از تشـــریح ابعاد مختلف انتخابـــات و ماهیت بلواهای اطراف آن، با استدلاهای منطقی و مستندات قانونی خطاب به مخالفان که در شکل معارضان با نظام قد علم کرده بودند توصیه‌ها و هشدارهایی را فرمودند تا حجت بر همگان روشن شود. توجه به محورهای بیانات رهبری ذیل این موضوع شجاعت معظم‌له و ملاک بودن اسلام و قانون اساسی برای ایشان در حفظ نظام اسلامی را نشان می‌دهد:

■ پیگیری شکایات از طریق قانونی: «در دوره‌های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مســـائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونیِ رســـیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و طبعاً در این دوره نیز مسائلَ باید از طریق قانونی دنبال شود.»

■ سیاسیون مراقب رفتار و گفتار خود باشند.

■ سیاسیون! آخرین وصایای امام را به یاد آرید: «قانون، فصل‌الخطاب است!»

■ مســـئولیت تبعات هرج‌ومرج طلبی به عهده‌ی سیاسیون است: «من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسئولیت تبعات آن، هرج‌ومرج آن، به عهده‌ی آنهاست.»

■ بین مردم انشقاق ایجاد نکنیم: «ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایه‌ی انشـــقاق نشـــود. این حرف اصلی من است. این‌که ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیســـت و چهار میلیونی یک طرفند، یک گروه چهارده میلیونی یک طرفند، این به نظر من یک خطای بســـیار بزرگی اســـت؛ قضیه این‌جور نیست. همه در یک طرف قرار دارند. آن کسانی که به رییس‌جمهور منتخب این دوره‌ی از انتخابات رأی دادند، همان قدر وابسته‌ی به انقلاب و کشور و نظامند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه‌های مردمی، فرزندان این کشورند. فرزندان این ملتند. این خطاست که ما این دو مجموعه‌ی رأی‌دهنده را که یک عده‌ای رأی بـــه یک نامزدی دادند، یک عده‌ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم. نه، در یک مســـئله‌ای، در یک گزینشی، اینها سلیقه‌شان یک جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اســـلامی، همه‌ی اینها با هم یکی هســـتند. ما نگاه کنیم بـــه رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره، این مهم است.»

■ از اقدامات تشـــنج‌آفرین بپرهیزید: «هر کاری که تشـــنج‌آفرین باشـــد، واقعاً نکنند. یعنی هم‌دیگر را عصبانی نکنند. این را هم من بد نیست در اینجا خطاب

به مردمی که خارج از این مجموعه‌ی شـــما برادران عزیز هستند، توصیه بکنم، که اگر این صحبت‌ها پخش شد، خطاب به مردم هم باشد. من به مردم عزیزمان هم عرض می‌کنم: دو جناح و دو گروه، هم‌دیگر را عصبانی نکنند. نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان پیروز شده جوری حرف بزنند، جوری رفتار کنند که آن طرف مقابل را عصبانی کنند، جریحه‌دار کنند. نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شـــان رأی نیاورده، جوری حرف بزنند، جوری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کنند. نه، همه یک جهت مشترک دارید که آن عبارت است از حضور در این صحنه‌ی انتخابات و دفاع از نظام اسلامی. این اساس قضیه است.»

■ موضع‌گیری صریح نامزدها در برابر اغتشاشات: «صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواستِ آنها نیست.»

■ چـــرا صفوف‌تان را از ضدانقلاب جدا نمی‌ســـازید؟: «خـــب، اینها ایجاد فتنه می‌کند. یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شـــعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آن‌ها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد، به امام اهانت بشـــود، به عکس امام اهانت بشـــود. این، کار کمی نیست، کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیســـت، تحلیل هم می‌کنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند. بر اساس آن تصمیم، عمل می‌کنند. تشویق می‌شوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه‌الصّلاة و السّلام) هست: «وَ لَکِـــنْ یُؤْخَـــذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِـــنْ هَذَا ضِغْثٌ فَیُمْزَجَانِ فَهُنَالِکَ یَسْـــتَوْلِی الشَّـــیْطَانُ عَلَـــی أَوْلِیَائِهِ»، و همـــواره پاره‌ای از حق و پـــاره‌ای از باطل را در هم می‌آمیزند و در چنین حالی شیطان بر یاران خود مسلط می‌شود. (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵۰)

یـــک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطـــل مخلوط می‌کنند، حق بر اولیاء حق مشتبه می‌شـــود. اینجاست که روشنگری، شـــاخص معین کردن، تمایز معین کردن، معنا پیدا می‌کند.

آن کســـی که برای انقلاب، برای امام، برای اســـلام کار می‌کند، به مجردی که

ببیند حرف او، حرکت او موجب شــده اســت که یک جهت‌گیری‌ای علیه این اصول به‌وجود بیاید فوراً متنبه می‌شــود. چرا متنبه نمی‌شــوند؟ وقتی شِنُفتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی- اســلامش حذف می‌شــود، باید به خود بیایند. باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌رونــد، اشــتباه می‌کنند. باید تبری کنند. وقتی می‌بیننــد در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به‌نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشــند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیســتیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایــی که مظهر ظلمند -هم در زمان کنونــی، هم در دوره‌ی تاریخی صد ســال و دویست ســاله‌ی تا حالا- دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد. باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدم‌های فاســد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقاص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند، باید متنبه بشوند، باید چشم‌شان باز بشود، باید بفهمند. بفهمند که کارشان یک عیبی دارد. بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی می‌کنند؟ آیا می‌شود با بهانه‌ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت به خرج می‌دهیم؟ این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشــمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شــما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین‌طور خوش‌تان بیاید، دل‌خوش کنید. این عقلانیت اســت؟! این نقطه‌ی مقابل عقل است. عقل این است که به مجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه نه، ما نیستیم. به مجردی که دیدید به عکس امام اهانت شــد، به‌جای این‌که اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید. بالاتر از محکــوم کــردنِ کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید. بفهمید که دشــمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی می‌کند، چه می‌خواهد، دنبال چیست. این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می‌کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقــلاب دارنــد - بعضی از این آقایان یک ســیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اســم و رســمی پیدا کردند و همه چیزشــان از انقلاب است می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شــدند، صف کشــیدند، خوشــحالند، می‌خندند. اینها را که می‌بینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.»

■ با مسجد ضرار نمی‌توان ملت را شکست داد: «دشمنان ما هم از این انتخابات بـه نظر من یک تجربـه‌ای اندوخته‌اند، و اگر نیندوختنـد، باید بیندوزند. و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است. در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند. خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این‌جور کارهای پیش پا افتاده می‌توان به زانو درآورد. نظام اسـلامی زنده اسـت. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن انقلاب، می‌توانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشـمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرف‌ها شکست نخواهد خورد.

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشـه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت با ایمانی اسـت، ملت هوشیاری است، ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمی‌شود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: « وَالَّذِينَ اتَّخَذُواْ مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلاَّ الْحُسْنَى وَاللّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ». (توبه: ۱۰۷) با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشأن انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمی‌شـود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است. این مردم آگاهند. جوان‌های ما آگاهند. این تجربه‌ای است برای دشمن.»

■ هوای نفس عامل ایستادگی در برابر قانون: « انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درسـت هم بود، اشکالی هم نتوانسـتند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند. حالا هی ادعا کردند. فرصت هم داده شـد، گفتیم بیاید، نشـان بدهید، ثابت کنید. نتوانستند، نیامدند، تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء می‌کند که انسان ولو این رییس‌جمهوری را که انتخاب شـده اسـت قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایسـتی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ‌کسـی نمی‌تواند بگوید این کسی که انتخاب‌شده، صد درصد حُسن محض اسـت، آن طرفی که انتخاب نشده است، صد درصد قبح محض است؛ نه، همه حُسـنی دارند، قبحـی دارند؛ این‌طرف هم حُسـنی دارد، قبحی دارد. آن‌طرف هم حُسـنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک اسـت، معیار است. چرا این جوری می‌شود؟ چرا؟ این هوای نفس است.»

## ■ توصیه به نهادهای قانونی

اما رهبر معظم انقلاب با این بیان قاطع در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه تهران در ۲۹ خردادمـــاه ۸۸ که « بنده زیر بار بدعت‌هـــای غیرقانونی نخواهم رفت.» بزرگ‌تریـــن همت و تلاش را در راه حفظ قانون اساســـی انجام دادند و نشـــان دادند که رهبر جامعه اســـلامی بیشـــتر از هر کس دیگری برای حفظ قانون و چارچوب‌های نظام اســـلامی دل‌ســـوزی می‌کنند و مدعیان قانون -که البته به روشـــنی قانون را زیر پا گذاشتند- می‌بایســـت از ایشان الگو بگیرند. معظم‌له با تأکید بر اجرای قانون در همه‌ی حوزه‌ها و برای همه‌ی افراد، مسائل اساسی را که حفظ عظمت انتخابات و دفاع از وجهه نظام اسلامی است، مهم‌تر از مسائل دیگری همانند حمله به کوی دانشگاه و ماجرای کهریزک دانستند. اما مخالفان با علم کردن این مســـائل جزئی وجهه‌ی نظام اســـلامی و چارچوب‌های قانونی را زیر پا گذاشـــته و اگر نبود ویژگی شـــجاعت رهبر جامعه اسلامی چه بسا این بلواها به مســـأله‌ای عادی در سال‌های بعد تبدیل می‌شد. از همین‌جا است که باید گفت این‌گونه افراد از شکل مخالف خارج شده و در هیأت معارض با نظام اســـلامی قد علم نموده‌اند. از همین رو مقام معظم رهبـــری در مورد این افراد طی بیاناتی در اجلاس خبرگان در ۶ اسفندماه ۸۸ فرمودند: «مسئله‌ی اساسی، حفظ هویت نظام و مرزها و شاخص‌های آن است و کسانی که هندسه و هویت نظام را که در قانون اساســـی و حَکمیت و داوری قانون متبلور شده است قبول دارنـــد جزو مجموعه‌ی نظام به‌شـــمار می‌آیند اما افـــرادی که با حرف و عمل و تحریک، این مبانی را زیر پا می‌گذارند به دســـت خودشان صلاحیت حضور در مجموعه عظیم نظام را از دست می‌دهند.»

محورهای بیانات رهبری در دفاع از قانون به این شکل است:

■ به شـــکایات به‌طور کامل رسیدگی شود: «ممکن است کسانی همان‌طور که حـــالا آقایان هم ذکر کردید، اشـــکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشـــند و اعتراض داشته باشند، که البته، راه‌های قانونی وجود دارد. رســـیدگی بـــه اینها حتماً باید انجام بگیرد. مـــواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواســـت می‌کنم از آقایان مســـئول در وزارت کشور و همچنین در شـــورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هســـت که پاره‌ای از صندوق‌ها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده. خیلی خوب،

کاری ندارد، صندوق‌های مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوق‌ها را بازشماری کنند. خودِ نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.»

■ رسیدگی قاطع به تخلفات بعد از انتخابات: «موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتّی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند، شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده، یا مثلاً قضیه‌ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاه‌های اجرایی است. اولاً این را به‌طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمی‌خواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه‌ها پخش بشود، باز یک پیوست زده بشود، باز یک پیرو زده بشود. من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد. اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند. منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود.

در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده‌ی ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و به‌طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی‌های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند. این را من به‌طور قاطع گفتم. من از فعالیت‌های پلیس امنیتی‌مان، پلیس انتظامی‌مان، دستگاه بسیجمان تشکر می‌کنم. اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند. لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمان‌ها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده می‌گیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده می‌گیریم. حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد شد. همین‌طور قضیه‌ی کهریزک، که حالا آن اعلام شد، پخش شد. قضیه‌ی کوی دانشگاه هم دنبال می‌شود. حتّی افرادی که کسان‌شان در این قضایا یا به قتل رسیدند، تعداد معدودی هستند، یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند، بنا شده برای هر کدام اینها پرونده‌ی جداگانه‌ای تشکیل بدهند. دستور داده‌ایم، گفته‌ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد. منتها توجه کنید که این مسائل هیچ‌کدام نباید با مسئله‌ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه‌ی اصلی نباید تحت‌الشعاع این حوادث قرار بگیرد.»

## ■ پاسخ به شبهات

جنبه‌ی دیگر از مدیریت اسلامی معظم‌له در رفع شبهات است. چرا که اساس فتنه بر شبهه‌افکنی و غبارآلوده کردن فضا است و در این شرایط رشد می‌کند. بنابراین باید هرچه زودتر شبهات را پاسخ داد. محورهای مهم بیانات رهبری در این موضوع به صورت ذیل است:

■ نظام حق دفاع از خود را دارد: «ما درباره‌ی افرادی که به آنها اهانت می‌شود، تهمت زده می‌شود، می‌گوییم اینها حق دفاع دارند. خوب، نظام هم همین جور است. نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند، بی‌دفاع بماند. در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه‌ای، قانون‌شکنی‌ای، مرزشکنی‌ای انجام بگیرد، باید عکس‌العمل نشان ندهد. این درست نیست. هیچ جای دنیا هم چنین نیست.»

■ اعتماد به مسئولین، نافی رسیدگی به شکایات و شبهات نیست: «من به مقام مسئولی که می‌شناسم و قاعده‌ی کار او را می‌دانم، اعتماد می‌کنم. در این نوبت هم همین جور است. من اعتماد می‌کنم، اما این اعتماد من موجب نمی‌شود که اگر چنان‌چه شبهه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود. نه، شبهات را برطرف کنید.»

- جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست: «مردم اطمینان دارند. اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز و کارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه‌ی تقلب نمی‌دهد. این را هر کسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می‌کند. آن‌هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلافِ بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک‌جوری تقلب کردند، جا به کردند. اما یازده میلیون را چه جور می‌شود تقلب کرد!»

■ چرا به مجرمین پشت پرده فتنه رسیدگی نمی‌شود: « این‌که چرا اینها محاکمه نمی‌شوند، چرا مجازات نمی‌شوند، چرا با اینها برخورد نمی‌شود، من به شما عرض بکنم. در قضایایی به این اهمیت، با حدس و گمان و شایعه و

این چیزها نمی‌شـود حرکت کرد. ما این انقلاب و این نظام عظیم را محصول مجاهـدت یک ملت بزرگ و فداکاری‌های عظیـم جوانانی می‌دانیم که چه در دوره‌ی انقـلاب، چـه در دوره‌ی دفاع مقدس، چه بعـد از آن تا امروز فداکاری کردند. مثل خود شماها، که در صحنه‌های مختلف حضور دارید و گاهی کارهای بزرگـی انجام می‌گیرد. نمی‌توانیم تداوم این نظام را و حرکت کلی این نظام را در سطحی که تصمیم‌گیری کلان رهبری در او لازم است، به حدس و گمان و این چیزها مبتنی کنیم. این را شما بدانید، هیچ‌گونه اغماضی از جرم و جنایت وجود نخواهد داشت. منتها ما، یا من یا شما، فرق نمی‌کند، چه شما که دانشجو هسـتید و زبانتان باز است و راحت حرف می‌زنید، چه من که یک مجموعه‌ای از تجربه و سـال‌های متمادی کارکرد در میدان را با خودم همراه دارم، در این جهت با هم فرقی نداریم. نمی‌توانیم حکم کنیم که باید دسـتگاه قضا این‌جور قضاوت کند. نه، دستگاه قضا باید نگاه کند اگر دلایلی برای مجرمیت کسی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اقتصادی، چه در زمینه‌ی مفاسد گوناگون پیدا کرد، بر طبق او حکم کند. این شایعاتی که شما شنیده‌اید، بنده هم خیلی از این شایعات را می‌شنوم. ممکن است بسیاری از این شایعات مطابق واقع هم باشد و انسان شواهد و قرائنی هم برایش داشته باشد، اما قرینه و شاهد متفرق نمی‌تواند جرمی را علیه کسـی اثبات کند. به این نکته توجه داشته باشید. لذا این‌جور نیسـت که فرض کنیم یک مجرم قطعی پشت پرده‌ای وجود دارد که دستگاه بنا دارد از جرم او به یک دلیلی بگذرد. این یک نکته.





نکته‌ی دیگری در کنار این هست: کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه‌ی شـمولی که بعضی از مسـائل دارد، انجام می‌دهد، بایستی باملاحظه‌ی همه‌ی جوانب باشـد. یک بعدی نمی‌شـود به مسائل نگاه کرد. فکر می‌کنم اگر شما با ایـن ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده انجام خواهد گرفت، هر ذهن باانصافی را قانع خواهد کرد.»

■ چرا رهبری علنی موضع‌گیری نمی‌کند: «حالا یکی از سؤال‌ها این بود که چرا علنی موضع نمی‌گیرید؟ چون لازم نیست علنی موضع گرفتن. چه لزومی دارد؟ علنی موضع گرفتن نسـبت به یک نقطه‌ی ضعف در یک مسـئول، شما خیال می‌کنید که چقدر کمک می‌کند به حل آن مشکل؟ هیچی. گاهی اوقات هست که انسـان اگر یک چیزی را بدون علنی کردن دنبال علاجش باشد بهتر علاج خواهد شد تا این‌که یک چیزی را انسان جنجالی کند. بله، یک وقت هست که

هیچ چاره‌ای جز علنی شدن نیست. آنجا بله، انسان علنی می‌کند. لیکن این‌جور نیست که تصور بشود اگر چنانچه یک ایرادی، اشکالی در مجموعه‌ی مسئولین اجرایی کشـور وجود دارد و رهبری با آنها مخالف است حتماً بایستی این را در بلندگوها بیان کند. نه، گاهی اوقات مصلحت قطعی در این است که انسان یک چیزی را علنی نکند.»

■ چرا رهبـری ملاحظه فتنه‌گران را می‌کند: «گاهی هم از بنده گله می‌کنند کـه چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانـی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم، در شرایطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکاناتِ خود درصدد طراحی یـک فتنه اسـت و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شـروع کند، باید مراقبت کـرد او را در آن بـازی کمک نکـرد. خیلی باید با احتیـاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شـد. دستگاه‌های مسـئولی وجود دارند، قانون وجود دارد. بر طبق قانون، بدون هیچ‌گونه تخطی از قانون، بایستی مُرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد. اما ورود افرادی که شـأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه‌ی قانونی و مسـئولیت قانونی ندارند، قضایـا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دسـتور داده اسـت: « وَلاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَـنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»(مائده:۸). بله، یک عده‌ای دشـمنی می‌کننـد، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده‌ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی می‌کنند. اینها هست، اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهانی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند. این نباید اتفاق بیفتد. مـن بر حذر می‌دارم جوان‌های عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از این‌که یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند. نه، همه چیز بر روال قانون.»

## ■ راهکارهای عبور از فتنه

معظم‌له علاوه بر دفاع از قانون، الزامات برون‌رفت از فتنه را برای افزایش بصیرت افکار عمومی و نخبگان نیز به این شرح بیان کردند:

■ جلوگیری از بدعت‌های غیرقانونی: «بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب‌های قانونی شکسـته شـد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشـت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیسـتند. هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشـود، انجام بگیرد، کارهای درست بر طبق قانون. اگر واقعاً شـبهه‌ای هست از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون

در این زمینه کامل اســت و هیچ اشــکالی در قانون نیست. همان طور که حق دادنــد که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شــکایت کننــد، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوق‌ها را بازشماری بکنند با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند آنجا بشــمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.»

■ عمل به قانون، تنها راه مناقشــات: «در همین قضایای جاری هم بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون. یعنی یک قدم از قانون فراتر نخواهیم رفت. قانون کشــورمان، قانون جمهوری اسلامی. مطمئناً نه نظام، نه این مردم بــه هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت. نقطــه‌ی مقابلِ قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری اســت. این هم دوستان حتماً می‌دانند و بدانند اگر نمی‌داننــد که در زمینه‌ی روحیِ همه‌ی ما یک میل به دیکتاتوری وجود دارد. این را باید سرکوب کنید. همین‌طور که عرض کردیم، این فیلِ مستِ درون را با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سر به راه نگه داریم. اگر خود ما علاج نکنیم، علاجش مشــکل خواهد شــد. اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع، دیکتاتوری همین جور به‌وجود می‌آید.»

«در همیــن جا هم برای حل و فصــل قضایا معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد آن چیزی که از بی‌قانونی بر سرِ همه خواهد آمد بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد.»

- اهمیت بصیرت‌افزایــی: «در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شــود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند. بصیرت در هدف، بصیرت در وســیله، بصیرت در شــناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شــناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشــتن این موانع. این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن‌وقت شما می‌دانید با کِی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید.»

« جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به

بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند. دشـــمن به شـــکل دوست جلوه کند، حقیقت به شـــکل باطل و باطل در لبـــاس حقیقت... آن کســـانی که مردم را می‌خواهند گمـــراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند. باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالک یستولی الشّیطان علی اولیائه». حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.»

■ ضرورت مرزبندی با دشمن در زمان فتنه: «حالا در مقابل یک چنین پدیده‌ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم می‌کند و شرع هم همین را قاطعاً بیان می‌کند: علاج عبارت اســـت از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می‌بینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع می‌شود، بعد یک عامل دشمنی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی می‌بینید عامل دشمن، که حرف او، شـــعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوســـت، آمد توی میـــدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند. بیشتر از همه خواص و در میان خواص بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشـــتری دارند. این وظیفه است دیگر. مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی، چی می‌گوید. این‌جور نباشد که باطل، خودش را در لابه‌لای گرد و غبارِ برخاسته‌ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه می‌خورد. این است که حرف دو پهلو زدن از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این مخصوص یک گرایش سیاســـی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه‌ی گرایش‌هایی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشـــخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم می‌کنند مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که ســـران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انســـان‌های مظلوم در فلســـطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان می‌شوند، حرف می‌زنند، موضع می‌گیرند، خوب باید معلوم بشـــود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است در مقابل این چه موضعی دارد. حاضر اســـت تبرّی بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟ وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبان‌شان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اســـلامی را نفی می‌کنند، با عمل‌شان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می‌برند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این

اســت که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن کمک کردن به غبارآلودگی فضاســت. این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌ســازی نیست. شفاف‌ســازی، دشمنِ دشمن است. مانع دشمن است. غبارآلودگی کمک دشــمن است. این خودش شد یک شاخص. این یک شــاخص است: کی به شفاف‌ســازی کمک می‌کند و کی به غبارآلودگی کمک می‌کند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.»

■ در فتنه همه بایستی روشنگری کنند: «گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند. همه بایستی بصیرت داشته باشند. یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است. حقائق را بدون تعصب روشن کنند.»

■ **توصیه به نخبگان**

در اندیشــه مقام معظم رهبری خواص و نخبگان نقش تعیین کنندگی دارند و سرنوشت تاریخ را رقم می‌زنند. علت اصلی انحراف جامعه اسلامی مدت کوتاهی بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه مقام معظم رهبری، دنیاگرایی خواص بود. ایشــان این تحلیل را در سال ۷۴ و به مناسبت‌های مختلف بیان کردند تا نخبگان و خواص جامعه نسبت به وظیفه‌ی خود هوشیار باشند. در این فتنه‌ی اخیــر هم، معظم‌له نخبگان را در کانون توصیه‌ها و هشــدارهای مهم خود قرار دادند تا از کانال آنها قضایا حل شود:

■ خواص نقطه هدف تهاجم دشــمنان: «دشــمن انواع و اقسام کار را می‌کند، انــواع و اقســام فعالیت را می‌کند، عمده، هم امروز بــه گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کننــد تا ذهن خواص را عوض کنند. برای این‌که بتوانند مردم را بکشــانند. چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند.»

■ نخبگان مراقب رفتارهایشان باشند: «نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مســیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم. خیلی باید مراقب باشیم. مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهایی را باید گفت، اگــر نگفتیم به آن وظیفه عمــل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد،

باید نگفت، اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند، امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم، سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم راهش این است که خِرَد را، که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار بدهیم. شاخص قرار بدهیم.»

■ اهمیت بصیرت نخبگان در حوادث اخیر: «باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند، با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند. آن‌وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.»

■ وظیفه خطیر تبیین و روشنگری خواص: «یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است. حقائق را بدون تعصب روشن کنند. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند»

■ **تجربیات انتخابات**

از دیدگاه مقام معظم رهبری «تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان ما بود که من اصرار دارم بر این‌که این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم، هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند.» کسب تجربه از تاریخ و عبرت گرفتن از آن یکی دیگر از محورهای مدیریتی مقام معظم رهبری بوده و هست:

■ دشمن همواره در کمین: «آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست، حتّی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم.»

■ عدم غفلت از دشمن: «اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد.»

■ اهمیت بصیرت: «اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد. این برای ما تجربه شد.»

■ انقلاب اسلامی را نمی‌توان از بین برد: «برادران عزیز! خواهران عزیز! شما بدانید و می‌دانید که انقلاب اسلامی یک حقیقت است، برخاسته‌ی از یک سنت الهی است. این را نمی‌شود از بین برد، این را نمی‌شود متزلزل کرد. تا وقتی که آحاد مردم ایمان دارند، علاقه دارند، عشق دارند، اقدام می‌کنند، بدانند اگر همه‌ی قدرت‌های عالم هم دست به دست بدهند، نخواهند توانست به این انقلاب و به این نظام و به این ملت صدمه‌ای وارد کنند.»

■ آبدیده شدن انقلاب اسلامی: «حوادث بعد از انتخابات را که عده‌ای از روی نادانی و محاسبه‌ی غلط ایجاد کردند، دشمن بهانه کرد، شاید بتواند جمهوری اسلامی را تضعیف کند. اما به عکس شد، همین حوادث موجب قدرت جمهوری اسلامی شد. اگر تا قبل از این حوادث کسی می‌خواست با استدلال به مردم اثبات کند که دشمن در کمین است بعد از این حوادث مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است. و ملت ایران این جوری است، وقتی که دید دشمن در کمین است، معطل نمی‌کند. می‌آید توی میدان.»

■ **دستاورد موفقیت‌آمیز مدیریت مقام معظم رهبری: حماسه حضور ملت در عرصه‌ی دفاع از انقلاب اسلامی**

اما با هدایت‌ها و تلاش‌های ویژه‌ی مقام معظم رهبری و اطاعت نیروهای ولایی در این عرصه از ایشان، فتنه‌هایی که در ابتدا کام شیرین ملت از انتخابات را تلخ نمود، در پایان بار دیگر شیرینی مضاعفی برای ملت و دل‌سوزان نظام اسلامی به ارمغان آورد که پشتوانه‌ی مردمی نظام اسلامی را مستحکم‌تر نمود. دشمن به همراه فتنه‌گران داخلی امیدوار بود با این بلواها وجهه و جایگاه مردمی نظام اسلامی را تضعیف کند تا ضربات بعدی را وارد کند، اما با هدایت‌ها، رهنمودها، تلاش‌های عملیِ مدیریتی مقام عظمای ولایت، که تداعی‌کننده ویژگی‌های ناب مدیریت اسلامی است، این فتنه‌ها به حمایت گسترده‌تر و البته هوشیارانه‌تر مردم از نظام اسلامی انجامید. دشمن و فتنه‌گران داخلی با مشاهده این حضور مردمی در روز ۹ دی و ۲۲ بهمن پی به پوچی طرح‌ها و اقدامات خود برده و خود را ناکام دیدند. این‌که راهکارهای مضحکی همچون استفاده از چهارشنبه سوری را تجویز می‌کنند، نمایان کننده ماهیت آنارشیستی، بی‌برنامگی و سردرگمی آنها است.

اهمیت این حماســه مردمی در بیانات مقام معظم رهبری به این شــکل آمده است:

■ حماســه‌ی بزرگ ملت ایران در نهم دی: «مطمئن باشــید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند. این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شــرایط کنونی، که شرایط غبارآلودگی فضاست، این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشــت. کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر می‌کند دســت خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السّــلام) را می‌بیند. این کارها کارهایی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد. این کار خداســت، این دست قدرت الهی است. همان طور که امام در یک موقعیت حساسی، که من بارها این را نقل کرده‌ام، به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم.» درست دید آن مرد نافذِ با بصیرت، آن مرد خدا.»

■ نهم دی ماه حجت را بر مســئولین تمام کرد: «مســئولین کشــور بحمدالله چشم‌شان هم باز اســت، می‌بینند، می‌بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت می‌کنند. حجت بر همه تمام شــده اســت. حرکت عظیم روز چهارشنبه‌ی نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مســئولین قوه‌ی مجریه، مســئولین قوه‌ی مقننه، مســئولین قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند. دســتگاه‌ها باید وظایف‌شان را انجام بدهند. هم وظایف‌شان در مقابل آدم مفسد و اغتشاش‌گر و ضدانقلاب و ضد امنیت و اینها، هم وظایف‌شان در زمینه‌ی اداره‌ی کشور.»

■ راهپیمایی ۲۲ بهمن نشــان داد که مردم کجایند: «یک عده هم در داخل، بعضــی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشــمنی، هی علیه نظام جمهوری اســلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند. هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم. بیســت و دوی بهمن نشان داد که مردم کجایند، چه می‌خواهند، چه میگویند. غرّه شدند به توهّم‌هایی که به آنها القاء شــد. خیال کردند یا خودشــان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز بیست و دوی بهمن، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شــامل حال مردم شــد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد.»

امید اســت دسیســه‌های دشــمنان نظام با تجربه‌ی فتنه‌ی ۸۸ که با بصیرت مثال‌زدنی ملت ایران نقش بر آب شــد و با هوشــمندی دســتگاه‌های امنیتی، رسانه‌ها و دستگاه‌های برگزارکننده و ناظران انتخابات دیگر مجالی برای ظهور و بروز در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری پیدا نکند.

مقاله‌ی ششم

# نگاهی آماری
# به ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران





انتخابات در نظام جمهوری اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی مشارکت همگانی توأم با احساس مسئولیت مردم در اداره کشور است.
افتخار نظام جمهوری اسلامی در طول سالیان گذشته، تلفیقی از دینداری و مردم‌سالاری به روش جمهوری اسلامی است. مردم ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور متوسط هر سال یک‌بار در انتخابات شرکت می‌کنند. مطلب زیر نگاهی کوتاه و آماری به ۱۰ دوره‌ی گذشته‌ی انتخابات ریاست جمهوری دارد و سپس رویکردی تحلیلی به انتخابات‌های برگزار شده‌ی ریاست جمهوری خواهیم داشت.

## اولین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۵۸

در اولین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در کشور که در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۵۸ برگزار شد تعداد ۱۰۷ نامزد به رقابت پرداختند.

بر اساس آمار، بیش از ۲۰ میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن بودند که حدود ۶۸ درصد (۱۴ میلیون و ۱۵۲ هزار و نفر) آنها شرکت کردند. در اولین دوره‌ی ۸۷۷ انتخابات ریاست جمهوری، ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان اولین رییس‌جمهور ایران انتخاب شد. یک سال و شش ماه پس از عزل بنی‌صدر، دومین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد.

## دومین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۰

انتخابات دومین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۵/۱۳۶۰ یعنی پس از گذشت یک سال از آغاز جنگ تحمیلی برگزار شد.

بر اساس قانون مورخ ۱۳/۴/۱۳۶۰ مصوب مجلس شورای اسلامی، تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری به عهده‌ی شورای نگهبان گذاشته شد. این دوره ۷۱ نفر داوطلب شدند که صلاحیت ۴ نفر از سوی شورای نگهبان تأیید شد.

در این انتخابات بیش از ۲۲ میلیون نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد بیش از ۱۴.۵ میلیون نفر (۶۴،۲۴ درصد) شرکت کردند.

چهار چهره‌ی شاخصی که در این رقابت شرکت کردند عبارت بودند از: سید اکبر پرورش(نماینده‌ی مجلس)، عباس شیبانی (پزشک)، حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان(نماینده‌ی مجلس) و منتخب این دوره، محمدعلی رجایی که با کسب ۹۰ درصد آراء دومین رییس‌جمهور ایران شد.

پس از شهادت شهید رجایی در ۸ شهریور سال ۱۳۶۰ بلافاصله مقدمات برگزاری انتخابات سومین دوره‌ی ریاست جمهوری فراهم شد.





## سومین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۰

سومین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۶۰برگزار شد. در این انتخابات بیش از ۲۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر واجد شرایط بودند که از این تعداد ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر (۷۴.۲۶ درصد) شرکت کردند. در این دوره ۴۶ نفر داوطلب شدند که پس از بررسی شورای نگهبان صلاحیت ۴ نفر تأیید شد. این افراد عبارت بودند از علی‌اکبر پرورش (نماینده‌ی مجلس)، سید رضا زواره‌ای (معاون وزارت کشور)، حسن غفوری فرد و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (نماینده‌ی شورای انقلاب و معاون وزارت دفاع) که با ۹۵ درصد آراء به ریاست جمهوری انتخاب شد. حکم تنفیذ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۷/۷/۶۰ توسط امام (ره) صادر شد.

## چهارمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۴

انتخابات چهارمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲۵/۵/۱۳۶۴ در سراسر کشور برگزار شد. در این دوره ۵۰ نفر داوطلب شدند که شورای نگهبان صلاحیت ۳ نفر را تأیید کرد.

در این انتخابات ۲۵ میلیون۱۳۳هزار و۸۰۲ نفر واجد شرایط بودند که از این تعداد ۱۴میلیون و ۲۳۸هزار و۵۸۷ نفر (۵۴.۷۸ درصد) شرکت کردند.

نامزدهای این دوره، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ۱۲میلیون و ۲۰۵هزار رأی (۸۵ درصد آراء)، حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان با ۲۷۸هزار و ۱۱۳ رأی (۱.۹۵ درصد) و محمود کاشانی با یک میلیون و ۴۰۲ هزار و ۹۵۳ رأی (۹.۸۵ درصد) بودند که آیت‌الله خامنه‌ای برای بار دوم با رأی قاطع مردم انتخاب شد.

## پنجمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۶۸

پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پس از ارتحال جانگداز رهبر انقلاب در تاریخ ۶/۵/۱۳۶۸ برگزار شد.

درحالی‌که چهارمین رییس‌جمهوری عملاً تا ۱۷ مهر آن سال باید در پست ریاست جمهوری انجام وظیفه می‌کرد، اما به علت ارتحال رهبر انقلاب در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۶۸ و انتخاب رییس‌جمهور وقت به رهبری نظام جمهوری اسلامی، انتخابات روز جمعه ۶ مردادماه برگزار و این دوره یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر انجام شد.

در این انتخابات ۳۰ میلیون ۱۳۹هزار و۵۹۸ نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد نفر ۱۶ میلیون ۴۵۲ هزار و۶۷۷ نفر(۵۴.۵۹ درصد) شرکت کردند.

در این دوره، ۷۹ نفر داوطلب شدند و دو نفر تأیید صلاحیت شدند که از میان آنها اکبر هاشمی رفسنجانی(رئیس مجلس شورای اسلامی) با ۱۵میلیون۵۵۰ هزار و ۵۲۸ رأی (۹۴ درصد) رییس‌جمهور شد و تعداد آرای عباس شیبانی (نماینده‌ی مجلس) برابر با ۶۳۵ هزار و ۱۶۵ (۳.۸۶ درصد) بود.

## ششمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۷۲

انتخابات ششمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱/۳/۱۳۷۲ برگزار شد. در این انتخابات ۳۳ میلیون ۱۵۶هزار و ۵۵ نفر واجد شرایطِ شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد ۱۶میلیون و۷۹۶ هزار و۷۸۷ نفر(۵۰.۶۶ درصد) شرکت کردند.

شـــورای نگهبان از میان ۱۲۸ نفری که ثبت‌نام کرده بودند ۴ نفر را تأیید کرد کـــه آراء آنها عبارتند: احمد توکلی(ســـردبیر اقتصادی روزنامه‌ی رســـالت) با ۴ میلیون ۲۶ هزار و ۸۷۹ رأی (۲۳.۹۷درصد)، عبدالله جاســـبی (رئیس دانشگاه آزاد اســـلامی) با یک میلیون و ۴۹۸ هزار و ۴۸۰ رأی (۸.۹۲ درصد)، رجبعلی طاهـــری (مجری طرح ســـازمان صنایع دفاع) با ۳۸۷ هـــزار و ۶۵۵ رأی (۲.۳۱ درصد) و اکبر هاشـــمی رفســـنجانی با ۱۰میلیون و ۵۶۶ هزار و ۴۹۹ رأی (۶۳ درصد).

در این دوره اکبر هاشـــمی رفســـنجانی برای بار دوم به عنوان رییس‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

## هفتمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۷۶

انتخابات هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۳/۱۳۷۶ برگزار شد. در این دوره ۳۶ میلیون ۴۶۶ هزار و ۴۸۷ نفر واجد شـــرایط شـــرکت در انتخابات بودنـــد کـــه از این تعداد ۲۹ میلیون ۱۴۵ هـــزار و ۷۴۵ نفر (۷۹.۹۲ درصد) در انتخابات شرکت کردند.

در این انتخابات ۲۳۸ نفر داوطلب شـــدند که از این تعداد ۴ نفر توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند.

ســـید محمـــد خاتمـــی بـــا ۲۰ میلیـــون ۱۳۸ هـــزار و ۷۸۴ رأی (۶۹ درصد)، حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق نوری با ۷ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۳۱۷ رأی، محمد محمدی ری‌شـــهری با ۷۴۴ هزار و ۲۰۵ رأی، سید رضا زواره‌ای با ۷۷۲ هزار و ۷۰۷ رأی. حکم تنفیذ حجت‌الاســـلام سید محمد خاتمی در روز ۱۲/۵/۱۳۷۶ از ســـوی مقام معظم رهبری صادر و وی به عنوان پنجمین رییس‌جمهور ایران معرفی شد.

## هشتمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۰

انتخابات هشتمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۱۸/۳/۱۳۸۰ برگزار شد. در این دوره ۴۲ میلیون ۱۷۰ هزار و ۲۳۰ نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات بودند که از این تعداد ۲۸ میلیون و ۱۵۵ هزار و ۹۶۹ نفر(۶۷.۷۷ درصد) شرکت کردند. در این انتخابات از میان ۸۱۷ داوطلب ثبت‌نام کننده، ۱۰ نفر توســـط شـــورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند که سید محمد خاتمی برای بار دوم با ۲۱ میلیون

و ۶۵۹ هزار و ۵۳ رأی (۷۷ درصد) رییس‌جمهور شد.
حکم تنفیذ حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۸۰ توسط مقام معظم رهبری صادر شد.

## نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴

نهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران در تاریخ ۲۷/۳/۱۳۸۴ برگزار شد. این دوره از انتخابات ریاست جمهوری طی دو مرحله برگزار شد و در جریان آن محمود احمدی‌نژاد به عنوان ششمین رییس‌جمهور ایران انتخاب شد.

نتایج انتخابات مرحله اول ریاست جمهوری دوره‌ی نهم: اکبر هاشمی رفسنجانی با ۶ میلیون و ۱۶۰هزار رأی (۲۱ درصد آراء) نفر اول، محمود احمدی‌نژاد با ۵ میلیون و ۷۱۰ هزار رأی (۱۹.۵درصد آراء) نفر دوم ، مهدی کروبی با ۵ میلیون و۷۰ هزار رأی (۱۷.۳ درصد آراء)، محمدباقر قالیباف با ۴ میلیون و۷۰ هزار رأی (۱۳.۹درصد آراء)، مصطفی معین با ۴ میلیون و۵۰ هزار رأی (۱۳.۸درصد آراء)، علی لاریجانی با ۱میلیون و ۷۴۰ هزار رأی (۵.۹ درصد) و محسن مهر علیزاده با یک میلیون و۲۹۰ هزار رأی (۴/۴ درصد ) به ترتیب در رتبه بعدی قرار گرفتند. تعداد آرای باطله نیز یک میلیون و۲۰۰ هزار رأی (۴.۲ درصد) کل آراء بوده است.

بر اساس نتایج مرحله‌ی اول، هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد به مرحله دوم راه یافتند. در مرحله‌ی دوم انتخابات، محمود احمدی‌نژاد موفق شد اکثریت آراء را به خود اختصاص دهد و حکم تنفیذ وی از سوی مقام معظم رهبری صادر و به‌عنوان رییس‌جمهور کشور برگزیده شد.

## دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۸

دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران، در روز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد. بر اساس اعلام رسمی وزارت کشور، محمود احمدی‌نژاد، با بیش از ۲۴ میلیون رأی، در این انتخابات با اختلاف رأی زیادی نسبت به میر حسین موسوی، که بیش از ۱۳ میلیون رأی داشت، به پیروزی رسید.

در این دوره، ۴۶ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۹۷۷ نفر واجد شرایط رأی دادن بودند که ۸۵ درصد از واجدین شرایط در این انتخابات شرکت کردند.

## نتایج تحلیل آماری ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

بررســی آمــاری ۱۰ دوره‌ی انتخابات ریاســت جمهــوری می‌تواند تحلیلی راهگشا و کارآمد در نظر به نوع و برخورد مردم در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب بالاترین مقام اجرایی کشور باشد.

مشارکت در حدود ۶۸ درصدی مردم در دور اول ریاست جمهوری با توجه به این که تمامــی نامزدها به نوعی در چهارچوب حکومت جدید بودند و هرکدام به نوعی دعوی به‌دســت آوردن کرسی ریاســت بالاترین نهاد اجرایی کشور را داشتند، اولین نکته‌ای است که در انتخاب دوره‌ی اول به چشم می‌خورد. علاوه بر فضای مسموم ایجاد شده توسط گروه‌های ضدانقلاب که در آن دوران هنوز اجازه‌ی فعالیت در صحنه سیاسی را داشتند، رد شدن جلال‌الدین فارسی نامزد مورد تأیید حزب جمهوری اســلامی و بسیاری از تشکل‌های ارزشی به بهانه‌ی تشکیک در ایرانی‌الاصل بودن نامبرده از جمله عوامل تنش‌زا در بستر اجتماعی مشارکت مردمی در بهمن‌ماه ۱۳۵۸ بود.

در دوره‌ی دوم اما علی‌رغم این که انقلاب نوپای ایران به دنبال اتخاذ مشــی مسلحانه و ترورهای کور توسط منافقین و دیگر گروه‌های ضدانقلاب، وارد یکی از بحرانی‌ترین مقاطع تاریخی خود شــده بود اما با حضور ۶۵ درصدی مردم و رأی در حدود ســیزده میلیونی رجایی به دنبال تــرور ۷۲ نفر از بهترین یاران انقلاب در هفتم تیرماه به نوعی واگویه این احساس ملت بود که شهید رجایی به همراه یار دیرینه‌اش دکتر باهنر همان نمادهایی هستند که می‌توانند استقامت و ایستادگی هر چه باشکوه‌تر ایران و ایرانی را به تماشا بگذارند و رأی به ایشان به معنای نمایش همبستگی و مقاومت ملت انقلابی ایران است.

اگرچه کینه‌توزی منافقین اجازه نداد که طعم این همدلی بیشــتر از یک ماه در جان و ذائقه ملت ایران بماند، ولی حضور آیت‌الله خامنه‌ای در دور ســوم که تنها یک ماه بعد از انتخابات دور دوم بود و مشــارکت ۷۵ درصدی مردم و رأی ۱۶.۸۰۰.۰۰۰ هــزار نفری آیت‌الله خامنه‌ای که چیزی در حدود ۹۵ درصد کل آرای مأخوذه بود، نشــان داد که مردم به هر کُنش مذبوحانه‌ای از آنچه و آن‌که دشمن می‌پنداشتند، واکنشی سترگ و حماسه‌وار نشان داده و می‌دهند.

اما دور چهارم، پنجم و ششم انتخابات ریاست جمهوری هر کدام بنا بر دلایل متعدد سیاســی، اجتماعی و اقتصادی با مشارکت نسبی مردم رو به رو شد که البتــه در تبیین آن ذکر چند نکته حائز اهمیت اســت. اول این که دور چهارم انتخابات مصادف با دومین دور ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود و برای مردم مسلم بود که ایشان کماکان منتخب ملتی خواهد بود که در شرایط

جنــگ و تحریم‌های اقتصادی اســت و تنش‌هایی که دربــاره‌ی ادامه جنگ و پذیرش قطعنامه در جامعه جریان دارد ایجاب می‌کند که سکان‌دار امور کشور تغییــر نیابــد، به همین دلیل آن‌گونه که در دوره‌های بعــد و در زمان دور دوم انتخاب هاشــمی و خاتمی ملاحظه می‌شــود به‌طور کل انتخابات از مشارکتی پایین‌تر در مقایسه با دور اول هر رییس‌جمهور برخوردار شده است.
اما دور پنجم که همراه با پایان جنگ و ضرورت سازندگی کشور و پس از ارتحال امام خمینی(ره) و در اوائل رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شود نیز برای مردم مسلم بود که تنها هاشمی رفسنجانی فردی است که از عهده‌ی این مهم بر می‌آید لذا رقیبی برای وی متصور نبود.
در دور ششــم نیز به دلیل شــرایط پیــش گفته در انتخابــات دومین دور هر رییس‌جمهوری افزایشــی در میزان مشــارکت دیده نمی‌شود، گرچه رأی آقای هاشمی به‌علت نخستین رقابت جدی در طول ادوار انتخابات ریاست جمهوری به نسبت افت می‌کند و رقیب ایشان آقای توکلی در مقایسه با رقبای سایر ادوار رأی قابل توجهی می‌آورد.
اما دور هفتم یکی از کم‌نظیرترین مشارکت‌های مردم بود. در این دوره شعارها و محورهای فکری جدیدی که آقای خاتمی مطرح کرد و وعده‌هایی که در مورد تغییر فضای سیاسی و فرهنگیِ موجود داد، مردم را به سوی این شعارهای جدید جذب نمود. این در حالی بود که رقیب ایشان وعده حفظ وضع موجود دوره‌ی هاشمی با انجام برخی تغییرات را می‌داد. ادامه‌ی این شوق به تازگی، در مردم باعث شد که حتی در تعاملی جدی، انتخابات مجلس ششم نیز در ید هم‌فکران سیاســی و اعضای حزبی خاص که داعیه‌ی طرفداران ایشــان را داشت، درآید.
با این وجود تحلیل مشــارکت بالای مردم در انتخاب هفتم ریاســت جمهوری نیــز همان‌گونه که تا به حال نقد و نظرهای بســیاری را برانگیخته قابل توجه اســت. این که برخلاف تبلیغ‌های ناروایی که معاندین نظام و رسانه‌های غربی در دوره‌ی پیش از انتخاب هفتم داشتند، رأی‌گیری یک انتصاب نانوشته از بالا نبود و تفکری که در جامعه وجود داشت باعث شد تا مشارکت بالای مردمی در این انتخابات صورت بگیرد و اصولاً مشارکت بالای مردم در همین راستا صورت گرفت و مردم خواســتند که قدرت انتخاب خود را به رخ بکشند اما در دوره‌ی هشــتم نیز که شاهد این مشــارکت تا ۶۶ درصد بوده‌ایم، انتخابات حضور ۱۰ نامزد ریاست جمهوری را تجربه کرد و شاید یکی از عللی که حضور مردم را در انتخاب هشتم به نسبت انتخابِ هفتم‌شان کمرنگ‌تر کرده همان تکثر نامزدها و جدی نگرفتن رقابت آنها با آقای خاتمی در ذهن مردم باشد.

■ **دوره‌ی اول :** انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۵/۱۱/۱۳۵۸ در سراسر کشور برگزار گردید. در این انتخابات ۱۲۴ نفر داوطلب شدند که صلاحیت هیچ یک رد نشد و تمامی این افراد وارد میدان رقابت شدند. جمعیت واجد شرایط جهت شرکت در این انتخابات ۲۰۸۵۷۳۹۱ نفر بود که از این تعداد مجموع آراء شرکت‌کنندگان ۱۴،۱۵۲،۹۰۲ نفر یعنی ۶۷.۸۶ درصد از مردم مشارکت نمودند. بر اساس ماده‌ی ۵ لایحه‌ی قانونی انتخابات اولین رییس‌جمهوری ایران مصوب ۲۸/۹/۵۸ شورای انقلاب: «وزارت کشور فهرست داوطلبان ریاست جمهوری که حائز شرایط تشخیص داده شد را جهت تأیید صلاحیت به حضور رهبر انقلاب تقدیم می‌نماید». با این وصف تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات اولیه ریاست جمهوری به عهده حضرت امام خمینی (ره) بود و ایشان تمام ۱۲۴ نفر را تأیید و در نهایت ۱۰۷ نفر در روز رأی‌گیری به رقابت پرداختند.
چهره‌های شاخصی که در این رقابت شرکت نمودند عبارتند از: ابوالحسن بنی‌صدر (وزیر دارایی وقت) با ۱۰،۷۵۳،۷۵۲ رأی (٪۷۵.۷) و دکتر حسن حبیبی (وزیر علوم و آموزش عالی وقت) با ۶۷۶،۸۵۲ رأی (٪۴.۷۸)، دکتر کاظم سامی، سرپرست جمعیت شیر خورشید سرخ ایران با ۱۶۱،۹۰ رأی (٪۰.۶۴) از چهره‌های شاخص دیگر صادق خلخالی، مسعود رجوی، سید احمد محسن (استاندار خوزستان) بودند.
اولین رییس‌جمهور کشور بنی‌صدر انتخاب گردید که پس از عزل وی توسط مجلس و حضرت امام (ره)، در یک سال و شش ماه بعد، دومین انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید.





■ **دوره‌ی دوم:** انتخابات دومین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۵/۶۰ پس از گذشت یک سال از آغاز جنگ تحمیلی برگزار گردید. بر اساس قانون مورخ ۱۳/۴/۶۰ مصوب مجلس شورای ملی (اسلامی) تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان گذاشته شد. در این دوره ۷۱ نفر داوطلب شدند که فقط صلاحیت ۴ نفر از سوی شورای نگهبان تأیید گردید. در این انتخابات ۲۲،۴۳۹،۹۳۰ نفر واجد شرایط شرکت در این انتخابات بوده‌اند که از این تعداد ۱۴،۵۷۳،۸۰۳ نفر یعنی ٪۶۴.۲۴ مردم شرکت کردند.
چهار چهره شاخصی که در این رقابت شرکت نمودند عبارت بودند از: سید اکبر پرورش(نماینده مجلس) با ۳۳۹،۶۴۶ رأی (٪۲.۶۷)، عباس شیبانی (پزشک) با ۶۵۸،۴۹۸ رأی (٪۴.۵۳)، حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان(نماینده مجلس) با ۲۴۹۴۵۷ رأی (٪۱.۷۲) که منتخب این دوره محمدعلی رجایی از میان

۱۴۵۷۳۸۰۳ نفر شـرکت‌کننده (٪۶۴.۲۴)، تعداد ۱۲۷۷۰۰۵۰ رأی (٪۹۰)، را به دسـت آورد که حکم تنفیذ وی توسط رهبر فقید انقلاب صادر شد. داستان تواضع و خشـوع او در مقابل ولایت امر مسـلمین و بوسـه بر دسـتان مبارک حضرت امام خمینی(ره) در هنگام دریافت حکم ریاسـت جمهوری داسـتانی ماندگار در تاریخ انقلاب و نظام است.

■ **دوره‌ی سوم:** پس از شهادت رییس‌جمهور شهید رجایی در هشتم شهریور ۱۳۶۰ بلافاصله مقدمات برگزاری انتخابات سـومین دوره‌ی ریاست جمهوری فراهم شد و این انتخابات در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۶۰ برگزار گردید. در این انتخابات ۲۲،۴۳۹،۹۳۰ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۱۶،۸۴۶،۷۱۵ نفر یعنی معادل ٪۷۴.۲۶ شـرکت نمودند. در این دوره ۴۶ نفر داوطلب شـدند که پس از بررسی شورای نگهبان صلاحیت ۴ نفر تأیید شد. این افراد عبارت بودند از علی‌اکبر پرورش(نماینده مجلس) با ۳۴۸۲۹۴ رأی (٪۲.۰۲)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (نماینده‌ی شورای انقلاب و معاون وزارت دفاع) با ۱۵،۹۰۵،۹۸۷ رأی (٪۹۵)، زواره‌ای (معاون وزارت کشور) با ۵۹،۰۵۸ رأی (٪۰.۳۸) و دکتر غفوری فرد با ۸۰۵۴۵ رأی (٪۰.۴۸).
نکته حائز اهمیت آن‌که آقایان محمدرضا مهدوی کنی، علی موحدی سـاوجی و دکتر ولایتی از جمله داوطلبان بودند که برخی توسـط شـورای نگهبان رد صلاحیت شدند و برخی نیز وارد میدان رقابت نشدند. منتخب این دوره حضرت آیـت‌الله خامنه‌ای بود که حکم تنفیذ وی در تاریخ ۱۷/۷/۱۳۶۰ توسـط رهبر فقید انقلاب صادر شد.

■ **دوره‌ی چهـارم:** انتخابات چهارمین دوره‌ی ریاسـت جمهـوری در تاریخ ۲۵/۵/۱۳۶۴ در سراسر کشور برگزار شد. در این انتخابات ۵۰ نفر داوطلب شدند که شورای نگهبان صلاحیت ۳ نفر را تأیید نمود. در این انتخابات ۲۵،۱۳۳،۸۰۲ نفر واجد شـرایط بودند کـه از این تعداد ۱۴،۲۳۸،۵۸۷ نفـر معادل ٪۵۴.۷۸ شـرکت نمودند. نامزدهای ایـن دوره و آرای آنها عبارتنـد از: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ۱۲،۲۰۵،۰۱۲ رأی (٪۸۵)، عسـگر اولادی مسـلمان با ۲۷۸،۱۱۳ رأی (٪۱.۹۵) و محمود کاشانی (استاد دانشگاه) ۱،۴۰۲،۹۵۳ رأی (٪۹.۸۵).

■ **دوره‌ی پنجـم:** انتخابات پنجمین دوره ریاسـت جمهـوری پس از ارتحال جانگـداز رهبر فقید انقلاب در تاریخ ۶/۵/۱۳۶۸ برگزار شـد. این در حالی بود

که چهارمین رییس‌جمهوری عملاً تا ۱۷ مهر آن سال باید در پست ریاست جمهوری انجام وظیفه نماید اما به‌علت ارتحال رهبر فقید انقلاب در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۶۸ و انتخاب رییس‌جمهور وقت به رهبری نظام جمهوری اسلامی، انتخابات روز جمعه ششم مردادماه برگزار گردید و این دوره یک ماه و نیم زودتر از موعد مقرر آغاز گردید. در فاصله‌ی ارتحال رهبر کبیر انقلاب و انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری، امورات مربوط به رییس‌جمهوری توسط رهبر جدید انجام می‌گرفت. در این انتخابات ۳۰،۱۳۹،۵۹۸ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۱۶،۴۵۲،۶۷۷ نفر شرکت کردند یعنی ٪۵۴.۵۹ واجدین شرایط.

همچنین در پنجمین دوره، ۷۹ نفر داوطلب شدند و دو نفر ایشان تأیید صلاحیت شدند که عبارتند از: هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) با ۱۵،۵۵۰،۵۲۸رأی (٪۹۴) و شیبانی (نماینده‌ی مجلس) با ۶۳۵،۱۶۵ رأی (٪۳.۸۶).

■ **دوره‌ی ششم:** انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱/۳/۱۳۷۲ برگزار گردید. در این انتخابات ۳۳،۱۵۶،۰۵۵ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۱۶،۷۹۶،۷۸۷ نفر معادل ٪۵۰.۶۶ شرکت نمودند. شورای نگهبان از میان ۱۲۸ نفری که ثبت‌نام کرده بودند ۴ نفر را تأیید نمود که عبارتند از: توکلی (سردبیر اقتصادی روزنامه‌ی رسالت) با ۴،۰۲۶،۸۷۹ رأی (٪۲۳.۹۷)، جاسبی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی) با ۱،۴۹۸،۰۸۴ رأی (٪۸.۹۲)، طاهری (مجری طرح سازمان صنایع دفاع) با ۳۸۷،۶۵۵ رأی (٪۲.۳۱)، هاشمی رفسنجانی با ۱۰،۵۶۶،۴۹۹ رأی (٪۶۳).

**دوره‌ی هفتم:** انتخابات هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری در تاریخ ۲/۳/۱۳۷۶ برگزار گردید. در این دوره ۳۶،۴۶۶،۴۸۷ نفر واجد شرایط شرکت بودند که از این تعداد ۲۹،۱۴۵،۷۴۵ نفر شرکت نمودند که معادل ٪۷۹.۹۲ بود و در این انتخابات ۲۳۸ نفر داوطلب شدند که از این تعداد چهار نفر توسط شورای نگهبان تأیید شدند. حجت‌الاسلام خاتمی با ۲۰،۱۳۸،۷۸۴ رأی (٪۶۹)، حجت‌الاسلام ناطق نوری با ۷،۲۴۸،۳۱۷ رأی، محمد ری‌شهری با ۷۴۴،۲۰۵ رأی، زواره‌ای با ۷۷۲،۷۰۷ رأی. حکم تنفیذ حجت‌الاسلام خاتمی در ۱۲/۵/۱۳۷۶ از سوی مقام معظم رهبری صادر شد.

**دوره‌ی هشتم:** انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۱۸/۳/۱۳۸۰ برگزار گردید. در این دوره ۴۲،۱۷۰،۲۳۰ نفر واجد شـرایط شرکت بودند که از این تعداد ۲۸،۱۵۵،۹۶۹ نفر شرکت نمودند که معادل ٪۶۷.۷۷ ضریب مشارکت مـردم بود. در این انتخابـات از میان ۸۱۷ داوطلب ثبت‌نـام کننده، تعداد ۱۰ نفر توسـط شـورای نگهبان تأیید شدند که سید محمد خاتمی برای بار دوم با ۲۱،۶۵۹،۰۵۳ رأی (٪۷۷) رییس‌جمهور شد و پس از آن دکتر توکلی، شمخانی، غفوری فرد، فلاحیان و جاسبی قرار گرفتند. حکم تنفیذ حجت‌الاسلام خاتمی در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۸۰ توسط مقام معظم رهبری صادر شد.

■ **دوره‌ی نهم:** نتایج انتخابات دورِ اول ریاسـت جمهوری دوره‌ی نهم نشـان می‌دهد که آقای هاشـمی رفسنجانی با ۶.۱۶ میلیون نفر (۲۱ درصد) نفر اول و آقـای احمدی‌نژاد با ۵.۷۱ میلیون نفـر (۱۹.۵ درصد ) نفر دوم بودند و پس از ایشـان آقایان کروبی بـا ۵.۰۷ میلیون نفر (۱۷.۳درصـد)، قالیباف با ۴.۰۷ میلیون نفر (۱۳.۹ درصد)، معین با ۴.۰۵ میلیون نفر (۱۳.۸ درصد)، لاریجانی با ۱.۷۴ میلیون نفر (۵.۹ درصد) و مهر علیزاده با ۱.۲۹ میلیون نفر (۴/۴ درصد) به ترتیـب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. تعـداد آرای باطله نیز ۱.۲ میلیون معـادل ۴.۲ درصد کل آراء بوده اسـت. در این دوره از انتخابات پراکندگی آراء و محبوبیت نامزدها در نقاط مختلف کشـور از تنوع قابل توجهی برخوردار بود. بر اسـاس نتایج مرحله‌ی اول آقایان هاشـمی و احمدی‌نژاد به مرحله دوم راه یافتند. در بین داوطلبین نام‌برده شـده، بیشترین میزانِ پراکندگیِ (واریانس) رأی اسـتانی به ترتیب آقایان احمدی‌نژاد ، کروبی و معین اختصاص دارد. رأی آقایان هاشـمی و قالیباف تقریباً در سطح کشور یکنواخت است اما رأی آقایان احمدی‌نژاد و کروبی دارای پراکندگی بالایی در سطح کشور بود.
در مرحله‌ی دوم انتخابات، آقای احمدی‌نژاد موفق شدند اکثریت آراء را به خود اختصاص دهند و به‌عنوان نهمین رییس‌جمهور کشور برگزیده شوند.

## آنچه در شهرستان‌ها گذشت

■ **شهرسـتان‌های کوچک:** به‌طور متوسط در ۲۰۰ شهرستان کوچک آقای کروبی (۲۲.۲ درصد)، هاشمی (۲۱.۲ درصد)، معین (۱۵.۳ درصد)، احمدی‌نژاد (۱۵ درصد) و قالیباف (۱۴.۴ درصد) به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را کسـب کرده‌انـد. آقایان کروبی و معین به‌طور متوسـط در شهرسـتان‌های با اکثریت

روســتایی رأی بالاتری در مقایسه با شهرستان‌های با اکثریت شهری به دست آورده‌اند. این نسبت برای آقایان هاشمی و قالیباف تفاوت قابل توجهی بین نقاط شهری و روستایی در شهرستان‌های کوچک ندارد. لیکن برای آقای احمدی‌نژاد آرای ایشان در نقاط شهری به مراتب بیشتر از نقاط روستایی است.

■ **شهرستان‌های متوسط:** در شهرستان‌های متوسط به‌طور میانگین آقایان کروبی (۲۲.۷درصد)، هاشمی (۲۱.۵ درصد)، احمدی‌نژاد (۱۶.۲ درصد)، معین (۱۶.۱ درصــد) و قالیبــاف (۱۵.۵ درصد) به ترتیب رتبه‌هــای اول تا پنجم را داشــته‌اند. همچنین بررســی آراء در نقاط شهری و روستایی نشان می‌دهد که آقایان هاشــمی، معین و قالیباف در شهرســتان‌های با اکثریت روســتایی رأی بیشــتری داشته‌اند در مورد آقای کروبی با درصد بسیار کمی وضعیت در نقاط شــهری بهتر بوده اســت و در مورد آقای احمدی‌نژاد همانند شهرســتان‌های کوچک ملاحظه می‌شــود که درصد آرای ایشان در نقاط شهری به میزان قابل توجهی بیشتر از نقاط روستایی است.

■ **شهرســتان‌های بزرگ:** در شهرستان‌های بزرگ کشور آقایان احمدی‌نژاد (۲۴.۸ درصد)، هاشــمی (۲۲.۷ درصد)، قالیبــاف (۱۵.۵درصد)، کروبی (۱۳.۸ درصــد) و معیــن (۱۳.۲ درصد) به ترتیب حائز اکثریت آراء شــده‌اند. در مورد آقایان هاشمی، قالیباف و معین، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در آرای نقاط شهری و روستایی وجود ندارد. لیکن آقای کروبی به‌طور قابل توجهی در نقاط روستایی دارای رأی بیشــتری اســت و آقای احمدی‌نژاد مشابه شــرایط شهرستان‌های کوچک و متوســط در شهرســتان‌های بــزرگ نیز در نقاط شــهری حائز آرای بیشتری شده‌اند.



## ۶۳ درصد آراء در دست احمدی‌نژاد

در مرحله‌ی دوم انتخابات ۲۷.۸ میلیون نفر به پای صندوق‌های رأی رفتند که در مقایسه با مرحله اول میزان مشارکت به مقدار ۵ درصد کاهش یافت.
محمود احمدی‌نژاد موفق به کســب ۶۳ درصد آراء شده و به ریاست جمهوری کشور برگزیده شد. بررسی آراء در مرحله دوم نشان می‌دهد که تفاوت چندانی در میزان کســب آراء توسط نامزدها در نقاط شهری و روستایی و همچنین در شــهرهای کوچک، متوسط و بزرگ مطابق طبقه‌بندی انجام شده، مشابه آنچه

در مرحله‌ی اول انتخابات بود، وجود ندارد.
در تمـــام این گروه‌ها احمدی‌نژاد به طور متوســـط آرایـــی بین ۶۱ تا ۶۸ درصد کسب کرد و آرای هاشمی نیز بین ۳۲ تا ۳۹ درصد متغیر بوده است. ملاحظه می‌شـــود که احمدی‌نژاد در مرحله‌ی دوم موفق شـــد آرای ســـایر نامزدها را به سمت خود جذب کند و یکی از نکات قابل توجه در مرحله‌ی دوم این است که در بررسی آرای آقای هاشمی و احمدی‌نژاد به تفکیک مناطق جغرافیایی کشور، تفاوت معنی‌داری ملاحظه می‌شود.
احمدی‌نژاد موفق به کسب اکثریت مطلق آراء به نسبت بهتری در مناطق غرب، جنوب و جنوب شرق کشور داشته است. به عنوان مثال محمود احمدی‌نژاد در پنج استان اصفهان، قم، قزوین، سمنان و چهارمحال و بختیاری به‌طور متوسط حدود ۷۴ درصد آراء را کسب کرد.

## جمع‌بندی ده مرحله انتخابات ریاست جمهوری

■ انتخابات دهمین دوره ریاســـت جمهوری در خرداد ۸۸ از حیث مشـــارکت مردمـــی در پای صندوق‌های رأی با حدود ۸۵ درصد اولین مقام را طول دوران جمهوری اســـلامی و در بین ۳۳ انتخابات برگزار شده‌ی پس از انقلاب اسلامی داراســـت. پس از آن همه‌پرسی جمهوری اسلامی قرار دارد که میزان مشارکت ۸۴ درصد بود.

■ در میان پنج رییس‌جمهوری منتخب گذشـــته (بنی‌صدر، رجایی، خامنه‌ای، هاشمی، خاتمی) در هشت دوره‌ی ریاست جمهوری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ٪۹۵.۰۳ بیشترین درصد آراء را کسب نمود.

■ هاشمی رفسنجانی در دومین دوره‌ی نامزدی خویش با ٪۶۳ کم‌ترین میزان درصد آراء را نسبت به سایر رؤسای جمهوری ایران کسب کرد.

■ کمترین میزان مشـــارکت مردم در هشت انتخابات ریاست جمهوری مربوط به ششـــمین دوره ریاســـت جمهوری در ۲۱ خرداد ۷۲ بـــا ٪۵۰.۶۶ و بالاترین مشـــارکت مردمی در دهمین دوره ریاســـت جمهوری در ۲۲ خرداد ۸۸ با ۸۵ درصد است.

■ بیشـــترین تعـــداد نامزدهای تأیید صلاحیت شـــده در اولین دوره ریاســـت

جمهوری با ۱۰۷ نفر و کمترین نامزدها در پنجمین دوره با ۲ نفر بوده است.

■ بیشـــترین افـــراد داوطلب ثبت‌نام کننده، مربوط بـــه دوره‌ی نهم و در حدود ۱۰۱۰ نفر اســـت که ۹۲۱ نفر مرد و ۸۹ نفر زن و کمترین افراد داوطلب با ۴۶ نفر مربوط به دوره‌ی سوم است.

■ مجری انتخابات در دوره‌های اول و دوم سرپرست وزارت کشور، حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، در دوره‌ی سوم وزیر کشور، سید کمال‌الدین نیک‌روش، در دوره‌ی چهارم وزیر کشور، حجت‌الاسلام ناطق نوری، در دوره‌ی پنجم وزیر کشور، محتشمی، در دوره‌ی ششم، وزیر کشور عبدالله نوری، در دوره‌ی هفتم بشارتی، در دوره‌های هشـــتم و نهم وزیر کشور، موسوی لاری و در دوره‌ی دهم کامران دانشجو بود. نگاهی به میزان مشـــارکت مردم آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری همراه با آمار سال‌های ۱۸۲۴ تا ۲۰۰۸

با بررسی آمار و ارقام موجود درباره‌ی میزان مشارکت آمریکاییان در انتخابات ریاست جمهوری مشخص می‌شود، بالاترین نرخ مشارکت ۸۱.۸ درصد مربوط به سال ۱۸۷۶ بوده و کمترین آن نیز با ۴۸.۹ درصد در سال ۱۹۲۴ به ثبت رسیده است. اگرچه اولین دوره‌ی انتخابات ریاســـت جمهوری آمریکا در سال ۱۷۸۸ برگزار شده است، اما تا سال ۱۸۲۸ یعنی یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری این کشور آمار دقیقی در خصوص میزان مشارکت آمریکاییان در این انتخابات وجود ندارد. اما بررســـی آمارهای سال ۱۸۲۸ تا سال ۲۰۰۸ نکات قابل توجهی را دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

■ بالاتریـــن نرخ مشـــارکت آمریکاییان در انتخابات ریاســـت جمهوری مربوط بیست و سومین دوره این انتخابات در سال ۱۸۷۶ بود در این دوره ۸۱.۸ درصد از مردم در انتخابات شرکت کرده بود.

■ از طرف دیگر کمترین میزان مشارکت نیز در سال ۱۹۲۴ اتفاق افتاد، در این دوره که سی و پنجمین دوره محسوب می‌شد فقط ۴۸.۹ درصد واجدین شرایط در انتخابات حضور داشتند.

■ با نگاهی به آمارها به این نتیجه می‌رسیم که حضور آمریکاییان در انتخابات

ریاســت جمهوری ســال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۹۰۸ ( البته به جز ســه دوره ۱۸۲۸، ۱۸۳۲ و ۱۸۳۶) به مراتب بیشــتر از انتخابات برگزار شده در یک قرن اخیر، از سال ۱۹۱۲ تا ۲۰۰۸ بوده است.

■ از سال ۱۹۱۲ تا سال ۲۰۰۸ میزان مشارکت مردم هیچ‌گاه بیشتر از ۶۳.۱۱ درصد، که در سال ۱۹۶۰ ثبت شده، نبوده است.

به‌عبــارت دیگر، بیشــترین میزان مشــارکت آمریکاییان در انتخابات ریاســت جمهــوری یک قرن اخیــر در ســال ۱۹۶۰ رقم خورده اســت و کمترین رقم مشارکت تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز در همین قرن اخیر و در سال ۱۹۲۴ اتفاق افتاد.

**میزان حضور مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری**

آمریکا از سال ۱۸۲۴ تا ۲۰۰۸ یعنی از دوره‌ی دهم تا دوره‌ی پنجاه و ششم به شرح زیر است:

■ سال ۱۸۲۸ میزان مشارکت ۵۷.۶ درصد
■ سال ۱۸۳۲ میزان مشارکت ۵۵.۴ درصد
■ سال ۱۸۳۶ میزان مشارکت ۵۷.۸ درصد
■ ســال ۱۸۴۰ میزان مشــارکت ۸۰.۲ درصد که سومین مشارکت حداکثری مردم در انتخابات آمریکا است.
■ سال ۱۸۴۴ میزان مشارکت ۷۸.۹ درصد
■ سال ۱۸۴۸ میزان مشارکت ۷۲.۷ درصد
■ سال ۱۸۵۲ میزان مشارکت ۶۹.۶ درصد
■ سال ۱۸۵۶ میزان مشارکت ۷۸.۹ درصد
■ ســال ۱۸۶۰ میزان مشــارکت ۸۱.۲ درصد که دومین مشــارکت حداکثری آمریکاییان در تاریخ انتخابات محسوب می‌شود.
■ سال ۱۸۶۴ میزان مشارکت ۷۳.۸ درصد
■ سال ۱۸۶۸ میزان مشارکت ۷۸.۱ درصد
■ سال ۱۸۷۲ میزان مشارکت ۷۱.۳ درصد
■ ســال ۱۸۷۶ میــزان مشــارکت ۸۱.۸ درصــد که بالاترین نرخ مشــارکت آمریکاییان در انتخابات ریاست جمهوری این کشور محسوب می‌شود.
■ سال ۱۸۸۰ میزان مشارکت ۷۹.۴ درصد
■ سال ۱۸۸۴ میزان مشارکت ۷۷.۵ درصد

- سال ۱۸۸۸ میزان مشارکت ۷۹.۳ درصد
- سال ۱۸۹۲ میزان مشارکت ۷۴.۷ درصد
- سال ۱۸۹۶ میزان مشارکت ۷۹.۳ درصد
- سال ۱۹۰۰ میزان مشارکت ۷۳.۲ درصد
- سال ۱۹۰۴ میزان مشارکت ۶۵.۲ درصد
- سال ۱۹۰۸ میزان مشارکت ۶۵.۴ درصد
- سال ۱۹۱۲ میزان مشارکت ۵۸.۸ درصد
- سال ۱۹۱۶ میزان مشارکت ۶۱.۶ درصد
- سال ۱۹۲۰ میزان مشارکت ۴۹.۲ درصد که سومین مشارکت اندک پس از سال ۱۹۱۲(یک قرن اخیر) است.
- سال ۱۹۲۴ میزان مشارکت ۴۸.۹ درصد که کمترین میزان مشارکت در این کشور است.
- سال ۱۹۲۸ میزان مشارکت ۵۶.۹ درصد
- سال ۱۹۳۲ میزان مشارکت ۵۶.۹ درصد
- سال ۱۹۳۶ میزان مشارکت ۶۱ درصد
- سال ۱۹۴۰ میزان مشارکت ۶۲.۵ درصد
- سال ۱۹۴۴ میزان مشارکت ۵۵.۹ درصد
- سال ۱۹۴۸ میزان مشارکت ۵۳ درصد
- سال ۱۹۵۲ میزان مشارکت ۶۳.۳ درصد
- سال ۱۹۵۶ میزان مشارکت ۶۰.۶ درصد
- سال ۱۹۶۰ میزان مشارکت ۶۳.۱۱ درصد
- سال ۱۹۶۴ میزان مشارکت ۶۱.۹۳ درصد
- سال ۱۹۶۸ میزان مشارکت ۶۰.۸۳ درصد
- سال ۱۹۷۲ میزان مشارکت ۵۵.۲۲ درصد
- سال ۱۹۷۶ میزان مشارکت ۵۳.۵۳ درصد
- سال ۱۹۸۰ میزان مشارکت ۵۲.۶۰ درصد
- سال ۱۹۸۴ میزان مشارکت ۵۳.۱۱ درصد
- سال ۱۹۸۸ میزان مشارکت ۵۰.۱۱ درصد
- سال ۱۹۹۲ میزان مشارکت ۵۵.۱۰ درصد
- سال ۱۹۹۶ میزان مشارکت ۴۹ درصد که دومین مشارکت اندک پس از سال ۱۹۱۲ محسوب می‌شود.
- سال ۲۰۰۰ میزان مشارکت ۵۱.۲۱ درصد

- سال ۲۰۰۴ میزان مشارکت ۵۶.۶۹ درصد
- سال ۲۰۰۸ میزان مشارکت ۵۸.۲۰ درصد

با نگاهی به آمار و ارقام ارائه شـــده می‌توان نتیجه گرفت که در ده دوره‌ی آخر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی هیچ‌گاه به ۶۰ درصد نرسیده است و این امر برای کشوری که خود را داعیه‌دار دموکراسی در جهان می‌داند بسیار ناگوار است.
شـــاید بتوان دلیل عدم استقبال گسترده مردم از انتخابات ریاست جمهوری را از دست رفتن اعتماد آنها به دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات دانست که در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، عنوان ریاست جمهوری را قبضه کرده و اجازه نداده‌اند حزب دیگر یا نامزد مستقل بر سر کار آید.
در طول انتخابات آمریکا تنها افراد معدودی مانند جورج واشـــنگتن، جان آدامز (حزب فدرال) و آبراهام لینکن بوده‌اند که از احزابی خارج از حزب جمهوری‌خواه و دموکرات به کاخ سفید راه یافته و قدرت را در دست گرفته‌اند.

مقایسه میزان مشارکت مردم در انتخابات‌های ریاست جمهوری ایران و آمریکا نشـــان می‌دهد که علی‌رغم کاهش میزان مشـــارکت مردم آمریکا در نیم قرن اخیر در کشـــوری که خود را مهد دمکراسی دنیا می‌خواند اما این مشارکت در جمهوری اســـلامی ایران نه تنها کاهش نیافته بلکه در یازدهمین دوره ریاست جمهـــوری به رکورد خیره‌کننده‌ی ۸۵ درصدی می‌رســـد کـــه برای انقلابی در دهه‌ی چهارم یک شـــگفتی تمام‌عیار اســـت چرا که تمامی دانشـــمندان علوم سیاسی و اجتماعی، دهه‌ی چهارم و پنجم انقلاب‌ها را دوره‌ی نزول و فروپاشی انقلاب‌ها و کاهش شور و حرارت‌ها می‌دانند درحالی‌که این آموزه‌های کلاسیک در انقلاب اسلامی ایران رنگ باخته است.